



مرکز تحقیقات اسلامی

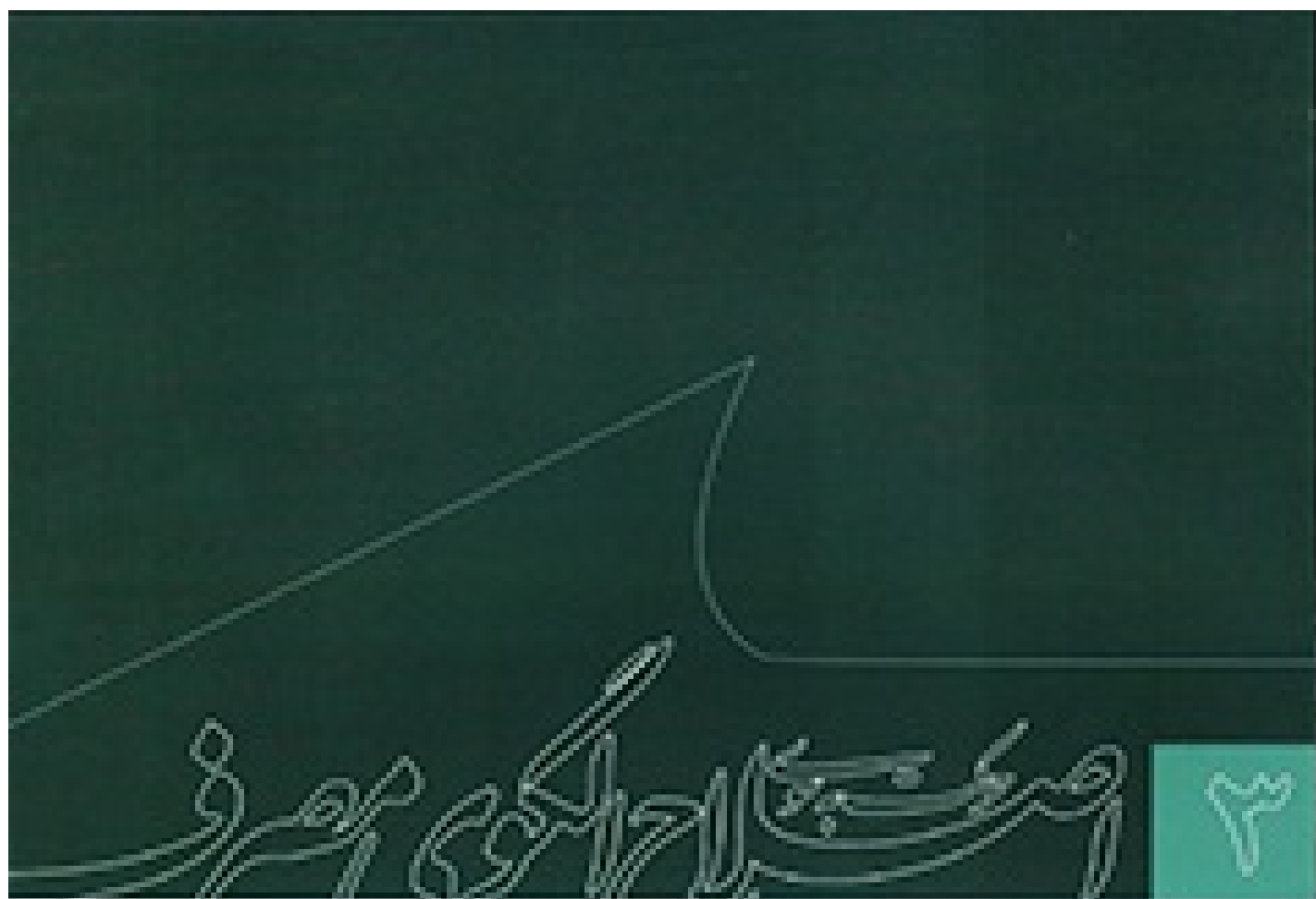
اصفهان

گامی



الرحمن
علیه صاب

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir



بایدها و نبایدهای مصرف

به کوشش: سید حسین اسحاقی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بایدها و نبایدهای مصرف

نویسنده:

حسین اسحاقی

ناشر چاپی:

مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۱۴	بایدها و نبایدهای مصرف
۱۴	مشخصات کتاب
۱۴	اشاره
۱۶	فهرست مطالب
۳۱	دیباچه
۳۳	پیش گفتار
۳۷	بخش اول: اسراف یا اعتدال در مصرف
۳۷	اشاره
۳۹	فصل اول: چگونگی مصرف در اسلام
۳۹	اشاره
۳۹	۱. مطلوبیت استفاده از نعمت ها
۴۴	۲. ایجاد گشایش در زندگی
۴۵	۳. بهبود کیفی زندگی و تشویق به زیباسازی
۴۷	فصل دوم: اقتصاد سالم در پرتو میانه روی در مصرف
۴۷	اشاره
۴۷	۱. مفهوم اعتدال
۴۹	۲. اهمیت اعتدال در قرآن
۵۰	۳. اسلام، دین اعتدال
۵۱	۴. ویژگی امت اسلام
۵۳	۵. اعتدال و میانه روی در قرآن و حدیث
۵۴	۶. سفارش به اعتدال در زندگی
۵۵	۷. آثار مثبت اعتدال
۵۷	۸. نفی الگوپذیری از مصرف بیگانگان

۵۸	۹. پرهیز از سخت گیری در زندگی
۶۰	۱۰. استفاده از زینت، نه کالاهای لوکس
۶۴	فصل سوم: قناعت، گنج ناتمام
۶۴	اشاره
۶۵	۱. مفهوم طمع و قناعت
۶۶	۲. اهمیت و آثار قناعت
۶۶	اشاره
۶۶	الف) عامل عزّت و سربلندی
۶۷	ب) ایجاد حسّ بی نیازی واقعی
۶۷	ج) ایجاد آرامش روانی
۶۸	د) آزادی فکری
۷۲	فصل چهارم: آسیب های مادی و معنوی اسراف و تبذیر و راه های برون رفت از آن
۷۲	اشاره
۷۲	۱. مفهوم اسراف و تبذیر
۷۴	۲. مصداق های اسراف مالی و تبذیر
۷۴	اشاره
۷۴	الف) مصداق های اسراف
۷۶	ب) مصداق های تبذیر
۷۹	۳. معیارهای تشخیص اسراف
۸۱	۴. عوامل اسراف
۸۱	اشاره
۸۲	الف) خودنمایی
۸۳	ب) تربیت خانوادگی
۸۵	ج) فساد اخلاقی
۸۶	د) تقلید
۸۸	هـ) وسواس

- ۸۹ (و) ثروت اضافی
- ۹۰ ۵. انواع اسراف
- ۹۰ اشاره
- ۹۱ الف) اسراف در مصرف شخصی
- ۹۱ اشاره
- ۹۱ یک - اسراف در خوردنی ها و نوشیدنی ها
- ۹۴ دو - اسراف در پوشاک و وسیله نقلیه
- ۹۸ سه - اسراف در مسکن و وسایل زندگی
- ۱۰۰ چهار - انباشت سرمایه و تجمل گرایی
- ۱۰۰ اشاره
- ۱۰۲ کوچک های بزرگ در اسراف
- ۱۰۵ ب) اسراف در اموال عمومی
- ۱۰۵ اشاره
- ۱۰۶ یک - اسراف در منابع طبیعی
- ۱۰۶ اشاره
- ۱۰۸ اول - جنگل ها
- ۱۱۰ دوم - منابع آبی
- ۱۱۲ سوم - نفت و گاز
- ۱۱۳ چهارم - دیگر منابع
- ۱۱۴ دو - اسراف در بیت المال
- ۱۱۶ ۶. آثار منفی اسراف
- ۱۱۶ اشاره
- ۱۱۶ الف) زیان های فردی
- ۱۱۶ اشاره
- ۱۱۶ یک - گرفتار شدن به خشم الهی
- ۱۱۷ دو - محرومیت از هدایت الهی

- سه - دچار شدن به فقر ۱۱۸
- چهار - هلاکت ۱۱۸
- پنج - کیفر اخروی ۱۱۸
- (ب) زبان های اجتماعی ۱۱۹
- اشاره ۱۱۹
- یک - کاهش تولید ۱۱۹
- دو - سقوط اخلاقی ۱۱۹
- سه - افزایش اختلاف طبقاتی ۱۲۰
۷. راه های برون رفت از اسراف و تبذیر ۱۲۱
- اشاره ۱۲۱
- (الف) تقویت باورهای دینی ۱۲۱
- (ب) نظارت همگانی ۱۲۲
- (ج) اجرای عدالت ۱۲۳
- (د) پرهیز خواص از تجمل گرایی ۱۲۳
- (ه-) معرفی الگوهای مناسب در جامعه ۱۲۴
- (و) سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به عنوان الگوی مناسب مدیران ۱۲۶
- بخش دوم: رفاه زدگی یا ساده زیستی در مصرف ۱۳۰
- اشاره ۱۳۰
- فصل اول: جنبه های گوناگون رفاه زدگی ۱۳۲
- اشاره ۱۳۲
۱. زمینه های کسب ثروت و قدرت ۱۳۲
۲. مفهوم رفاه ۱۳۳
۳. فلسفه رفاه زدگی ۱۳۴
۴. عوامل رفاه زدگی ۱۳۵
- اشاره ۱۳۵
- (الف) عوامل درونی ۱۳۵

- ۱۳۵ اشاره
- ۱۳۵ یک - پیروی از هواهای نفسانی و وسوسه های شیطانی
- ۱۳۸ دو - احساس ضعف شخصیت
- ۱۳۸ سه - غفلت زدگی
- ۱۴۰ چهار - دنیاگرایی
- ۱۴۲ پنج - فراموشی مرگ و قیامت
- ۱۴۳ شش - چشم وهم چشمی
- ۱۴۴ (ب) عوامل بیرونی
- ۱۴۴ اشاره
- ۱۴۴ یک - فرهنگ جامعه
- ۱۴۷ دو - تبلیغات تجاری
- ۱۴۷ سه - تحمیل الگوی مصرف غربی
- ۱۵۱ چهار - تجمل گرایی خواص و حاکمان
- ۱۵۴ فصل دوم: پی آمدهای نامناسب رفاه زدگی و تجمل گرایی
- ۱۵۴ اشاره
- ۱۵۴ ۱. تباهی سرمایه های مادی
- ۱۵۶ ۲. زمینه سازی برای گناهان
- ۱۵۷ ۳. گسترش فقر در جامعه
- ۱۵۸ ۴. تبدیل ارزش به ضد ارزش
- ۱۵۸ ۵. کاهش معنویت در جامعه
- ۱۶۰ ۶. از بین رفتن آرامش واقعی
- ۱۶۱ ۷. ناتوانی در انجام وظیفه
- ۱۶۲ ۸. فراموشی یاد خدا و قیامت
- ۱۶۳ ۹. ورشکستگی و بدهکاری
- ۱۶۴ ۱۰. رویارویی با حق و حقیقت
- ۱۶۴ ۱۱. گرفتار شدن به عذاب الهی

- ۱۶۵ ----- ۱۲. استکبار
- ۱۶۶ ----- ۱۳. تحقیق دیگران
- ۱۶۷ ----- ۱۴. مصون دانستن خود از عذاب اخروی
- ۱۶۷ ----- ۱۵. تجاوز به حقوق دیگران
- ۱۶۸ ----- ۱۶. دگرگونی در بینش
- ۱۶۸ ----- ۱۷. دیگر آثار رفاه زدگی
- ۱۷۰ ----- فصل سوم: سیره عملی بزرگان در پرهیز از اسراف و رفاه طلبی
- ۱۷۰ ----- اشاره
- ۱۷۰ ----- ۱. امام خمینی رحمه الله
- ۱۷۰ ----- اشاره
- ۱۷۲ ----- مرا جهنمی نکنید
- ۱۷۳ ----- تبسمی زیبا، ولی تلخ
- ۱۷۴ ----- سر کردن با یک عبا
- ۱۷۵ ----- تهیه قبا برای امام
- ۱۷۵ ----- نه کولر، نه ماشین
- ۱۷۶ ----- چیزی لای دیوار بگذار
- ۱۷۶ ----- راضی شدن با هزار مکافات
- ۱۷۶ ----- از شما توقع نداشتم
- ۱۷۷ ----- از بیت المال نمی توانم خرج کنم
- ۱۷۷ ----- منزل ساده امام در نجف و تهران
- ۱۷۸ ----- بگذارید خانه به همین سبک باشد
- ۱۷۸ ----- مگر منزل صدراعظم است؟
- ۱۷۹ ----- دیوار منزل امام فرو ریخت
- ۱۷۹ ----- میز کوچک، تنها مبلمان خانه
- ۱۸۰ ----- سادگی امام مرا مجذوب خود کرد
- ۱۸۰ ----- بیست سال اجاره نشین بود

- ۱۸۱ منزل بی آرایش یک رهبر
- ۱۸۱ همه زندگی امام
- ۱۸۲ اگر پیدا نشود، به قم می روم
- ۱۸۳ زاهد واقعی
- ۱۸۳ زنی طلبگی
- ۱۸۴ بسنده کردن به نان و پنیر و چای
- ۱۸۴ ابتکار جدید در زندگی
- ۱۸۵ صدور مجوز خرید یخچال
- ۱۸۵ برخورداری از خانه ای محقر و لباسی ساده
- ۱۸۶ میهمان داری
- ۱۸۶ استفاده شخصی از تلفن دفتر، هرگز
- ۱۸۷ حساب و کتاب دقیق
- ۱۸۸ نامه نگاری روی کاغذهای کوچک
- ۱۸۸ نوشتن روی کاغذهای باطله
- ۱۸۹ خرید گوجه فرنگی نوبرانه برای طلاب، ممنوع
- ۱۹۰ سهم امام را نمی شود به فقیر داد
- ۱۹۱ نداشتن تلفن شخصی
- ۱۹۱ ممنوعیت استفاده از بیت المال حتی در سوگ فرزند
- ۱۹۲ کنترل همه خریدهای خانگی
- ۱۹۲ مهتابی غیر لازم، خاموش
- ۱۹۲ اسراف در روشنی
- ۱۹۳ یک قطره آب اضافی، هرگز
- ۱۹۳ استفاده کردن از نصفه دیگر آب لیوان
- ۱۹۴ لامپ اضافی خاموش
- ۱۹۴ مصرف، در حد احتیاج
- ۱۹۴ اسراف نکردن در کاغذ

- ۱۹۵ وضو گرفتن با یک قوری آب
- ۱۹۵ پرهیز از اسراف آب
- ۱۹۷ دقت به هنگام خرید
- ۱۹۷ ۲. رهبر معظم انقلاب ۱
- ۱۹۷ اشاره
- ۱۹۸ خوراک مختصر
- ۱۹۹ مسکن کوچک
- ۱۹۹ استفاده از لباس های کهنه
- ۲۰۰ سیره عملی در زندگی خانوادگی
- ۲۰۰ اشاره
- ۲۰۲ الف) کیفیت زندگی قبل از ریاست جمهوری
- ۲۰۲ اشاره
- ۲۰۳ زندگی با زیرانداز ساده
- ۲۰۴ وارستگی و قناعت
- ۲۰۵ رعایت حق دیگران
- ۲۰۵ ب) کیفیت زندگی بعد از ریاست جمهوری
- ۲۰۵ اشاره
- ۲۰۶ توجه به اقتصاد خانواده
- ۲۰۶ سماور برقی در دوران جنگ
- ۲۰۷ گوشت کوبنی
- ۲۰۷ زیلو، نه فرش
- ۲۰۸ نهایت صرفه جویی
- ۲۰۸ ج) کیفیت زندگی بعد از رهبری
- ۲۰۸ اشاره
- ۲۰۸ ساده زیستی
- ۲۰۹ پرهیز از تنوع گرایی در غذا

- ۲۰۹ زندگی کوپنی
- ۲۱۰ اُمَلت ساده
- ۲۱۰ اسراف در آب و برق حرام است
- ۲۱۰ وسایل کهنه زندگی
- ۲۱۱ زندگی باورنکردنی
- ۲۱۱ ساده زیستی کامل
- ۲۱۱ درمان فرزند همانند دیگر مردم
- ۲۱۲ ناگفته های زندگی خصوصی آیت الله خامنه ای در مصاحبه با آقای مروی
- ۲۱۷ ۳. ساده زیستی و قناعت در سیره دیگر علما ۱
- ۲۱۷ اشاره
- ۲۱۷ آیت الله العظمی بروجردی
- ۲۱۷ آیت الله شیخ عبدالکریم حائری
- ۲۱۹ آخوند خراسانی
- ۲۱۹ صاحب جواهر
- ۲۱۹ آیت الله اشرفی اصفهانی
- ۲۲۰ آیت الله محمدحسن مامقانی
- ۲۲۲ سخن آخر
- ۲۲۹ کتابنامه
- ۲۲۹ الف) کتاب ها
- ۲۳۳ ب) نشریه
- ۲۳۵ درباره مرکز

سرشناسه: اسحاقی، حسین، ۱۳۴۱ -

عنوان و نام پدیدآور: بایدها و نبایدهای مصرف / به کوشش حسین اسحاقی؛ تهیه کننده مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما.

مشخصات نشر: قم: دفتر عقل، ۱۳۸۸.

مشخصات ظاهری: ۱۷۷ ص.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۵۶۳-۱۹-۱

وضعیت فهرست نویسی: فیا

یادداشت: کتابنامه: ص. ۱۷۷-۱۷۵؛ همچنین به صورت زیرنویس.

موضوع: مصرف -- جنبه های مذهبی -- اسلام

موضوع: اسراف -- جنبه های مذهبی -- اسلام

شناسه افزوده: صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران. مرکز پژوهش های اسلامی.

رده بندی کنگره: ۱۳۸۸ ب۲ ۴۷الف / ۳۵/۲۵۰ BP

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۶۳۲

شماره کتابشناسی ملی: ۱۸۲۴۱۳۴

ص: ۱

اشاره

بایدها و نبایدهای مصرف

کد: ۱۴۸۶

به کوشش: سید حسین اسحاقی

ویراستار: محمدصادق دهقان

تهیه کننده: مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما

ص: ۲

فهرست مطالب

فهرست مطالب ۳

دبیاچه ۱

پیش گفتار ۳

بخش اول ۷

اسراف یا اعتدال در مصرف ۷

فصل اول: چگونگی مصرف در اسلام ۹

۱. مطلوبیت استفاده از نعمت ها ۹

۲. ایجاد گشایش در زندگی ۱۴

۳. بهبود کیفی زندگی و تشویق به زیباسازی ۱۵

فصل دوم: اقتصاد سالم در پرتو میانه روی در مصرف ۱۷

۱. مفهوم اعتدال ۱۷

۲. اهمیت اعتدال در قرآن ۱۸

۳. اسلام، دین اعتدال ۱۹

۴. ویژگی امت اسلام ۲۰

۵. اعتدال و میانه روی در قرآن و حدیث ۲۲

۶. سفارش به اعتدال در زندگی ۲۳

ص: ۳

۷. آثار مثبت اعتدال ۲۴

۸. نفی الگوپذیری از مصرف بیگانگان ۲۶

۹. پرهیز از سخت گیری در زندگی ۲۷

۱۰. استفاده از زینت، نه کالاهای لوکس ۲۹

فصل سوم: قناعت، گنج ناتمام ۳۳

۱. مفهوم طمع و قناعت ۳۴

۲. اهمیت و آثار قناعت ۳۵

الف) عامل عزّت و سربلندی ۳۵

ب) ایجاد حسّ بی نیازی واقعی ۳۶

ج) ایجاد آرامش روانی ۳۶

د) آزادی فکری ۳۷

فصل چهارم: آسیب های مادی و معنوی اسراف و تبذیر و راه های برون رفت از آن ۴۱

۱. مفهوم اسراف و تبذیر ۴۱

۲. مصداق های اسراف مالی و تبذیر ۴۲

الف) مصداق های اسراف ۴۲

ب) مصداق های تبذیر ۴۳

۳. معیارهای تشخیص اسراف ۴۶

۴. عوامل اسراف ۴۸

الف) خودنمایی ۴۹

ب) تربیت خانوادگی ۵۰

ج) فساد اخلاقی ۵۲

د) تقلید ۵۳

هـ) وسواس ۵۵

و) ثروت اضافی ۵۶

ص: ۴

۵. انواع اسراف ۵۷

الف) اسراف در مصرف شخصی ۵۸

یک - اسراف در خوردنی ها و نوشیدنی ها ۵۸

دو - اسراف در پوشاک و وسیله نقلیه ۶۰

سه - اسراف در مسکن و وسایل زندگی ۶۴

چهار - انباشت سرمایه و تجمل گرایی ۶۶

کوچک های بزرگ در اسراف ۶۸

ب) اسراف در اموال عمومی ۷۱

یک - اسراف در منابع طبیعی ۷۲

اول - جنگل ها ۷۴

دوم - منابع آبی ۷۶

سوم - نفت و گاز ۷۸

چهارم - دیگر منابع ۷۹

دو - اسراف در بیت المال ۸۰

۶. آثار منفی اسراف ۸۲

الف) زیان های فردی ۸۲

یک - گرفتار شدن به خشم الهی ۸۲

دو - محرومیت از هدایت الهی ۸۲

سه - دچار شدن به فقر ۸۳

چهار - هلاکت ۸۳

پنج - کیفر اخروی ۸۳

ب) زیان های اجتماعی ۸۴

یک - کاهش تولید ۸۴

دو - سقوط اخلاقی ۸۴

سه - افزایش اختلاف طبقاتی ۸۴

۷. راه های برون رفت از اسراف و تبذیر ۸۵

ص: ۵

الف) تقویت باورهای دینی ۸۵

ب) نظارت همگانی ۸۵

ج) اجرای عدالت ۸۶

د) پرهیز خواص از تجمل گرایی ۸۶

هـ-) معرفی الگوهای مناسب در جامعه ۸۷

و) سیره پیامبر اکرم ۹ به عنوان الگوی مناسب مدیران ۸۹

بخش دوم ۹۳

رفاه زدگی یا ساده زیستی در مصرف ۹۳

فصل اول: جنبه های گوناگون رفاه زدگی ۹۵

۱. زمینه های کسب ثروت و قدرت ۹۵

۲. مفهوم رفاه ۹۶

۳. فلسفه رفاه زدگی ۹۷

۴. عوامل رفاه زدگی ۹۸

الف) عوامل درونی ۹۸

یک - پیروی از هواهای نفسانی و وسوسه های شیطانی ۹۸

دو - احساس ضعف شخصیت ۱۰۰

سه - غفلت زدگی ۱۰۰

چهار - دنیا گرایی ۱۰۲

پنج - فراموشی مرگ و قیامت ۱۰۴

شش - چشم وهم چشمی ۱۰۵

ب) عوامل بیرونی ۱۰۶

یک - فرهنگ جامعه ۱۰۶

دو - تبلیغات تجاری ۱۰۸

سه - تحمیل الگوی مصرف غربی ۱۰۸

ص: ۶

چهار - تجمل گرایی خواص و حاکمان ۱۱۲

فصل دوم: پی آمدهای نامناسب رفاه زدگی و تجمل گرایی ۱۱۵

۱. تباهی سرمایه های مادی ۱۱۵

۲. زمینه سازی برای گناهان ۱۱۷

۲. گسترش فقر در جامعه ۱۱۸

۴. تبدیل ارزش به ضد ارزش ۱۱۹

۵. کاهش معنویت در جامعه ۱۱۹

۶. از بین رفتن آرامش واقعی ۱۲۱

۷. ناتوانی در انجام وظیفه ۱۲۲

۸. فراموشی یاد خدا و قیامت ۱۲۳

۹. ورشکستگی و بدهکاری ۱۲۴

۱۰. رویارویی با حق و حقیقت ۱۲۵

۱۱. گرفتار شدن به عذاب الهی ۱۲۵

۱۲. استکبار ۱۲۶

۱۳. تحقیر دیگران ۱۲۷

۱۴. مصون دانستن خود از عذاب اخروی ۱۲۸

۱۵. تجاوز به حقوق دیگران ۱۲۸

۱۶. دگرگونی در بینش ۱۲۹

۱۷. دیگر آثار رفاه زدگی ۱۲۹

فصل سوم: سیره عملی بزرگان در پرهیز از اسراف و رفاه طلبی ۱۳۱

۱. امام خمینی (ره) ۱۳۱

مراجهنی نکنید ۱۳۱

تبسمی زیبا، ولی تلخ ۱۳۱

سر کردن با یک عبا ۱۳۲

ص: ۷

تهیه قبا برای امام ۱۳۳

نه کولر، نه ماشین ۱۳۳

چیزی لای دیوار بگذار ۱۳۴

راضی شدن با هزار مکافات ۱۳۴

از شما توقع نداشتم ۱۳۴

از بیت المال نمی توانم خرج کنم ۱۳۵

منزل ساده امام در نجف و تهران ۱۳۵

بگذارید خانه به همین سبک باشد ۱۳۶

مگر منزل صدراعظم است؟ ۱۳۶

دیوار منزل امام فرو ریخت ۱۳۷

میز کوچک، تنها مبلمان خانه ۱۳۷

سادگی امام مرا مجذوب خود کرد ۱۳۸

بیست سال اجاره نشین بودم ۱۳۸

منزل بی آرایش یک رهبر ۱۳۹

همه زندگی امام ۱۳۹

اگر پیدا نشود، به قم می روم ۱۴۰

زاهد واقعی ۱۴۱

زی طلبگی ۱۴۱

بسندگی کردن به نان و پنیر و چای ۱۴۲

ابتکار جدید در زندگی ۱۴۲

صدور مجوز خرید یخچال ۱۴۳

برخورداری از خانه ای محقر و لباسی ساده ۱۴۳

میهمان داری ۱۴۴

استفاده شخصی از تلفن دفتر، هرگز ۱۴۴

حساب و کتاب دقیق ۱۴۵

نامه نگاری روی کاغذهای کوچک ۱۴۶

نوشتن روی کاغذهای باطله ۱۴۶

ص: ۸

خرید گوجه فرنگی نوبرانه برای طلاب، ممنوع ۱۴۷

سهم امام را نمی شود به فقیر داد ۱۴۸

نداشتن تلفن شخصی ۱۴۹

ممنوعیت استفاده از بیت المال حتی در سوگ فرزندان ۱۴۹

کنترل همه خریدهای خانگی ۱۵۰

مهتابی غیر لازم، خاموش ۱۵۰

اسراف در روشنی ۱۵۰

یک قطره آب اضافی، هرگز ۱۵۱

استفاده کردن از نصفه دیگر آب لیوان ۱۵۱

لامپ اضافی خاموش ۱۵۲

مصرف، در حد احتیاج ۱۵۲

اسراف نکردن در کاغذ ۱۵۲

وضو گرفتن با یک قوری آب ۱۵۳

پرهیز از اسراف آب ۱۵۳

دقت به هنگام خرید ۱۵۵

۲. رهبر معظم انقلاب ۱۵۵

خوراک مختصر ۱۵۷

مسکن کوچک ۱۵۷

استفاده از لباس های کهنه ۱۵۷

سیره عملی در زندگی خانوادگی ۱۵۸

الف) کیفیت زندگی قبل از ریاست جمهوری ۱۶۰

زندگی با زیرانداز ساده ۱۶۱

وارستگی و قناعت ۱۶۲

رعایت حق دیگران ۱۶۳

ب) کیفیت زندگی بعد از ریاست جمهوری ۱۶۳

توجه به اقتصاد خانواده ۱۶۴

سماور برقی در دوران جنگ ۱۶۵

ص: ۹

گوشت کوپنی ۱۶۵

زیلو، نه فرش ۱۶۵

نهایت صرفه جویی ۱۶۶

ج) کیفیت زندگی بعد از رهبری ۱۶۶

ساده زیستی ۱۶۶

پرهیز از تنوع گرایی در غذا ۱۶۷

زندگی کوپنی ۱۶۷

أملت ساده ۱۶۸

اسراف در آب و برق حرام است ۱۶۸

وسایل کهنه زندگی ۱۶۹

زندگی باورنکردنی ۱۶۹

ساده زیستی کامل ۱۶۹

درمان فرزند همانند دیگر مردم ۱۷۰

ناگفته های زندگی خصوصی آیت الله خامنه ای در مصاحبه با آقای مروی ۱۷۰

۳. ساده زیستی و قناعت در سیره دیگر علما ۱۷۵

آیت الله العظمی بروجردی ۱۷۵

آیت الله شیخ عبدالکریم حائری ۱۷۶

آخوند خراسانی ۱۷۶

صاحب جواهر ۱۷۶

آیت الله اشرفی اصفهانی ۱۷۷

آیت الله محمدحسن مامقانی ۱۷۷

سخن آخر ۱۷۹

کتابنامه ۱۸۶

الف) کتاب ها ۱۸۶

ب) نشریه ۱۸۸

ص: ۱۰

نیک می دانیم که نعمت های موجود در کره زمین برای ساکنان آن کافی است. با این حال، می بینیم گرسنگی پدیده ای جهانی به شمار می رود و بیشتر ساکنان روی زمین از گرسنگی رنج می کشند. گرسنگی را طبیعت به ما تحمیل نکرده است، بلکه خاستگاه این فاجعه، شرایط فرهنگی جامعه های انسانی است. (۱)

دلیل پیدایش و گسترش چنین وضعیتی همانا بی توجهی گروه بی شماری از انسان ها به محدود بودن منابع غذایی و زیست محیطی جهان است. از این رو، این منابع را با اسراف کاری هدر می دهند. به این ترتیب، جهان روز به روز با خطر کمبود منابع روبه رو می شود.

امروزه بسیاری از جامعه های پیشرفته با آگاهی از این مشکل، پی برده اند که نادیده انگاشتن این موضوع ممکن است به بحران های بزرگی در آینده تبدیل شود. به همین دلیل، می کوشند هر آنچه را دور ریختنی است، مانند زباله ها، تفاله ها و فاضلاب ها، بازیافت و دوباره از آنها استفاده کنند. آنها احساس کرده اند مواد موجود در طبیعت، نامحدود نیستند که به آسانی بتوان از آنها صرف نظر کرد، بلکه از همه آنها باید به صورت

ص: ۱

«دَوْرانی» بهره گرفت. در واقع، نمی توان نعمت های خدادادی را به رایگان هدر داد.

آموزه های اسلامی درباره بایسته ها و ناشایسته های مصرف، فراوان است و توصیه های مؤکدی دارد. برای معرفی فرهنگ مصرف، در این نوشتار، از میانه روی و اعتدال و قناعت در مصرف سخن به میان آمده و آسیب های مادی و معنوی اسراف و تبذیر و راه های برون رفت از آن، و از سیره عملی بزرگان در پرهیز از اسراف و رفاه طلبی یاد شده است. امید که در سال اصلاح الگوی مصرف، این دست مایه برای برنامه ریزان و برنامه سازان رسانه فرهنگ ساز اسلامی، مفید واقع شود و در پاسخ به ندای رهبر فرزانه انقلاب، اصلاح فرهنگی در زمینه مصرف به وجود آید.

و اِنَّهٗ ولى التوفيق

گروه جامعه شناسی

اداره کل پژوهش

مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما

ص: ۲

از دیدگاه اسلام، اسراف یکی از ناپسندترین اعمال به شمار می رود و در آیات و روایات فراوانی نکوهش شده است. برای نمونه، در حدیثی می خوانیم که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از راهی عبور می کرد. یکی از یارانش به نام سعد مشغول وضو گرفتن بود و آب زیاد می ریخت. به او فرمود: ای سعد! چرا اسراف می کنی؟ عرض کرد: آیا در آب وضو نیز اسراف است؟ فرمود: «آری، هرچند کنار نهر جاری باشی».^(۱)

همچنین از آن حضرت نقل شده است که روزی دستور داد خرماي تازه برای خوردن حاضران بیاورند. بعضی خرما را می خوردند و هسته آن را دور می افکندند. ایشان فرمود: «این کار را نکنید که تبهذیر است و خدا فساد را دوست نمی دارد».^(۲)

بنابراین، بر اساس آموزه های اسلام، هر کس موظف است از مال خود به اندازه «کفاف» خرج کند. کفاف، قدری از مال را گویند که برای هزینه

ص: ۳

-
- ۱- ملامحسن فیض کاشانی، تفسیر صافی، ج ۳، ص ۱۸۸.
 - ۲- ملامحسن فیض کاشانی، تفسیر صافی، ج ۳، ص ۱۸۸.

زندگی انسان و خانواده اش در حد اعتدال کفایت کند و خرج کردن بیش از آن، اسراف است.

موضوع رفاه طلبی و رفاه زدگی یکی از مباحث مهم اقتصادی است که در رهنمودهای حضرت امام خمینی رحمه الله به طور صریح و آشکار آمده و یکی از آفت های مهم اجتماعی است که می تواند آینده جامعه ایران و انقلاب اسلامی را با خطر جدی روبه رو سازد. اگر شرایطی برای مردم کشور پیش بیاید که مستلزم ایثار، تلاش و تحمل سختی و فشار باشد، قشر مرفه بی درد، خود را از میدان حادثه کنار می کشند و با فرار از تمام مسئولیت های دینی و انقلابی، خود، خانواده و امکانات مادی شان را از خطر دور می کنند و ملت و کشور را در شرایط بحرانی و خطیر تنها می گذارند.

حضرت امام خمینی رحمه الله در مورد رفاه طلبی می فرماید:

ملت عزیز ما که مبارزان حقیقی و راستین ارزش های اسلامی هستند، به تجربه دریافته اند که مبارزه با رفاه طلبی سازگار نیست و آنهایی که چنین تصویری دارند، با الفبای مبارزه بیگانه اند. بحث مبارزه و رفاه، بحث قیام و راحت طلبی، بحث دنیا طلبی و آخرت است که دو مقوله ای که هرگز با هم جمع نمی شود. (۱)

در آغاز سال جدید خورشیدی، رهبر معظم انقلاب نیز تمام مردم را به قناعت، صرفه جویی و پرهیز از اسراف و رفاه طلبی فراخواند و فرمود:

لازم است به عنوان یک سیاست، ما مسئله صرفه جویی را در خطوط اساسی برنامه ریزی هایمان در سطوح مختلف اعمال کنیم. مردم عزیزمان توجه داشته باشند که صرفه جویی به معنای مصرف نکردن نیست؛

ص: ۴

۱- روح الله موسوی خمینی رحمه الله، صحیفه نور، ج ۲۰، ص ۲۳۵.

صرفه جویی به معنای درست مصرف کردن، به جا مصرف کردن، ضایع نکردن مال، مصرف را کارآمد و ثمربخش کردن است.

اسراف در اموال و در اقتصاد این است که انسان مال را مصرف کند، بدون اینکه این مصرف اثر و کارآیی داشته باشد. مصرف بیهوده و مصرف هرز، در حقیقت، هدر دادن مال است. جامعه ما باید این مطلب را به عنوان یک شعار همیشگی در مقابل داشته باشد؛ چون وضع جامعه ما از لحاظ مصرف، وضع خوبی نیست. این را من عرض می کنم؛ ما باید اعتراف کنیم به این مسئله. عادت های ما، سنت های ما، روش های غلطی که از این و آن یاد گرفته ایم، ما را سوق داده است به زیاده روی در مصرف به نحو اسراف. یک نسبتی باید در جامعه میان تولید و مصرف وجود داشته باشد؛ یک نسبت شایسته ای به سود تولید؛ یعنی تولید جامعه همیشه باید بر مصرف جامعه افزایش داشته باشد. جامعه از تولید موجود کشور استفاده کند؛ آنچه که زیادی هست، صرف اعتلای کشور شود. امروز در کشور ما این جوری نیست. مصرف ما به نسبت، از تولیدمان بیشتر است؛ این، کشور را به عقب می رساند؛ این، ضررهای مهم اقتصادی بر ما وارد می کند؛ جامعه دچار مشکلات اقتصادی می شود. در آیات شریفه قرآن بارها راجع به پرهیز از اسراف در امور اقتصادی تأکید شده؛ این به خاطر همین است. اسراف، هم لطمه اقتصادی می زند، هم لطمه فرهنگی می زند. وقتی جامعه ای دچار بیماری اسراف شد، از لحاظ فرهنگی هم بر روی او تأثیرهای منفی می گذارد. بنابراین، مسئله صرفه جویی و اجتناب از اسراف، فقط یک مسئله اقتصادی نیست؛ هم اقتصادی است، هم اجتماعی است، هم فرهنگی است؛ آینده کشور را تهدید می کند. (۱)

این پژوهش با هدف اجرایی و نهادینه کردن رهنمودهای مقام معظم رهبری، در دو بخش «اسراف یا اعتدال» در مصرف و «رفاه طلبی یا

ص: ۵

ساده زیستی» با استفاده از سایت های گوناگون و اندوخته های پژوهشی نویسندگان توانمند و مقالات اندیش ورزان ارجمند، تدوین یافته است. بنابراین آنچه که از قوّت و وزانت در مجموعه حاضر یافت می شود، مرهون تلاش های علمی این بزرگواران می باشد.

ص: ۶

بخش اول: اسراف یا اعتدال در مصرف

اشاره

بخش اول: اسراف یا اعتدال در مصرف

زیر فصل ها

فصل اول: چگونگی مصرف در اسلام

فصل دوم: اقتصاد سالم در پرتو میانه روی در مصرف

فصل سوم: قناعت، گنج ناتمام

فصل چهارم: آسیب های مادی و معنوی اسراف و تبذیر و راه های برون رفت از آن

ص: ۷

فصل اول: چگونگی مصرف در اسلام

استفاده از نعمت های الهی به اندازه ای که انسان بتواند حیات و سلامتی خود را حفظ کند و با نشاط کامل، وظایف فردی و اجتماعی اش را انجام دهد، نه تنها امری مطلوب، بلکه از نظر اسلام، واجب و لازم است. دین اسلام، استفاده از نعمت ها را برای ایجاد گشایش و رفاه نسبی در زندگی با در نظر گرفتن حقوق دیگران و خودداری از اسراف و تبذیر تشویق کرده است. به طور کلی، اسلام بر بهبود کیفی زندگی و آراستگی ظاهر هر فرد تأکید دارد و تظاهر به فقر و فلاکت همراه با ژولیدگی را نکوهش می کند.

۱. مطلوبیت استفاده از نعمت ها

۱. مطلوبیت استفاده از نعمت ها

خداوند در قرآن کریم با بیان عنوان هایی چون: «رزق الهی»، «طیبات» و «زینت» به استفاده از نعمت های الهی فرمان داده و تحریم آنها را نکوهش و نهی کرده است. در قرآن، تقویت انگیزه شکرگزاری و سپاس در وجود انسان و بیان حدود و مقرراتی برای استفاده صحیح و معقول از نعمت ها به چشم می خورد. مناسب است در اینجا برخی آیات مربوط به بحث را با توضیح کوتاهی بیان کنیم:

۱. فَكُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ حَلَالًا طَيِّبًا وَاشْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ إِنَّ كُنتُمْ لِنِهَا تَعْبُدُونَ. (نحل: ۱۱۴)

پس، از نعمت های حلال و پاکیزه ای که خداوند روزی تان کرده است، بخورید و اگر فقط خدا را می پرستید، سپاس گزار او باشید.

۲. کُلُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَلَا تَطْعَمُوا فِيهِ... (طه: ۸۱)

از چیزهای پاکیزه که روزی تان کرده ایم، بخورید و از حد نگذرید.

۳. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَحَرِّمُوا طَيِّبَاتِ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكُمْ... (مائده: ۸۷)

ای کسانی که ایمان آورده اید! روزی های پاکیزه ای را که خداوند بر شما حلال کرده است، بر خود حرام نکنید.

۴. يَا بَنِي آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَكُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَالطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ... (اعراف: ۳۱ و ۳۲)

ای فرزندان آدم! زینت های خود را هنگام ورود به هر پرستشگاهی (مسجد) بگیرید و بخورید و بیاشامید، ولی اسراف نکنید. [ای پیامبر!] بگو چه کسی زینت الهی و روزی های پاکیزه ای را که خداوند برای بندگانش قرار داده، حرام و ممنوع گردانیده است.

هر چیزی که از انسان عیب پوشی کند و موجب آراستگی او باشد، «زینت» است، مانند کمالات اخلاقی یا انواع لباس ها و آرایش هایی که نظر دیگران را به انسان جلب می کند و نفرت را می زداید. بنابراین، لباس کهنه، موی ژولیده، بدن کثیف، آلودگی و بی نظمی در منزل یا محیط کار و وسایل زندگی، نمونه هایی از عوامل نفرت زاست که خداوند متعال آنها را برای یک انسان، به ویژه فرد باایمان نمی پسندد. خداوند، انسان را به طور فطری، اجتماعی آفرید، زیبایی و آراستگی را محبوب فطری انسان قرار داد و چگونگی آراستن خویش را به او الهام کرد تا با برقراری روابط

اجتماعی، نیازهای روحی و مادی خود را برآورده سازد و دیگران نیز او را پذیرا باشند.

«رزق طیب» شامل انواع خواست های مطبوع و ملایم با طبع انسان، نظیر لباس، خوراک، مسکن، همسر و دیگر نیازهای انسان می شود. بنابراین، به طور طبیعی، باید جاذبه هایی در زندگی انسان وجود داشته باشد. انسان نیز نباید بر خود سخت بگیرد، بلکه باید در حدّ اعتدال و به اندازه نیاز، از غذای مطبوع، لباس پاکیزه، مسکن راحت و مرکب مناسب استفاده کند. اگر در این جهت، راه تفریط را بپیماید و بر خود سخت بگیرد، نه تنها از انجام مسئولیت های فردی و اجتماعی باز می ماند، بلکه با از دست دادن سلامت و تمرکز حواس، برای عبادت نیز نشاطی نخواهد داشت و به تدریج، به صورت موجودی بی خاصیت درمی آید و سربار جامعه می شود.

چنین فردی که فطرت خود را زیر پا نهاده باشد، گویی جهان خلقت برای او آفریده نشده و او نیز برای زندگی در این جهان به دنیا نیامده است؛ زیرا از اشیای موافق و ملایم با طبعش گریزان است. خداوند متعال می فرماید: «قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَ الطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ؛ بگو چه کسی زینت های الهی را که برای بندگان خود آفریده و روزی های پاکیزه را حرام کرده است.» بنابراین، خداوند چیزهای مطبوع را برای همه انسان ها، به ویژه بندگان صالحش آفریده است و هیچ دلیلی بر اباحه آنها بالاتر از جاذبه طبع و موافقت فطرت انسانی با آنها، به شرط اعتدال نیست. (۱)

ص: ۱۱

سیره عملی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و روش زندگی معصومان علیه السلام نیز بر این مطلب دلالت دارد. در مورد زندگی امام سجاد علیه السلام آمده است که آن حضرت عبایی از خز به مبلغ پانصد یا هزار درهم خریداری می کرد و چون زمستان را با آن می گذرانید، می فروخت و بهایش را صدقه می داد.^(۱) درباره زندگی امام صادق علیه السلام می خوانیم که فردی به نام یوسف بن ابراهیم بر آن حضرت وارد شد، در حالی که جبه و پوستینی از خز پوشیده بود، گفت: فدایت شوم! این لباس خز است؛ نظر شما درباره آن چیست؟ حضرت در جواب فرمود:

خز اشکالی ندارد... . در حادثه کربلا، امام حسین علیه السلام در حالی به شهادت رسید که بر بدن ایشان روپوشی از خز بود. وقتی امیرالمؤمنین علی علیه السلام ابن عباس را به سوی خوارج فرستاد، او بهترین لباس های خود را پوشید، عطر زد و بهترین مرکبش را سوار شد و نزد آنها رفت. خوارج گفتند: تو از بهترین مردم هستی و با لباس جباران و مرکبی چون مرکب آنها نزد ما آمدی! ابن عباس این آیه را در جواب آنها تلاوت کرد: «قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ ...».^(۲)

امام علی علیه السلام در تفسیر آیه «وَأَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ»^(۳) (ضحی: ۱۱) می فرماید:

به خدا سوگند! به کار گرفتن و بیان نعمت های الهی با عمل، نزد او از انجام این کار با سخن محبوب تر است.^(۴)

در روایت دیگری آمده است که امام علی علیه السلام فرمود:

ص: ۱۲

۱- رضی الدین طبرسی، مکارم الاخلاق، صص ۱۰۶ و ۱۰۷.

۲- محمد بن یعقوب، کلینی، الفروع الکافی، ج ۶، ص ۴۴۲، ح ۷.

۳- نعمت پروردگارت را برای دیگران بازگو کن.

۴- محمد بن یعقوب کلینی، الاصول الکافی، ترجمه و شرح: جواد مصطفوی، ج ۱، ص، ۴۱۱.

زمانی که خداوند نعمتی را به یکی از بندگانش عنایت می کند، دوست دارد آثار برخورداری از آن نعمت را در زندگی او ببیند. (۱)

به فرموده علامه طباطبایی در المیزان، روایات در زمینه مجاز بودن استفاده از نعمت ها و خلاصه آزادی و تنوع مصرف، فراوان است که جامع ترین آنها روایتی است که ابان بن تغلب از امام صادق علیه السلام نقل می کند. امام صادق علیه السلام فرمود:

آیا چنین می پنداری که اگر خداوند به کسی نعمتی داد، از کرامت و بزرگی آن شخص است و اگر از کسی دریغ دارد، از خواری اوست؟ نه، چنین نیست. مالک مال و ثروت، خداست که به دست هرکسی بخواهد، به امانت می سپارد و خوردن، آشامیدن، پوشیدن و سایر تصرفات، را در آن مباح کرده، به شرطی که رعایت اعتدال و اقتصاد را بنماید و مازاد آن را به فقراي مؤمن رسانیده، تا با آن امور خود را اصلاح نمایند و در غیر این صورت، همه آن تصرفات، غیرمجاز و حرام خواهد بود. (۲)

گاهی مردم می گویند چون دنیاطلبی ممکن است با انحراف و آلودگی همراه باشد، بهتر است افراد باایمان تا آنجا که امکان دارد از نعمت های دنیوی کمتر استفاده کنند. از نظر اسلام، این اندیشه، مردود است. امام صادق علیه السلام در این باره می فرماید:

زمانی که نعمت ها فراوان شد و دنیا به انسان رو آورد، بندگان شایسته و افراد باایمان به استفاده از آنها سزاوارترند. (۳)

ص: ۱۳

۱- میرزا حسین نوری، وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۱۰۳، فی آداب اللباس.

۲- نک: سید محمدحسین طباطبایی، المیزان، تحقیق: محمدابوالفضل ابراهیم، ج ۸، ص ۹۳.

۳- محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۴۷، ص ۲۳۲.

۲. ایجاد گشایش در زندگی

خداوند وسایل گشایش در زندگی، افزایش رفاه و آسان تر کردن کارها را برای انسان فراهم ساخته است. در قرآن خطاب به انسان ها آمده است که برای شما حیوانات بارکش آفریدیم تا بارهای سنگین شما را به محل هایی ببرند که جز با سختی نمی توانستید برسانید. سپس آفرینش وسایل دیگری را برای تسهیل در امور زندگی نوید می دهد که بشر در زمان نزول قرآن از آن باخبر نبوده است. (۱) بنابراین، اسلام، انسان ها را تشویق می کند تا با استفاده بهتر از نعمت های الهی، آسان تر کردن امور زندگی و صرفه جویی در نیروی بدنی و زمان لازم برای انجام کاری، فرصت بیشتری برای عبادت خداوند، فراگرفتن معارف الهی، رسیدگی به تهذیب نفس و تربیت دیگران فراهم کنند. (۲)

پیشوایان معصوم بر ایجاد گشایش در زندگی تأکید کرده و سخت گیری را ناپسند دانسته اند. امام رضا علیه السلام می فرماید: «شایسته است که مرد در زندگی اش گشایش ایجاد کند تا برای او آرزوی مرگ نکنند». (۳)

اسلام کار و تلاش برای ایجاد گشایش بیشتر در زندگی را می ستاید و موجب کسب مقام اخروی و پاداش الهی می داند. امام باقر علیه السلام می فرماید:

کسی که برای طلب رزق و روزی خود به منظور حفظ آبرو نزد مردم و ایجاد گشایش در زندگی خانواده و فرزندانش و لطف و عنایت به همسایه اش تلاش کند، روز قیامت در حالی که صورتش چون ماه شب چهاردهم است، به دیدار خدا می رود. (۴)

ص: ۱۴

۱- نک: نحل: ۷ و ۸.

۲- دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، مبانی اقتصاد اسلامی، ص ۱۲۸.

۳- وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۲۴۹.

۴- فروع الکافی، ج ۵، ص ۷۸.

۳. بهبود کیفی زندگی و تشویق به زیباسازی

۳. بهبود کیفی زندگی و تشویق به زیباسازی

اسلام به جز توسعه کمی زندگی، بر بهبود کیفی آن نیز تأکید دارد. به همین دلیل، زیبایی و آراستگی را از نیازهای بشر دانسته است که باید اشباع شود. خداوند، پیامبران را با کتاب های آسمانی فرستاد تا آدمیان نه تنها از نظر روحی و باطنی به بهترین روش تربیت شوند، بلکه بهداشت و زیبایی ظاهری خویش را نیز به طور کامل رعایت کنند؛ زیرا رعایت این اصل، در تحکیم روابط و پیوندهای اجتماعی نقش مهمی دارد. از این رو، قرآن کریم دستور می دهد تا افراد باایمان هنگام رفتن به مسجد، خود را بیارایند و با وضع نامرتب و آلوده وارد محیط پاک مسجد نشوند. (۱) پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید: «خداوند، زیبای را دوست دارد و دوست دارد اثر نعمتش را در زندگی بنده اش ببیند». (۲)

در سیره عملی پیامبر گرامی اسلام آمده است که آن حضرت خود را در آینه می نگریست و موی سر خویش را شانه می زد و آن را مرتب می کرد. ایشان نه تنها در محیط خانه، بلکه هنگام خروج از خانه و حضور میان اصحاب، به آراستگی ظاهر خویش توجه داشت. آن حضرت در این باره می فرمود: «خداوند دوست دارد وقتی بنده او به سوی برادران دینی اش از خانه بیرون می رود، خود را آماده سازد و بیاراید». (۳)

سفارش اسلام به عطر زدن را در همین زمینه می توان تفسیر کرد. امام صادق علیه السلام در این باره می فرماید: «العِطْرُ مِنْ سُنَنِ الْمُرْسَلِينَ؛ استفاده از عطر از روش های پیامبران الهی است». (۴) در شرح زندگی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آمده است که

ص: ۱۵

۱- نک: اعراف: ۳۱.

۲- فضل بن حسن طبرسی، مکارم الاخلاق، ص ۱۰۳.

۳- فضل بن حسن طبرسی، مکارم الاخلاق، صص ۳۴ و ۳۵.

۴- الفروع الکافی، ج ۶، ص ۵۱۰، ح ۲.

بخش قابل توجهی از هزینه زندگی آن حضرت صرف خرید عطر می شد. امام صادق علیه السلام در حدیث دیگری می فرماید:

خداوند زیبایی و آراستگی را دوست دارد و در مقابل، بیچارگی و فلاکت را زشت و ناپسند می داند. خدا دوست دارد وقتی به بنده ای نعمت داد، او را برخوردار و بهره مند و اثر آن را در زندگی او آشکار ببیند. (۱)

به این ترتیب، نتیجه می گیریم که از نظر اسلام، بهره مندی از نعمت ها و امکانات، ایجاد گشایش در زندگی و بهبود کیفی آن مطلوب است. با این حال، در مورد چگونگی بهره گیری از نعمت های زندگی باید اعتدال را رعایت کرد. (۲)

ص: ۱۶

-
- ۱- در ادامه راوی می پرسد: چگونه اثر نعمت را آشکار سازد؟ حضرت می فرماید: لباس خود را تمیز و آراسته قرار دهد؛ از عطریات استفاده کند و خانه خود را سفیدکاری کند. (وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۳۴۱، ح ۹)
 - ۲- نک: محمد جمال خلیلیان، الگوی مصرف در اسلام.

فصل دوم: اقتصاد سالم در پرتو میانه روی در مصرف

زیر فصل ها

۱. مفهوم اعتدال

۲. اهمیت اعتدال در قرآن

۳. اسلام، دین اعتدال

۴. ویژگی امت اسلام

۵. اعتدال و میانه روی در قرآن و حدیث

۶. سفارش به اعتدال در زندگی

۷. آثار مثبت اعتدال

۸. نفی الگوپذیری از مصرف بیگانگان

۹. پرهیز از سخت گیری در زندگی

۱۰. استفاده از زینت، نه کالاهای لوکس

۱. مفهوم اعتدال

۱. مفهوم اعتدال

زیاده روی و کوتاهی کردن یا افراط و تفریط در هر کاری ناپسند است. این سفارش، حکم عقلانی است و به آن اعتدال می گویند که برگرفته از عدل است.

کسی که عادل است، به افراط و تفریط گرایش ندارد؛ زیرا عدل به معنای قرار دادن هر چیزی در جای خود است و به کارگیری هر چیزی برای کار خاص خود می تواند به مفهوم عدل نزدیک باشد. در مقابل، کسی که اعتدال نداشته باشد، به فساد گرایش دارد. به همین دلیل، پس از هر کار غیرمعتدلی، از فساد در کار سخن به میان می آید.

بر این اساس، نوعی رابطه منطقی میان اعتدال و اصلاح می توان یافت، به این معنا که هر کار معتدلی، صالح و درست و هر کار غیرمعتدلی، فاسد است و به اصلاح نیاز دارد. به طور کلی، اصلاحات به معنای بازسازی کاری است که به دلیل اعتدال نداشتن به فساد گراییده است.

در قرآن برای بیان مفهوم «اعتدال»، از واژه «قصد» استفاده شده است. واژگانی چون «وسط»، «سواء» و «حنیف» نیز به این معنا به کار رفته است،

ص: ۱۷

ولی بیشترین کاربرد در مفهوم و اصطلاح گفته شده را در واژه «قصد» و «اقتصاد» می توان یافت. از این رو، در روایات اسلامی به پیروی از قرآن، واژه «قصد» برای بیان اصطلاح «اعتدال» به کار رفته است. (۱)

۲. اهمیت اعتدال در قرآن

۲. اهمیت اعتدال در قرآن

در آموزه های قرآن، اعتدال در هر امری پسندیده شمرده شده است. حتی بسیاری از آیه های قرآن با هدف ایجاد اعتدال در قوای انسانی و مهار و هدایت آن به سوی اعتدال نازل شده است.

در ارزش و اعتبار اعتدال و میانه روی همین بس که در قرآن از «راه راست» به «راه میانه» یاد می شود. در آیه ۲۲ سوره قصص از زبان حضرت موسی علیه السلام بیان شده که راه میانه، راه درست هدایت است. «قَالَ عَسَى رَبِّي أَنْ يَهْدِيَنِي سَوَاءَ السَّبِيلِ؛ حضرت موسی گفت: شاید پروردگارم مرا به راه میانه و اعتدال هدایت کند».

حضرت ابراهیم علیه السلام نیز دین خود را دین اعتدال و میانه می شمارد و از آن به «حنیف» یاد می کند تا بفهماند میانه روی تا چه اندازه اصالت دارد و مهم است.

خداوند در بیان ویژگی های دین ابراهیمی که از اصالت خاصی برخوردار است، می فرماید:

مَا كَانَ إِبْرَاهِيمُ يَهُودِيًّا وَلَا نَصْرَانِيًّا وَلَكِنْ كَانَ حَنِيفًا مُسْلِمًا وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ. (آل عمران: ۶۷)

ص: ۱۸

۱- نک: نهج البلاغه، ترجمه: علی نقی فیض الاسلام، خطبه های ۹۴، ۱۰۳، ۱۹۵، ۲۲۲ و نامه های ۲۱ و ۳۱ و حکمت ۱۴۰.

ابراهیم نه یهودی بود و نه نصرانی، بلکه او بر دین معتدل اسلام بود و از مشرکان نیز نبود.

۳. اسلام، دین اعتدال

۳. اسلام، دین اعتدال

می دانیم که دو شریعت کنونی یهودی و مسیحی در دو سوی خط افراط و تفریط قرار گرفته اند. یکی در اوج ظاهر گرایی است و آن دیگری در اوج باطن گرایی. یکی به قوانین بسیار دشوار پای بند است و آن دیگری قوانین بسیار نرم و آرامی دارد، به گونه ای که گویی قانون ندارد. یکی کاملاً زمینی است و آن دیگری کاملاً اخروی و آسمانی. به همین دلیل، بیان می شود که دین ابراهیم، دین وسط و میانه ای است که از افراط و تفریط دور بوده است.

دین اسلام که همان دین ابراهیمی است، در تعبیر قرآنی از اعتدال بهره برده است و آموزه های آن از هر گونه افراط و تفریط به دور است. در بینش قرآنی، آموزه های تورات و انجیل نیز از چنین خصلتی برخوردار بوده اند؛ زیرا چنان که گفته شد، اعتدال، اصل عقلایی و تأیید شده شریعت است و هر انسانی به طور طبیعی به اعتدال و میانه روی گرایش دارد؛ مگر آنکه عوامل بیرونی موجب دگرگونی در گرایش درونی وی شود و او را از اعتدال خارج کند. آموزه های کتاب های آسمانی نیز که بر پایه فطرت سالم استوار است، از اعتدال و میانه روی بهره مند هستند. بنابراین، آموزه های تورات و انجیل از وصف اعتدال برخوردار بودند، ولی به دلایلی، از این وضعیت دور افتادند و دگرگون شدند.

خداوند در آیه ۶۶ سوره مائده با توجه به اصل فطرت و نزول کتاب بر پایه آن بیان می کند که آموزه های دو کتاب آسمانی تورات و انجیل از افراط و تفریط دور بوده است و کسانی که به کتاب های تحریف نشده عمل می کنند، امت مقتصد و میانه رو هستند.

امت اسلام، امتی میانه و معتدل است. این اعتدال و میانه روی را در بینش، نگرش و گرایش این امت می توان دید. قوانین آن بر پایه اعتدال است و اخلاق و احکام و آداب دیگر امور زندگی بر اعتدال بنیان شده است. از این رو، خداوند از امت اسلام به امت وسط و میانه یاد می کند^(۱) و مسلمانان را بهترین امتی می داند که در زمین زیسته اند. امتی که اصل و اساس آن، اعتدال و میانه روی در همه چیز و همه کار است، امت شاهد، نمونه و سرمشق خواهد بود.^(۲)

۴. ویژگی امت اسلام

۴. ویژگی امت اسلام

با توجه به گزارش ها و آموزه های دستوری قرآن می توان دریافت که امت اسلام به معنای امت قرآنی و جامعه برتر در حوزه عقیده و رفتار، امتی معتدل و میانه است.

مسلمانان نه اهل تنزیه محض هستند و نه تشبیه محض. نه اهل زیاده روی در امور اقتصادی و سیاسی هستند و نه اهل کوتاهی کردن در این مسائل. در رفتار و گفتار، اقتصاد و خوراک خود اعتدال و میانه روی را رعایت می کنند و در اعمال عبادی نیز راه افراط و تفریط را نمی پیمایند. در انفاق و بخشش در راه خدا میانه روی را اصل قرار می دهند؛ نه چنان می دهند که خود وابمانند و نه چنان مشت فرو می بندند که گرد بخل بر ایشان نشیند. نه اهل اسراف هستند و نه خسیسند. همواره از خدا

ص: ۲۰

۱- نک: بقره: ۱۴۳.

۲- نک: آل عمران: ۱۱۰.

می خواهند که ایشان را از اسراف و زیاده روی در هر کاری حفظ کند؛^(۱) زیرا اسراف^(۲) و افراط^(۳) را عامل تباهی و فساد و طغیان می دانند.^(۴) از این رو، جز میانه روی از خدا نمی خواهند.

اعتدال در راه رفتن، میانه روی در سخن گفتن، پرهیز از فریاد زدن،^(۵) گام های استوار و نرم برداشتن و مانند آن از اموری است که بیانگر اعتدال مسلمانان در رفتار و گفتار است. آنان در عبادت، راه میانه می پیمایند و بر خود سخت نمی گیرند و خود را به رنج نمی افکنند.^(۶)

امام صادق علیه السلام و امام باقر علیه السلام درباره این آیه می فرمایند که خداوند به دلیل به رنج افتادن پیامبر در نماز خواندن، از او می خواهد که چنین نکند و راه اعتدال را در عبادت در پیش گیرد.^(۷)

به هر حال، در آموزه های قرآن، اعتدال و میانه روی، اصل اساسی و ارزشی است و هر گونه افراط و تفریط در هر کاری ناپسند است. این مطلب را از واژه امر - که به معنای هر کاری است - در آیه ۱۴۷ سوره آل عمران می توان به دست آورد.^(۸)

ص: ۲۱

۱- نک: آل عمران: ۱۴۷.

۲- نک: کهف: ۲۸.

۳- نک: مائده: ۳۲.

۴- نک: یونس: ۸۳؛ دخان: ۳۱.

۵- نک: لقمان: ۱۹.

۶- نک: طه: ۱ - ۳.

۷- تفسیر قمی، ج ۲، ص ۵۷؛ المیزان، ج ۱۴، ص ۱۲۵.

۸- امیر محمدی، روزنامه کیهان.

۵. اعتدال و میانه روی در قرآن و حدیث

۵. اعتدال و میانه روی در قرآن و حدیث

در قرآن مجید درباره یکی از ویژگی های ممتاز بندگان خالص خداوند بزرگ چنین آمده است:

وَ الَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَ لَمْ يَقْتُرُوا وَ كَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا. (فرقان: ۶۷)

آنان کسانی هستند که هرگاه انفاق کنند، نه اسراف کنند و نه سخت گیری، بلکه میان این دو، اعتدال می ورزند.

این آیه، بیانگر یکی از مهم ترین مسائل زندگی است که رعایت آن، سبب آسایش و آرامش فرد و جامعه می شود. همچنین بسیاری از مشکلات اجتماعی و اقتصادی را برطرف می کند. این مسئله همانا اعتدال است.

قرآن، مسلمانان را به سبب پیروی از اسلام، «امت وسط»؛ یعنی امت معتدل معرفی می کند: «وَ كَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسِيْطًا؛ وَ این گونه شما را امت میانه قرار دادیم». (بقره: ۱۴)

امیر مؤمنان علی علیه السلام نیز آنان را که از راه اعتدال به سوی افراط و تفریط کشانده می شوند، جاهل می خواند و می فرماید: «لَا تَرَى الْجَاهِلَ إِلَّا مُفْرِطًا أَوْ مُفْرَطًا؛ همیشه جاهل را نمی بینی جز اینکه یا زیاده روی می کند یا کم می آورد.» (۱)

انسان مسلمان در انفاق و مصرف، نه اسراف می کند و نه سخت گیری، بلکه میانه این دو را برمی گزیند. این اصل را که در آموزه های دینی بر آن تأکید می شود، خرد و فطرت آدمی نیز تأیید می کند؛ زیرا سامان دهی و استواری جسم و جان آدمی و امور فردی و اجتماعی اش، مرهون رعایت همین اصل است.

ص: ۲۲

از یک سو، نیازهای انسان گوناگون است و به دلیل محدودیت ها نمی تواند تمام آن را به بیشترین مقدار برآورده سازد. از این رو، به نیازهای گوناگون خود باید در حد اعتدال رسیدگی کند. از سوی دیگر، بیشتر امکانات و منابع مادی، محدود است و زیاده روی گروهی در مصرف، محرومیت دیگران را به همراه خواهد داشت. در کنار این دو نکته باید دانست سلامت و نشاط انسان و پرداختن به جنبه های دیگر زندگی به ویژه امور معنوی نیز نیازمند مصرف معتدلانه است.

۶. سفارش به اعتدال در زندگی

۶. سفارش به اعتدال در زندگی

اسراف، مصداق های گوناگونی دارد، مانند: اسراف در خوردن و آشامیدن، دور ریختن غذاهای اضافی، خرج کردن هزینه های گزاف برای تجمل و تزیین و تشریفات بی محتوا و استفاده بیش از حد از آب در وضو یا غسل. بر همین اساس، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید: «فِي الْوُضوءِ اسْرِافٌ وَ فِي كُلِّ شَيْءٍ اسْرِافٌ؛ اسراف در وضو و هر چیزی می تواند راه یابد» (۱).

شخصی به نام عباسی نزد امام رضا علیه السلام رفت و درباره شیوه صحیح مصرف در خانه نسبت به هزینه زندگی همسر و فرزند و دیگر امور پرسید. حضرت رضا علیه السلام در پاسخ فرمود: «باید مصرف به گونه ای باشد که میان این دو کار ناپسند (اسراف و سخت گیری) قرار گیرد.» عباسی پرسید: منظورتان از این سخن چیست؟ امام پاسخ داد:

آیا سخن خدا را در قرآن نشنیده ای که اسراف و سخت گیری را ناپسند می شمارد و (در وصف بندگان ممتاز) می فرماید: «بندگان خدای رحمان، کسانی هستند که هرگاه انفاق کنند، نه اسراف کنند و نه سخت گیری،

ص: ۲۳

بلکه میان این دو را می گیرند.» بنابراین، درباره معاش و هزینه زندگی اعضای خانواده، در خرید و مصارف، میانه رو باش. (۱)

بر اساس روایت دیگری، روزی امام صادق علیه السلام برای شاگردان خود آیه ۶۷ سوره فرقان را تلاوت کرد. آنگاه مثنی سنگ ریزه از روی زمین برداشت و محکم در دست گرفت و فرمود: «این همان بخل و سخت گیری است» (که در آیه از آن نهی شده است). سپس مثنی دیگری برداشت و چنان دست خود را گشود که همه آن بر روی زمین ریخت. سپس فرمود: «این همان اسراف است.» بار سوم مثنی دیگری برداشت و کمی دست خود را گشود، به گونه ای که مقداری فرو ریخت و مقداری در دستش باقی ماند و فرمود: «این همان اعتدال میان سخت گیری و اسراف است.» (۲)

۷. آثار مثبت اعتدال

۷. آثار مثبت اعتدال

پیمودن راه تکامل و دست یابی به هدف نهایی، در گرو رعایت اعتدال در همه زمینه های زندگی است. (۳) همچنین بر اساس آموزه های دینی و بر پایه حکم عقل و تجربه، میانه روی در مصرف، در سامان دهی امور اقتصادی، کاهش هزینه ها و در نتیجه، پیش گیری از فقر و عقب ماندگی فرد و جامعه نقش مهمی دارد. حضرت علی علیه السلام می فرماید: «الْإِقْتِصَادُ يَنْمِي الْقَلِيلَ؛ میانه روی،

ص: ۲۴

۱- شیخ عباس قمی، سفینه البحار، ج ۱، ص ۶۱۵.

۲- حویزی، تفسیر نور الثقلین، ج ۴، ص ۲۹.

۳- مرتضی مطهری، انسان کامل، ص ۴۱.

کم را رشد می دهد.»(۱) در روایتی دیگر امام صادق علیه السلام نیز می فرماید: «ضَمِنْتُ لِمَنْ اقْتَصَدَ أَنْ لَا يَفْتَقِرَ؛ تضمین می کنم کسی که میانه روی کند، فقیر نشود.»(۲)

برای نمونه، میانه روی در مصرف مواد خوراکی، ضامن سلامتی جسم و جان فرد است؛ زیرا زیاده روی، عامل بسیاری از بیماری هاست و بر جسم اثر منفی می گذارد. تفریط در این امر نیز سبب سوء تغذیه، ضعف و بیماری خواهد شد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در این باره می فرماید:

إِيَّاكُمْ وَفُضُولَ الْمَطْعَمِ فَإِنَّهُ يَسِيمُ الْقَلْبَ بِالْقَسْوَةِ وَيُبْطِي بِالْجَوَارِحِ عَنِ الطَّاعَةِ وَيُصِمُّ الْهَيْمَمَ عَنِ سِمَاعِ الْمُوعِظَةِ.(۳)

از پرخوری پرهیزید که سنگ دلی می آورد و اعضای بدن را در اطاعت از خدا تنبل می سازد و گوش همت آدمی را از شنیدن پند و اندرز کر می سازد.

حضرت علی علیه السلام نیز می فرماید: «مَنْ اقْتَصَرَ فِي أَكْلِهِ كَثُرَتْ صِحَّتُهُ وَصَلَحَتْ فِكْرَتُهُ؛ هر کس به اندازه بخورد، سلامتی اش فزونی یابد و اندیشه اش به درستی گراید.»(۴)

به جز اینها، اعتدال در مصرف، مایه خشنودی خداوند است؛ زیرا استفاده مطلوب از نعمت های او در مسیر رسیدن به هدف نهایی (کمال) و نزدیک شدن به حق، تنها در پرتو رعایت این اصل، شدنی است. امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه ۱۹۵ سوره بقره (إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ) می فرماید:

ص: ۲۵

۱- غرر الحکم و دررالکلم، ص ۳۵۳.

۲- فروع کافی، ج ۴، ص ۵۳.

۳- بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۲۷.

۴- غرر الحکم و دررالکلم، ص ۳۲۰.

«خداوند متعال می فرماید: به راستی، خداوند، نیکوکاران را دوست دارد و منظور، میانه روان است».(۱)

۸. نفی الگوپذیری از مصرف بیگانگان

۸. نفی الگوپذیری از مصرف بیگانگان

یکی از اصول تأکیدشده در آموزه های دینی، پرهیز از الگو قرار دادن بیگانگان و به ویژه دشمنان جامعه اسلامی در زمینه مصرف عمومی است. امام باقر علیه السلام می فرماید:

أَوْحَى اللَّهُ إِلَى نَبِيِّهِ مِنَ الْأَنْبِيَاءِ أَنْ قُلْ لِقَوْمِكَ: لَا يَلْبَسُوا لِبَاسَ أَعْدَائِي وَلَا يَطْعَمُوا طَعَامَ أَعْدَائِي وَلَا يُشَاكِلُوا بِمَشَاكِلِ أَعْدَائِي فَيَكُونُوا أَعْدَائِي كَمَا هُمْ أَعْدَائِي.(۲)

خداوند به پیامبری از پیامبرانش وحی فرمود که به قومت بگو لباس دشمنان مرا نپوشند و غذای آنان را نخورند و به شکل آنان، ظاهر نشوند؛ چون در این صورت، بسان آنان، دشمن من خواهند بود.

الگوپذیری از بیگانگان در نوع و مقدار کالاهای مصرفی، از جنبه های گوناگون به جامعه اسلامی زیان می رساند. از جنبه اقتصادی، این کار بیشتر سبب ترویج مصرف کالاهای خارجی و بی توجهی به تولید ملی و کالاهای داخلی می شود که افزون بر خارج ساختن سرمایه از کشور، به تولید و اقتصاد ملی ضربه می زند. از جنبه اجتماعی و فرهنگی نیز نوعی تبلیغ عملی و ترویج فرهنگ بیگانه و تهدیدی برای اصالت های فرهنگی و حتی دینی در جامعه به شمار می رود. به یقین، الگوپذیری در مصرف،

ص: ۲۶

۱- فروع کافی، ج ۴، ص ۵۳.

۲- شیخ طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۱۷۲.

ناخواسته، الگوپذیری در اخلاق و رفتار را در پی خواهد داشت. حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله با اشاره به این نکته می فرماید:

لَا يَشْبَهُ الرَّيُّ بِالرَّيِّ حَتَّى يَشْبَهُ الْخُلُقُ بِالْخُلُقِ وَ مَنْ شَبَّهَ بِقَوْمٍ فَهُوَ مِنْهُمْ. (۱)

شکل ها (و مدهای مصرفی) به یکدیگر همانند نمی شود، جز آنکه خُلق وخواها به هم نزدیک گردد و هرکس خود را شبیه گروهی سازد، از آنان به شمار می رود.

روشن است که انسان در زندگی، نیازمندی های گوناگونی دارد. برخی نیازمندی ها اساسی و ضروری است و برخی در درجه بعدی قرار می گیرد. برخی هزینه ها نیز تنها برای تأمین یا افزایش رفاه و آسایش زندگی است و تلاش برای برآوردن این نیازهای غیرضروری، ما را به بیگانگان وابسته می کند که از نظر دینی، چنین کاری نکوهش شده است.

۹. پرهیز از سخت گیری در زندگی

۹. پرهیز از سخت گیری در زندگی

دین اسلام هرگز حاضر نیست مسلمانان در سختی اقتصادی زندگی کنند. باید با کار و کوشش و سرپنجه تدبیر، زندگی را به شیوه ای تبدیل کنند که سبب وسعت در زندگی و آسایش شود.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله همان گونه که از اسراف جلوگیری می کرد، همگان را از سخت گیری در زندگی نیز باز می داشت. در بیانی از آن حضرت آمده است:

إِنَّ مِنْ سَعَادَةِ الْمَرْءِ الْمُسْلِمِ أَنْ يُشَبَّهُهُ وَلَدُهُ وَ الْمَرْأَةُ الْجَمَلَاءُ ذَاتَ دِينٍ وَ الْمَرْكَبُ الْهَنِي وَ الْمَسْكَنُ الْوَاسِعُ. (۲)

ص: ۲۷

۱- کنز العمال، ج ۴، ص ۲۸۷.

۲- بحار الانوار، ج ۷۶، ص ۱۴۹.

از سعادت و خوش بختی انسان مسلمان آن است که فرزندی داشته باشد که در نیکی، شیهه او باشد و نیز همسری زیبا و دین دار و مرکب راهوار و خانه وسیع داشته باشد.

در تاریخ اسلام آمده است که ابولبابه پس از اینکه یک راز نظامی حکومت اسلامی را نزد یهودیان افشا کرده بود، به گناه خود پی برد و توبه حقیقی کرد. پس از مدتی، آیه ۱۰۲ سوره توبه در پذیرش توبه ابولبابه از سوی خداوند نازل شد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با تلاوت این آیه به او بشارت بخشوده شدن داد. ابولبابه به پیامبر گفت: اجازه بده به شکرانه پذیرفته شدن توبه ام، نصف اموالم را انفاق کنم که پیامبر اجازه نداد. او گفت: اجازه بده یک سوم آن را انفاق کنم. این بار پیامبر پذیرفت. (۱) جلوگیری پیامبر از انفاق نصف اموال ابولبابه به این جهت بود که او و خانواده اش در تنگنا به سر می بردند.

در روایت دیگری آمده است یکی از مسلمانان اهل مدینه که چند کودک و شش غلام داشت، در بستر مرگ افتاد. وی پیش از مرگ برای جلب پاداش الهی در بهشت، شش غلام خود را آزاد کرد. پس از آنکه از دنیا رفت، مسلمانان او را به خاک سپردند و ماجرای آزادسازی غلامان و فقر فرزندان او را به حضرت محمد صلی الله علیه و آله خبر دادند. پیامبر اسلام فرمود:

اگر من باخبر می شدم، نمی گذاشتم جنازه او را در قبرستان مسلمانان دفن کنید؛ زیرا او کودکان خود را از ثروتش بی نصیب کرد و آنان را فقیر و بی پناه گذاشت، تا دست گدایی به سوی مردم دراز کنند. (۲)

ص: ۲۸

۱- بحارالانوار، ج ۲۲، ص ۹۴.

۲- شیخ صدوق، علل الشرایع، ص ۵۵۸.

این ماجرا از سویی بیانگر نکوهش اسراف در انفاق است و از سوی دیگر، حکایت می کند که نباید موجب وارد آمدن سختی و فشار بر اعضای خانواده شد، بلکه باید اعتدال در مصرف را با توجه به همه جنبه ها رعایت کرد. حضرت علی علیه السلام نیز زمانی که شنید خانواده یکی از یارانش به نام عاصم در شهر بصره به سبب دوری او از جامعه، در زندگی دچار سختی شده اند، او را بسیار نکوهش کرد. (۱)

۱۰. استفاده از زینت، نه کالاهای لوکس

۱۰. استفاده از زینت، نه کالاهای لوکس

بسیار دیده اید کسانی را که همیشه کالای لوکس می خرند یا حتی مسجد و مکان های مذهبی را با لوسترهای گران قیمت و اشیای باارزش و میزها و مبل های منبت کاری بسیار گران قیمت می آریند. اینان در پاسخ این پرسش که «چرا کالاهای غیرضروری، آن هم به این گران بهایی را به کار می برند؟» استدلال می کنند که استفاده از زینت آلات در اسلام تجویز شده است. آنها از این نکته غافلند که زینت تجویز شده برای مسلمانان، غیر از استفاده از کالاهای لوکس و غیرضروری است. اسلام در مورد استفاده از انواع زینت ها، مانند تمام موارد، حد اعتدال را انتخاب کرده است؛ نه مانند بعضی که می پندارند استفاده از زینت ها و تجملات هرچند به صورت معتدل باشد، مخالف زهد و پارسایی است و نه مانند تجمل پرستانی که در زینت و تجمل غرق می شوند، اسراف در این کار را جایز می شمارد.

خداوند در قرآن مجید می فرماید:

ص: ۲۹

يَا بَنِي آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَكُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَالطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ قُلْ هِيَ لِلَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا خَالِصَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ. (اعراف: ۳۱ و ۳۲)

ای فرزندان آدم! زینت خود را هنگام رفتن به مسجد با خود بردارید و بخورید و بیاشامید و اسراف نکنید؛ چون خداوند اسراف کاران را دوست ندارد. بگو چه کسی زینت های الهی را که برای بندگان خود آفریده و روزی های پاکیزه را حرام کرده است؟ بگو اینها در زندگی دنیا برای کسانی است که ایمان آورده اند، [اگرچه دیگران نیز با آنها مشارکت دارند] ولی در قیامت خالص (برای مؤمنان) خواهد بود. این گونه آیات خود را برای کسانی که آگاهند، شرح می دهیم.

معنای همراه داشتن زینت هنگام رفتن به مسجد هم می تواند آرایش ظاهری باشد که شامل پوشیدن لباس های مرتب و پاک و تمیز و شانه زدن موها و به کار بردن عطر و مانند آن می شود و هم شامل زینت های معنوی است که با نماز و طواف و دیگر عبادت ها مناسب باشد.

اگر در بعضی روایات تنها به پوشیدن لباس خوب یا شانه کردن موها اشاره شده یا تنها از مراسم نماز اعیاد و نماز جمعه سخن به میان آمده است، دلیل بر انحصار نیست، بلکه هدف، بیان مصداق های روشن آن است.

اسلام، نه تنها استفاده کردن از زیبایی های طبیعت، لباس های زیبا و متناسب، به کار بردن انواع عطرها و امثال آن را مجاز شمرده، بلکه به آن سفارش کرده است.

درباره امام حسن مجتبی علیه السلام نقل شده است هنگامی که ایشان به نماز بر می خاست، بهترین لباس های خود را می پوشید. پرسیدند: چرا بهترین لباس خود را می پوشید؟ فرمود:

إِنَّ اللَّهَ جَمِيلٌ يُحِبُّ الْجَمَالَ فَاتَّجَمَّلُ لِرَبِّي وَهُوَ يَقُولُ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ. (۱)

خداوند زیباست و زیبایی را دوست دارد. به همین دلیل، لباس زیبا برای راز و نیاز با پروردگارم می پوشم و هم او دستور داده است که زینت خود را هنگام رفتن به مسجد بگیرید.

امام صادق علیه السلام می فرماید:

الْبَسْ وَتَجَمَّلْ فَإِنَّ اللَّهَ جَمِيلٌ يُحِبُّ الْجَمَالَ وَلَيْكُنْ مِنْ حَلَالٍ. (۲)

لباس نیکو بپوش؛ زیرا خداوند نیکوست و نیکویی را دوست دارد، ولی [مراقب باش و] لباس خود را از حلال تهیه کن.

در روایت دیگری از امام صادق علیه السلام چنین می خوانیم:

إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْجَمَالَ وَالتَّجَمُّلَ وَتَكَرُّهُ الثُّؤُسَ وَالتَّبَاؤُسَ فَإِنَّ اللَّهَ إِذَا أَنْعَمَ عَلَى عَبْدٍ نِعْمَةً أَحَبَّ أَنْ يَرَى عَلَيْهِ أَثَرَهَا... (۳)

خداوند زیباست و زیبایی را دوست دارد و با گرفتگی دشمن است؛ زیرا خداوند وقتی به بنده اش نعمتی می دهد، دوست دارد اثر آن را بر او ببیند.

در حدیث دیگری آمده است یکی از زاهدان ریایی به نام عباد بن کثیر بصری با امام صادق علیه السلام روبه رو شد. امام لباس زیبایی بر تن داشت. وی به امام گفت: تو از خاندان نبوتی و پدرت علی علیه السلام لباس بسیار ساده می پوشید؛ چرا چنین لباس جالبی بر تن توست؟ آیا بهتر نبود لباسی

ص: ۳۱

۱- وسایل الشیعه، ج ۴، ص ۴۵۵.

۲- الکافی، ج ۶، ص ۴۴۲.

۳- وسایل الشیعه، ج ۵، ص ۷.

کم اهمیت تر از این می پوشیدی؟ امام فرمود: «وای بر تو ای عباد! چه کسی زینت هایی را که خداوند برای بندگانش آفریده و روزی های پاکیزه را حرام کرده است؟» (۱)

با این حال، مسلمانان برخلاف آموزه های روشن دینی به راه افراط می روند و با بهانه های مختلف به تجمل پرستی روی می آورند. به همین دلیل، قرآن مجید پس از ذکر این حکم اسلامی، مسلمانان را از اسراف، زیاده روی و تجاوز از حد، برحذر داشته و در بیش از بیست مورد، آن را نکوهیده است.

ص: ۳۲

۱- الکافی، ج ۶، ص ۴۴۵.

فصل سوم: قناعت، گنج ناتمام

قناعت و کفاف در زندگی یکی از سفارش های اقتصادی اسلام است. در واقع، سرچشمه زیاده روی در مصرف در برخی ساحت های زندگی، نداشتن روحیه قناعت، چشم طمع دوختن به مال دیگران و آرزومندی رسیدن به داشته های دیگران است. این روحیه سبب می شود انسان به آنچه دارد، قانع نباشد و پیوسته در صدد رسیدن به چیزی باشد که ندارد.

امیرالمؤمنین علی علیه السلام، یکی از صفات و نشانه های پرهیزکاران را دوری از طمع ورزی دانسته است و می فرماید: «وَ تَحْرُجاً عَنِ طَمَعٍ؛ از طمع دوری می کنند».^(۱)

«طمع» یکی از صفات ناپسند اخلاقی است که در مقابل آن، «قناعت»، یکی از صفات پسندیده اخلاقی قرار دارد. طمع داشتن یکی از بیماری های خطرناک اخلاقی است که مفسد مادی و معنوی فراوانی دارد و انسان را به انواع آلودگی ها و زشتی ها گرفتار می سازد. در مقابل، قناعت ورزیدن، مایه عزت، سربلندی و آرامش خاطر انسان در دنیاست و سبب تکامل فکری، روحی و سعادت وی در عالم آخرت می شود. در این گفتار، به

ص: ۳۳

اختصار درباره این دو صفت؛ یعنی «طمع ورزی» و «قناعت» توضیح خواهیم داد.

۱. مفهوم طمع و قناعت

۱. مفهوم طمع و قناعت

طمع در لغت، به معنای حرص بر چیزی،^(۱) چشم داشت، فریفته بودن و مال دوستی است و در اصطلاح علمای اخلاق عبارت است از توقع داشتن در اموال مردم.^(۲) به عبارت دیگر، طمع کار کسی است که به خدا و خودش متکی نیست و به آنچه دارد، قانع و راضی نباشد و همیشه خود را در نقصان و کمبود و محرومیت بیندارد. افزون بر آن، به مال، مقام و تجملات دیگران چشم بدوزد و پیوسته درصدد بهره برداری از دیگران باشد.^(۳)

قناعت در لغت، به معنای راضی بودن به قسمت و روزی انسان یا راضی بودن به قلیل و کم است.^(۴)

قناعت در اصطلاح، حالتی است برای نفس که عامل اکتفا کردن آدمی به قدر حاجت و ضرورت است.^(۵) همچنین گفته شده قناعت در اصطلاح، عبارت است از اینکه انسان بیش از هر چیز به خداوند متعال متکی بوده و به هر چه در اختیار دارد، خشنود و سازگار باشد و با عزت نفس و آبرومندی به سر برد و هیچ گاه چشم داشتی به دیگران نداشته باشد و از نداشتن امور مادی و کمبودها اندوهگین و حسرت زده نباشد.^(۶)

ص: ۳۴

۱- المنجد، واژه «طمع».

۲- ملا احمد نراقی، معراج السعاده، ص ۲۸۶.

۳- غلام حسین رحیمی اصفهانی، اخلاق اسلامی، ج ۲، ص ۱۳۲.

۴- فخرالدین طریحی، مجمع البحرین، ج ۲، ص ۵۵۲، واژه «قنع».

۵- معراج السعاده، ص ۲۸۲.

۶- اخلاق اسلامی، ج ۲، ص ۱۵۱.

اشاره

۲. اهمیت و آثار قناعت

قناعت دارای آثار مادی و معنوی فراوانی است که اگر انسان به آن توجه داشته باشد، میل او به کسب این صفت پسندیده، بیشتر می شود. اکنون به برخی آثار قناعت از زبان امیرالمؤمنین علی علیه السلام اشاره می کنیم:

الف) عامل عزّت و سربلندی

الف) عامل عزّت و سربلندی

همه انسان ها خواهان شخصیت، عزّت و سربلندی هستند. فردی که دارای مناعت طبع و عزت نفس است، نزد همگان، عزیز و سربلند و باهمت جلوه می کند. کسی که به مال دیگران طمع و چشم داشت دارد، خود را ذلیل و اسیر می سازد و مردم با حقارت به او می نگرند. امام علی علیه السلام می فرماید: «آدمی را قناعت برای دولت مندی و خوش خلقی برای فراوانی نعمت ها کافی است.» از امام پرسیده شد: تفسیر آیه «فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً» (۱) چیست؟ فرمود: «قناعت است». (۲)

سعدی می گوید:

ق-ن-اع-ت-ت-وان-گ-ر-ک-ن-م-رد را

خب-ر-ک-ن-حریص جهانگرد را

ق-ن-اعت-ک-ن-ای-ن-فس-ب-ر-ان-دکی

که سلطان و درویش بینی یکی

چو سیراب خواهی شدن ز آب جوی

چ-را-ریزی از بهر برف، آبروی؟ (۳)

ص: ۳۵

۱- نک: نحل: ۹۷.

۲- نهج البلاغه، ص ۶۷۶، کلمات قصار ۲۲۹.

۳- بوستان سعدی.

ب) ایجاد حس بی نیازی واقعی

ب) ایجاد حس بی نیازی واقعی

همه از فقر و احتیاج نفرت دارند، چنان که به غنی بودن و بی نیازی علاقه دارند. بسیاری از مردم بی نیازی را در جمع آوری ثروت، توسعه امور مادی و تجمل گرایی می دانند. از این رو، تا آنجا که توان دارند، در این زمینه تلاش می کنند. این در حالی است که هر اندازه انسان از این امور بیشتر بهره مند باشد، برای حفظ و اداره آنها، دایره احتیاجاتش زیادتر خواهد شد. تنها چیزی که موجب بی نیازی انسان می شود، قناعت و سازگار بودن به اموری است که برای انسان فراهم شده است و احتیاجات ضروری او را برطرف می سازد. حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام می فرماید: «القنَاعَةُ مَالٌ لَا يَنْفَدُ؛ قناعت، ثروتی است پایان ناپذیر.»^(۱) همچنین آن حضرت فرموده است: «الْغِنَى الْأَكْبَرُ الْيَأْسُ عَمَّا فِي أَيْدِي النَّاسِ؛ برترین بی نیازی و دارایی، نومیدی است از آنچه در دست مردم هست.»^(۲)

ج) ایجاد آرامش روانی

ج) ایجاد آرامش روانی

بیشتر مردم تلاش می کنند آسایش و راحتی خود را با به دست آوردن مال و کسب مقام و تجمل گرایی در زندگی فراهم سازند و هرگاه موفق نشوند آنها را به دست آورند، نگران می شوند و خود را بدبخت می دانند. این در حالی است که امور یادشده نه تنها موجب آسایش و راحتی انسان نمی شود، بلکه بیشتر عامل ایجاد ناراحتی و سلب آسایش است. درمقابل، قناعت و بی توجهی به امور مادی دنیا موجب آسایش و راحتی جسم و روح انسان است. امیرالمؤمنین علی علیه السلام می فرماید:

ص: ۳۶

۱- نهج البلاغه، حکمت ۵۷.

۲- نهج البلاغه، حکمت ۳۴۲.

و لا- كَنْزَ أَعْنَى مِنَ الْقَنَاعَةِ، وَ لا- مَالٌ أَذْهَبَ لِلْفَاقَةِ مِنَ الرِّضَى بِالْقُوْتِ. وَ مِنْ اقْتَصَرَ عَلَى بُلْغَةِ الْكِفَافِ فَقَدِ انْتَضَمَ الرَّاحَةَ، وَ تَبَوَّأَ خَفْضَ الدَّعَاةِ. وَ الرَّغْبَةُ مِفْتَاحُ النَّصَبِ، وَ مَطِيئَةُ التَّعَبِ. (۱)

هیچ گنجی، بی نیازکننده تر از قناعت و هیچ مالی در فقرزدایی، از بین برنده تر از رضایت دادن به روزی نیست و کسی که به اندازه کفایت از دنیا بهره مند باشد، به آسایش دست می یابد و آسوده خاطر می شود، درحالی که دنیاپرستی، کلید دشواری و مرکب رنج و گرفتاری است.

د) آزادی فکری

د) آزادی فکری

قناعت مایه آزادی فکری و روحی و طمع موجب بردگی و خواری انسان است. امیرالمؤمنین علی علیه السلام می فرماید: «اسْتَعْنِ عَمَّنْ شئتَ تَكُنْ نَظِيرَهُ؛ (با قناعت) خود را از هر کسی بی نیاز گردان تا [در شخصیت و آزادگی] مانند او شوی.» (۲) بنابراین، وقتی انسان به آنچه دارد، قانع باشد و چشم داشتی به دیگران نداشته باشد، در تمام کارهایش، خود تصمیم می گیرد و آزادانه رفتار می کند و با کمال صراحت، همه جا نظر و سخنش را می گوید.

خُتَابِ پسر آرت از مسلمانان صدر اسلام بود که در مکه آسیب فراوانی دید تا آنجا که مشرکان پشت او را داغ کردند. وی در جنگ صفین در رکاب امیرالمؤمنین علی علیه السلام جنگید و در سال ۳۷ هجری درگذشت. حضرت علی علیه السلام در توصیف این یار باوفا چنین فرمود:

ص: ۳۷

۱- نهج البلاغه، حکمت ۳۷۱.

۲- جامع السعادات، ج ۲، ص ۸۲.

يَرْحَمُ اللَّهُ خَبَابَ بْنِ الْأَرْثِّ، فَلَقَدْ أَسْلَمَ رَاغِبًا، وَهَاجَرَ طَائِعًا، وَفَنَعَ بِالْكَفَافِ، وَرَضِيَ عَنِ اللَّهِ، وَعَاشَ مُجَاهِدًا. (۱)

خدا خَبَاب بن اَرْت را رحمت کند. با رغبت مسلمان شد و از روی فرمان برداری هجرت کرد و با قناعت زندگی را گذراند و از خدا راضی بود و مجاهد زندگی کرد.

در تاریخ نوشته اند خلیفه سوم، عثمان بن عفان به دست دو نفر از غلامانش دویست دینار برای ابوذر غفاری فرستاد تا احتیاجاتش را برآورده کند. ابوذر از آنان پرسید: آیا عثمان به کس دیگری از مسلمانان چنین پولی داده است؟ گفتند: خیر. ابوذر گفت: من هم یک مسلمانم. پس آنچه به من می رسد، به آنان نیز باید برسد. آنان گفتند: عثمان گفته است این پول از خودم است و با حرام آمیخته نیست. ابوذر گفت: من از بی نیازترین مردمان هستم و احتیاجی به آن ندارم. غلامان گفتند: ما که چیزی نزد تو نمی بینیم. گفت: من دو قرص نان جو دارم و به این پول احتیاج ندارم و به خدا سوگند، آن را نمی پذیرم؛ زیرا من ولایت علی علیه السلام و اهل بیت او را - که پاک هستند و به حق دعوت می کنند - دارم. پس [از هر کس و هر چیزی] بی نیازم. (۲)

به یقین، اگر انسان برنامه زندگی را بر میانه روی و قانع بودن به آنچه دارد، استوار سازد، نیازمندی اش به اموال و دارایی ها اندک می شود و بی نیازی چیزی جز این نیست. بی نیاز، کسی نیست که بتواند در هر لحظه و هر جا خواسته های خود را تأمین کند؛ بی نیاز، کسی است که چنان بزرگی و کمال یابد که خواسته هایش اندک شود. بی نیاز حقیقی، خداست؛

ص: ۳۸

۱- نهج البلاغه، کلمات قصار ۴۳.

۲- نک: سفینه البحار، ج ۲، ص ۴۵۲.

زیرا فقر و نیازمندی در وجودش راه ندارد. او صمد است و هیچ کاستی در او نیست که بخواهد آن را پر کند. هر کس به خدای خویش نزدیک تر می شود، احساس بی نیازی در او فزونی می گیرد؛ یعنی خواسته های او از خوراک و پوشاک کمتر می شود. از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل کرده اند که فرمود: «أَمَّا الْغِنَى غِنَى النَّفْسِ؛ حقیقت توانگری چیزی جز بی نیازی نفس نیست». (۱) امام صادق علیه السلام در حدیثی فرموده است: «بی نیازترین مردم کسی است که به آنچه خدا به او روزی داده است، قانع باشد». (۲) امیرالمؤمنین علی علیه السلام نیز فرموده است: «أَشْرَفُ الْغِنَى تَرْكُ أَرْزُو بَرْتَرِينَ تَوَانُغْرِی اسْت». (۳)

اگر انسان شناخت درستی از خداوند داشته باشد و بداند خداوند روزی بندگانش را تضمین کرده است، از آفت زیاده روی در جمع مال نجات می یابد. اگر مسلمان «لا حول و لا قوة الا بالله» را باور کند، هیچ گاه توانگری خود را به اموالی که گرد می آورد، منسوب نمی سازد و فقط از خداوند توانگری می جوید و در حد کفاف به کار و تلاش می پردازد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «طُوبَى لِمَنْ هُدِيَ لِلْإِسْلَامِ وَ كَانَتْ عَيْشُهُ كِفَافاً وَ قَنَعَ بِهِ؛ خوشا به حال کسی که به اسلام راه یافت و زندگی اش در حد کفاف بود و به آن قانع شد». (۴)

کسی که به معارف حقیقی اسلام دست یابد، تلاش برای معاش را با قناعت و میانه روی جمع می کند؛ زیرا می داند خداوند روزی دهی به بندگانش را بر عهده گرفته است. در نهج البلاغه چنین می خوانیم:

ص: ۳۹

۱- المحججه البيضاء، ج ۶، ص ۵۱.

۲- الکافی، ج ۲، ص ۱۳۹.

۳- نهج البلاغه، قصارالحکم ۳۴.

۴- المحججه البيضاء، ج ۶، ص ۵۱.

قَدْ تَكْفَلَ لَكُمْ بِالرِّزْقِ وَأَمَرْتُمْ بِالْعَمَلِ، فَلَا يَكُونَنَّ الْمَظْمُونُ لَكُمْ طَلْبُهُ أَوْلَىٰ بِكُمْ مِنَ الْمَفْرُوضِ عَلَيْكُمْ عَمَلُهُ. (۱)

روزی شما را ضمانت کرده است و شما مأمور به عمل هستید. پس مبدا خواستن آنچه برایتان ضمانت شده است، مهم تر از کاری باشد که انجامش بر عهده شماست.

ص: ۴۰

۱- نهج البلاغه، خطبه ۱۱۴.

فصل چهارم: آسیب های مادی و معنوی اسراف و تبذیر و راه های برون رفت از آن

زیر فصل ها

۱. مفهوم اسراف و تبذیر

۲. مصداق های اسراف مالی و تبذیر

۳. معیارهای تشخیص اسراف

۴. عوامل اسراف

۵. انواع اسراف

۶. آثار منفی اسراف

۷. راه های برون رفت از اسراف و تبذیر

۱. مفهوم اسراف و تبذیر

۱. مفهوم اسراف و تبذیر

اسراف، هرگونه زیاده روی و تجاوز از حد اعتدال است. راغب در مفردات می نویسد: «الْكَسْرُ: تَجَاوُزُ الْحَدِّ فِي كُلِّ فِعْلٍ يَفْعَلُهُ الْإِنْسَانُ» (۱) امام صادق علیه السلام میانه روی را از سپاهیان عقل و اسراف و زیاده روی را از اضداد آن برمی شمارد. (۲) علی علیه السلام نیز می فرماید: «مَا فَوْقَ الْكِفَافِ إِسْرَافٌ» (۳).

تبذیر به معنای پراکندن شیء و به اصطلاح همان «بریز و پاش» است. فرق بین اسراف و تبذیر در این است که اسراف در امور مالی به معنای زیاده روی در مخارج و هزینه زندگی است، ولی تبذیر به معنای اتلاف و مصرف اموال در راه های ناشایسته و موارد نابه جاست. اسراف و زیاده روی در هر چیزی ممکن است؛ اما تبذیر فقط در امور مالی تحقق می یابد. در آیات و روایات، انواع اسراف سیاسی، اجتماعی، فردی، اخلاقی و عبادی

ص: ۴۱

٢- تحف العقول، ص ٢٩٦.

٣- غررالحكم و دررالکلم، ح ٩٤٦٥.

مطرح شده است، ولی تَبذیر، اعطا و خرج کردن مال در امور غیر ضروری و گناهان و نیز اعطای تمام اموال خود به دیگران است. البته در بعضی روایات، تَبذیر و اسراف، مترادف و به معنای زیاده روی در امور مالی آورده شده است.

۲. مصداق های اسراف مالی و تبذیر

اشاره

۲. مصداق های اسراف مالی و تبذیر

زیر فصل ها

الف) مصداق های اسراف

ب) مصداق های تبذیر

الف) مصداق های اسراف

الف) مصداق های اسراف

علی علیه السلام می فرماید:

لِلْمُسْرِفِ ثَلَاثُ عِلَامَاتٍ: يَأْكُلُ مَا لَيْسَ لَهُ وَ يَشْتَرِي مَا لَيْسَ لَهُ وَ يَلْبَسُ مَا لَيْسَ لَهُ. (۱)

برای اسراف کننده سه نشانه است: آنچه نباید بخورد، می خورد و آنچه دور از شأن اوست، برای خود می خرد و آنچه را مناسب او نیست، می پوشد.

در توضیح این روایت، به روایتی از امام صادق علیه السلام می توان اشاره کرد که می فرماید:

الْمَالُ مَالُ اللَّهِ يَضَعُهُ عِنْدَ الرَّجُلِ وَ دَائِعِ وَ جَوَّزَ لَهُمْ أَنْ يَأْكُلُوا قَصْداً وَ يَشْرَبُوا قَصْداً... وَ مِنْ عَدَا ذَلِكَ كَانَ عَلَيْهِ حَرَاماً. (۲)

مال متعلق به خداوند است که نزد انسان به امانت می گذارد و بر مردم چنین روا داشته است که با میانه روی بخورند و بیاشامند... و تجاوز از این حد، حرام است.

بنابراین، اگر کسی در مصرف اموال خود زیاده روی کند، مصداق مسرف خواهد بود. پس باید اموالش را در کارهای مفید تولیدی و خدماتی یا انفاق

١- شيخ صدوق، من لا يحضره الفقيه، ج ٣، ص ١٠٢، ح ٤١١.

٢- تفسير عياشي، ج ٢، ص ١٣.

صرف کند تا چرخ اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه در گردش باشد و رکود اقتصادی و کینه اجتماعی از جامعه رخت بریندد.

در روایات حتی دور انداختن هسته خرما، زیاده روی در مصرف آب و پوشیدن لباس معمولی هنگام کار، اسراف تلقی شده که نشان دهنده تأکید فوق العاده اسلام بر اتلاف نکردن مال است. برای نمونه، امام صادق علیه السلام می فرماید:

أَدْنَى الْإِسْرَافِ هِرَاقَهُ فَضْلَ الْإِنَاءِ وَ اِئْتِنَادُ ثَوْبِ الصَّوْنِ وَ اِلْقَاءُ النَّوَى. (۱)

کمترین مرتبه اسراف، دور ریختن زیادی آب و پوشیدن لباس حفظ آبرو در اوقات کار و دور انداختن هسته خرماست.

غلامان امام رضا علیه السلام می خوردند، ولی آن را به طور کامل نخورده، به گوشه ای می انداختند. امام به آنان فرمود: «سبحان الله! اگر شما به این میوه ها نیاز ندارید، انسان هایی هستید که نیاز دارند. چرا دور می ریزید؟ آنها را نگه دارید و به نیازمندان بدهید». (۲)

(ب) مصداق های تبذیر

(ب) مصداق های تبذیر

تبذیر، تلف کردن هر چیزی است که فایده ای وقاعی برایش تصور شود. از آنجا که مصرف اموال و سرمایه های مادی در معاصی و در غیر موارد حق و لازم نه تنها فایده ندارد، بلکه وزر و وبالش انسان را گرفتار می کند، مصداق تبذیر در روایات معرفی شده است.

بشر بن مروان می گوید: روزی با جمعی محضر امام صادق علیه السلام رفتیم. رطب طلبید و با هم به خوردن آن مشغول شدیم. یکی از ما هسته خرما را

ص: ۴۳

۱- فروع کافی، ج ۶، ص ۴۶۰؛ خصال صدوق، ج ۱، ص ۹۳، ح ۳۷.

۲- ابوجعفر احمد بن خالد برقی، المحاسن، ج ۲، ص ۲۲۴.

دور افکند. امام صادق علیه السلام دست از خوردن خرما کشید و به او رو کرد و فرمود: «لَا تَفْعَلْ، إِنَّ هَذَا مِنَ التَّبْدِيرِ، وَإِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْفُسَادَ؛ این کار را نکن؛ زیرا این کار تبذیر است و خداوند کسانی که کارها را فاسد می کنند، دوست ندارد».(۱)

بر اساس این حدیث، حتی دور انداختن هسته خرمایی که در حجاز می توان از آن برای کاشتن و به دست آوردن درخت خرما استفاده کرد، تبذیر و حرام دانسته شده و از مصداق های فساد است.

علی علیه السلام فرموده است: «أَلَا إِنَّ إِعْطَاءَ الْمَالِ فِي غَيْرِ حَقِّهِ تَبْدِيرٌ وَإِسْرَافٌ؛ آگاه باشید که بخشیدن مال در غیر موردش، تبذیر و اسراف مالی است».(۲) منظور از غیر مورد، بیهوده هزینه کردن و مصرف کردن در راهی غیر از راه خیر و سازنده و با نیت غیرالهی است.

عبدالرحمن بن الحجاج می گوید: از امام صادق علیه السلام درباره آیه شریفه «وَلَا تُبَدِّرْ تَبْدِيرًا» پرسید. امام فرمود: «مَنْ أَنْفَقَ شَيْئًا فِي غَيْرِ طَاعَةِ اللَّهِ فَهُوَ مُبَدِّرٌ وَمَنْ أَنْفَقَ فِي سَبِيلِ الْخَيْرِ فَهُوَ مُقْتَصِدٌ؛ هر کس چیزی را در غیر طاعت خدا مصرف کند، مبذر است و هر کس در راه خیر خرج کند، میانه روست».(۳)

امام صادق علیه السلام می فرماید: «لَيْسَ فِي طَاعَةِ اللَّهِ تَبْدِيرٌ؛ در راه بندگی خدا تبذیر نیست».(۴) بنابراین، کارهای خیری چون مهمانی دادن به مؤمنان، زیارت حج و عمره و استفاده از بوی خوش و اصلاح جسم برای حفظ سلامتی و بهداشت در صورتی که با زیاده روی و اسراف همراه نباشد، اشکال ندارد.

ص: ۴۴

۱- تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۲۸۸.

۲- نهج البلاغه، خطبه ۱۲۶؛ فروع کافی، ج ۴، ص ۳۱، ح ۳.

۳- تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۲۸۸.

۴- مستدرک الوسائل، ج ۱۵، ص ۲۷۱.

این کار در بعضی موارد مثل حج و اصلاح جسم، لازم و واجب و در بعضی موارد مستحب است؛ مثل مهمانی دادن و استفاده از بوی خوش.

پیامبر اسلام می فرماید: «لَا خَيْرَ فِي السَّرْفِ، وَلَا سِرْفَ فِي الْخَيْرِ؛ در اسراف کردن، خیر نیست و در انجام کار خیر، اسراف وجود ندارد.»^(۱) حضرت علی علیه السلام نیز فرمود: «الاسراف مذمومٌ فِي كُلِّ شَيْءٍ إِلَّا فِي أفعالِ البرِّ؛ زیاده روی در هر چیزی ناپسند است؛ مگر در کارهای خیر.»^(۲) همچنین فرمود: «فِي كُلِّ شَيْءٍ يُدَمُّ السَّرْفُ إِلَّا فِي صَنَائِعِ الْمَعْرُوفِ وَ الْمَبَالِغَةِ فِي الطَّاعَةِ؛ زیاده روی در هر چیزی نکوهش می شود؛ مگر در کارهای خیر و مبالغه در اجرای دستورهای خداوند.»^(۳) امام صادق علیه السلام فرموده است: «... إِنَّمَا الْإِسْرَافُ فِيمَا أَتْلَفَ الْمَالُ وَ أَضَرَّ بِالْيَدِّ؛ اسراف مالی فقط در چیزی است که موجب نابودی ثروت و زیان رسانی به بدن شود.»^(۴)

پس هر چیزی که موجب نابودی ثروت و زیان رسیدن به بدن شود، تبذیر و اسراف مالی به شمار می رود و حرام است. اگر کسی ثروتش را خرج کند تا در آینده چند برابرش را به دست آورد یا مصالح اجتماعی، سیاسی و دینی مردم را تأمین کند، این مخارج، اسراف و تبذیر نیست. البته اگر کسی ثروتش را حتی در راه خدا هزینه و انفاق کند، به گونه ای که دیگر از زندگی ساقط شود، کار او حرام و مصداق تبذیر است. ابوبصیر از امام صادق علیه السلام درباره آیه شریفه «وَلَا تُبْذِرْ تَبْذِيرًا» پرسید. امام فرمود: «يَبْذُرُ الرَّجُلُ مَالَهُ وَ يَقْعُدُهُ لَيْسَ لَهُ مَالٌ. قَالَ: فَيَكُونُ تَبْذِيرًا فِي حَلَالٍ قَالَ نَعَمْ؛ تبذیر، هزینه کردن ثروت و بخشش آن است درحالی که شخص زمین گیر شود و

ص: ۴۵

۱- ابن ابی جمهور، عوالی اللئالی، ج ۱، ص ۲۹۱.

۲- غررالحکم و دررالکلم، ح ۱۹۳۸.

۳- غررالحکم و دررالکلم، ح ۶۵۲۷.

۴- فروع کافی، ج ۴، ص ۵۴؛ ح ۱۰؛ فروع کافی، ج ۶، ص ۴۹۹، ح ۱۴.

هیچ گونه ثروتی برایش باقی نمانده باشد»^(۱) ابوبصیر دوباره پرسید: پس تبذیر در کارهای حلال هم اتفاق می افتد؟ امام صادق علیه السلام فرمود: «آری».

روایات دیگری نیز هست که در آنها عنوان اسراف و تبذیر به کار نرفته است، ولی مصداق اسراف مالی و تبذیر را بیان می کند؛ چون حیف و میل و تلف کردن سرمایه های مادی است. رسول گرامی اسلام در وصیتش به علی علیه السلام می فرماید:

یا علی! اَرْبَعُهُ يَذْهَبْنَ ضِيَاعًا: الْأَكْلُ عَلَى الشَّبَعِ، وَ السَّرَاجُ فِي الْقَمَرِ، وَ الزَّرْعُ فِي السَّبْخَةِ وَ الصَّنِيعَةُ عِنْدَ غَيْرِ أَهْلِهَا. (۲)

ای علی! چهار چیز مصداق تلف و ضایع کردن مال و ثروت است: خوردن غذا در حال سیری، روشن کردن چراغ در شب مهتابی، کشاورزی در زمین شوره زار و سپردن کار کیفی به غیرمتخصص.

۳. معیارهای تشخیص اسراف

۳. معیارهای تشخیص اسراف

با توجه به آنچه گذشت، اسراف معنای نزدیکی با تبذیر دارد، با این تفاوت که اسراف، بیشتر زیاده روی در مصرف است، ولی تبذیر، هدر دادن مال و اتلاف آن است. همچنین گستره اسراف، تمام افعال آدمی را در برمی گیرد، درحالی که گستره تبذیر، به امور مالی اختصاص دارد؛ هرچند در روایت ها گاهی در یک معنا هم به کار می روند.

تشخیص تبذیر به معنای هدر دادن و اتلاف ثروت و کالا دشوار نیست، ولی تشخیص اسراف به معنای تجاوز از حد و گذر از میانه روی و

ص: ۴۶

۱- تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۲۸۸.

۲- من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۲۷۰، ح ۸۲۴.

رسیدن به افراط گرایی دشوار است؛ زیرا باید حد معتبر و محکم در اسراف را با ملاک ها و معیارهایی سنجید.

از نگاه قرآن و روایت های پیشوایان دین، تمام واجبات و محرمات دینی، حدود الهی است و هرگونه تغییر در احکام یا عمل نکردن به آن، خروج از حدّ و ممنوع است. (۱) البته کاربرد قرآنی این واژه بسیار فراوان است. برای مثال، اسراف در قتل، یعنی قصاص فرد یا افرادی غیر از قاتل (آل عمران: ۳) که خود تجاوز از حد الهی قصاص است. بنابراین، مصرف هرگونه کالایی که حرمت شرعی دارد، نوعی اسراف است. از سوی دیگر، تشخیص موضوع های گوناگون احکام، بیشتر به عهده عرف و مکلف گذاشته شده است. با این حال، برای ضابطه مند کردن تشخیص عرفی، معیارهایی ارائه شده است. اول اینکه هرگاه مصرف کالا به گونه ای باشد که بخشی از آن، هرچند اندک، تضييع شود، اسراف خواهد بود. (۲) امام صادق علیه السلام در این مورد فرموده است:

میانہ روی چیزی است کہ خدای بزرگ و والا آن را دوست دارد و اسراف را ناخوش، حتی اگر دور انداختن هسته (خرما و میوه) باشد؛ زیرا آن نیز به کاری می آید و حتی اگر دور ریختن ته مانده نوشیدنی ات باشد. (۳)

معیار دوم اینکه هرگاه مصرف کمی یا کیفی کالا برای بدن زیان بار باشد، گونه ای از اسراف است. (۴) این نکته مهم، از سخن امام صادق علیه السلام به

ص: ۴۷

۱- اصول کافی، ج ۱، صص ۴۵۹ و ۴۹۸.

۲- محمد مهدی نراقی، عوائد الایام، ص ۲۲۲.

۳- فروع کافی، ج ۴، ص ۵۲.

۴- مجمع البیان، ج ۳ و ۴، ص ۶۳۸.

روشنی برمی آید که فرمود: «در مصرف آنچه بدن را سالم نگاه می دارد، اسراف نیست، بلکه اسراف در چیزی است که مال را تباه سازد و به بدن زیان رساند».(۱)

معیار سوم، استفاده از امکانات مادی بیش از نیاز است، مانند خوردن بیش از اندازه نیاز یا ساختن منزلی بسیار وسیع که به همه مساحت آن نیازی نیست. این سخن امیر مؤمنان علی علیه السلام نیز ناظر به همین معیار است: «ما فوقَ الكفافِ اسرافٌ؛ بیش از اندازه کفاف، اسراف است».(۲)

۴. عوامل اسراف

اشاره

۴. عوامل اسراف

در علم اخلاق، برای مبارزه با یک صفت زشت، ابتدا به شناخت ریشه یا ریشه ها و سپس مبارزه با آن، توصیه می شود. تنها در این صورت است که تلاش انسان نتیجه می دهد و او را برای همیشه از رنجی که از ناحیه ابتلای بدان دامن گیر اوست، رهایی می بخشد.

مبارزه سطحی با یک خلق بد، درست مثل این است که برای خشکاندن درختی، به جای نابود کردن ریشه های آن، به قطع شاخه ها پردازیم. در این صورت، ممکن است آن درخت به سبب این عمل برای مدتی، بی شاخ و برگ باقی بماند، ولی پس از مدتی، دوباره از قسمت های مختلف آن، شاخه ها جوانه خواهند زد.

برای مثال، صفت «تکبر» نشانه وجود خودپسندی در روحیه و نفس انسان است. در حقیقت، خاستگاه کبرورزی و فخرفروشی در برخوردهای اجتماعی، همان صفت خودخواهی است که در روح و روان انسان ریشه

ص: ۴۸

۱- فروع کافی، ج ۴، ص ۵۳.

۲- غررالحکم و دررالکلم، ص ۳۵۹.

می گستراند و سپس در حرکات بیرونی و روابط اجتماعی شخص اثر می گذارد. به همین دلیل، درمان واقعی تکبر، جز با قطع ریشه آن با تیشه معرفت نفس، میسر نیست. تواضع برای انسان خودخواه در برخورد با دیگران، بسیار مشکل است و فروتنی او جز ظاهرسازی و تصنع چیز دیگری نخواهد بود.

اسراف نیز مانند بسیاری از اعمال، برخاسته از ریشه ها و عواملی است که بدون توجه به پرداختن به آنها، حذف آن از زندگی فردی و اجتماعی عملی نخواهد بود. در این بخش به بررسی این عوامل خواهیم پرداخت، گرچه ممکن است عوامل دیگری نیز در کار باشد.

الف) خودنمایی

الف) خودنمایی

فرض کنید شخصی همواره در رسیدن به خواسته ها و آرزوهای خویش در زندگی ناکام مانده و با تنگ دستی و محرومیت دست به گریبان بوده است. به تدریج، این سرخوردگی های انباشته شده به عقده های روانی تبدیل شده، در شخصیت او اختلال، ایجاد می کند. در این صورت، شخص سرخورده برای حفظ شخصیت خود، به ابزارهایی متوسل می شود که در روان شناسی از آن به «مکانیسم های روانی» یا «واکنش های دفاعی» یاد می شود و از میان آنها «تصعید» و «جبران» را می توان نام برد.^(۱) در این نوع واکنش روانی، فرد دچار اختلال تلاش می کند برای سرپوش گذاشتن بر ناکامی ها و عقده های متراکم خود به عملی دست بزند که او را در اجتماع مطرح کند.

اسراف، ول خرجی و ریخت و پاش های نامعقول را می توان از همین موارد به شمار آورد؛ زیرا اسراف کار، با این عمل خود در جست و جوی بازیافتن

ص: ۴۹

شخصیت سرکوب شده خویش است و فکر می کند با این روش، می تواند در اجتماع به عنوان انسانی دست و دل باز و بی اعتنا به ثروت مطرح شود.

در حدیثی، رسول اکرم صلی الله علیه و آله هرکسی را که ساختمان از روی ریا و سمعه^(۱) بسازد، به عذاب الهی تهدید فرمود. شخصی پرسید: چگونه بنایی با این وصف ساخته می شود؟ حضرت فرمود: «به این صورت که برای بزرگی فروختن بر همسایگان و فخرفروشی بر برادران دینی اش بیش از حد لازم برای خود ساختمان بسازد.»^(۲) در این روایت، خودنمایی ریشه زیاده روی و خروج از حد معرفی شده است.

ب) تربیت خانوادگی

ب) تربیت خانوادگی

تربیت پذیری از ویژگی های اساسی انسان است. برخلاف دیگر حیوانات که رفتارشان منشأ غریزی دارد، شالوده شخصیت انسان را تربیت خانوادگی اش تشکیل می دهد.

روان شناسان سه عامل وراثت، خانواده و محیط خارج را از عوامل مهم در تربیت انسان شمرده اند و از نظر بعضی از آنان، عامل خانواده از دو عامل دیگر اهمیت بیشتری دارد. یکی از روان شناسان می گوید:

یک مادر خوب به صد استاد و آموزگار می ارزد. طفلی که در دامن مادر خود به خواب رفته، نسل آتیه را تشکیل می دهد و کیفیت اخلاقی و شخصیت وی در آتیه، مربوط به سرمشق و تربیتی است که از نخستین مربی خود - مادر - گرفته است.^(۳)

ص: ۵۰

۱- ریا: نمایاندن کارهای نیک، سمعه: شنواندن به مردم کارهایی را که مایه کسب جاه است. (سید عبدالله شبر، اخلاق).

۲- وسائل الشیعه، ج ۳، باب ۲۵، از: احکام المساکن، ح ۴.

۳- به نقل از: مجید رشیدپور، چرا رنج می بریم، ج ۲، ص ۱۷۱.

جمله بسیار ارزنده ای را از روان شناسی به یاد دارم که گوینده و مدرکش را نمی دانم. او می گوید: «به من بگوید فلان شخص در چه خانواده ای رشد یافته و چه نوع تربیتی دیده است، تا بگویم فعلاً چگونه آدمی است».

بهترین سخن در این زمینه از امیرالمؤمنین علی علیه السلام صادر شده است، آنجا که حضرت به فرزندش، امام حسن علیه السلام می فرماید:

همانا قلب نوجوان همچون زمین خالی از هر بذری است که هرچه در آن بپاشی، می پذیرد. پس من به تربیت تو پرداختم، قبل از اینکه [وقت آن بگذرد].^(۱)

مؤثرترین روش در تربیت، روش عملی است و کودک قبل از اینکه به گفته های والدین خود توجه داشته باشد، از رفتار آنان الگو می گیرد.

بر این اساس، اگر فردی در خانواده ای تربیت یافته باشد که بزرگ ترهای آن، الگوی صحیحی برای مصرف نداشته و به هر دلیلی، به زیاده روی در مصرف خو گرفته باشند، این روش نیز همانند دیگر جنبه ها در ساختار روحی او اثر خواهد گذاشت. به این ترتیب، آدمی روحیه اسراف کاری را به عنوان صفت به دست آمده از خانواده، به اجتماع و خانواده ای که خود آن را تشکیل می دهد، منتقل خواهد کرد؛ مگر اینکه با تغییر اخلاق و تربیت، خود را از این گرفتاری نجات بخشد.

ص: ۵۱

۱- نهج البلاغه، ترجمه: صبحی صالح، خطبه ۲۰۹، ص ۳۳۵.

ج) فساد اخلاقی

گاهی اوقات زمینه اسراف را باید در شخصیت اخلاقی و روحیه مردم جست و جو کرد؛ زیرا شخصی که خود را به تجاوز و قانون شکنی عادت داده و به گناه و سرکشی خو گرفته است، نمی تواند فرد معتدلی در امور مالی باشد. پس همواره بر اساس پیروی از هوا و هوس، در پی ارضای تمایلات افسارگسیخته خویش است و سرمایه خود را در راه تأمین خواسته ها و عادت های زشت و هوس بازانه اش به هدر خواهد داد. برای مثال، فردی که به مواد مخدر - و حتی به سیگار - اعتیاد دارد، با اینکه یقین دارد اعتیاد، بخش مهمی از سرمایه زندگی خود و خانواده اش را می بلعد و نابود خواهد کرد و از این راه، ضررهای بی شمار جسمی و روحی بر او وارد می آید، باز هم از این عمل نادرست دست بر نمی دارد. این وضعیت تنها نشانه نداشتن شخصیت معتدل و اراده محکم برای تصمیم گیری و کنترل خواهش های نفسانی است. از همین رو، در بعضی آیات قرآن کریم، عنوان اسراف در کنار برخی گناهان دیگر ذکر شده است: «إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَنْ هُوَ مُسْرِفٌ كَذَّابٌ؛ همانا خداوند اسراف کار دروغ گو را هدایت نمی کند». (غافر: ۲۸) یا «... كَذَلِكَ يَضِلُّ اللَّهُ مَنْ هُوَ مُسْرِفٌ مُرْتَابٌ؛ ... این گونه خداوند هر اسراف پیشه گرفتار شک را گمراه و به خود واگذار می کند». (غافر: ۳۴)

اسراف در این دو آیه شریفه در تجاوز از حدود شرعی به کار رفته است که اسراف اقتصادی یکی از آنهاست و همین معنا نشان می دهد در رفتار برخی انسان ها، اسراف از تجاوزگری، آلودگی روحی و نبود اعتدال عمومی در شخصیت انسانی آنان برمی خیزد.

تقلید، یکی از عوامل بسیار مهم در تربیت بشر است. انسان همیشه می خواهد زندگی اش را با کسانی که در نظر او شرافت و موفقیت دارند، هماهنگ سازد. اگر این احساس با هدایت عقل و انتخاب الگوهای مناسب و صحیح همراه باشد، انسان را در جهت رشد کمال و فضایل اخلاقی به پیش می برد. چنانچه این خوی انسانی با تعصب و جهل و خواسته های نفسانی همراه شود، نتایج خطرناک و زیان باری در زندگی انسان دارد و به بزرگ ترین مانع در راه هدایت انسان بدل خواهد شد.

تقلید و پیروی کورکورانه از این و آن، از عوامل اسراف شمرده می شود. اسوه پذیری نوع مردم از رهبران و مدیران جامعه و نظام حاکم از مهم ترین مصداق های این عامل است. چگونگی زندگی و محیط کار مسئولان حکومتی در انتخاب گری مردم نقش تعیین کننده ای دارد. وضعیت معیشتی طبقه حاکم، در معرض توجه و دید توده های مردم قرار دارد و طبقات مختلف اجتماع، سطح زندگی و میزان برخورداری خود از امکانات مادی را با اندازه و نوع مصرف مدیران جامعه مقایسه می کنند. اگر زمامداران و مدیران جامعه، مصرف بهینه را در دستور کار خود قرار ندهند، هر کوششی برای تعدیل و تصحیح شیوه های مصرف در جامعه، ناکام یا بسیار کم فایده خواهد بود.

امیر مؤمنان علی علیه السلام می فرماید:

خدای متعال بر رهبران صالح و عادل اجتماع واجب کرده است تا اوضاع - پوشاک و خوراک و مسکن و دیگر نیازمندی های - خود را هم وزن اقشار ضعیف مردم قرار دهند تا تحمل فقر و سختی معیشت برایشان آسان

شود و از داشتن زندگی فقیرانه در خود احساس حقارت و شرم نداشته باشند. (۱)

تقلید، چهره های مختلفی دارد. برای مثال، بسیار دیده اید که افرادی الگوی مصرف خود را - به ویژه در زمینه چیزهایی که در معرض دید مردم است، مانند نوع پوشش و وسیله نقلیه یا منزل و لوازم زندگی - براساس نوع و کیفیت مصرف دیگران قرار می دهند و زندگی خود را بر پایه پیروی از برخورداری های دوستان و همکاران یا اقوام و کسانی بنا می نهند که با آنان ارتباط نزدیک دارند. چه بسا این گروه در بسیاری موارد، خود را ملزم می بینند پا از حد خویش فراتر بگذارند و از حدود اجتماعی و اقتصادی خود تجاوز کنند که در این صورت، به اسراف دچار می شوند.

این افراد باید بدانند تفاوت های مادی، ملاک ارزش انسان ها نیست. به یقین، اگر شخصی بخواهد بدون توجه به امکانات و درآمد زندگی اش، به قناعت و رضایت از آنچه خداوند به او داده است، پشت کند و به زندگی و وضع مادی دیگران چشم بدوزد، با دست خویش، راحتی و آسایش خاطر را از خود و خانواده اش می گیرد و خود و آنان را در زحمت و رنجی بی پایان قرار می دهد. انسان هرچند در برخورداری های مادی پیش رود، باز هم کسانی هستند که سطح زندگی و امکانات آنها از او بالاتر باشد. به همین دلیل، هیچ گاه چنین شخصی در زندگی به امنیت و اطمینان خاطر دست نخواهد یافت. امام باقر علیه السلام فرموده است: «إِيَّاكَ أَنْ تُطْمَحَّ بِصَيْرِكَ إِلَى مَن هُوَ فَوْقَكَ؛ زینهار که چشم خود را به زندگی بالاتر از خویش بدوزی». (۲)

ص: ۵۴

۱- نهج البلاغه، ترجمه: صبحی صالح، خطبه ۲۰۹، ص ۳۲۵.

۲- الکافی، ج ۲، ص ۱۳۷.

وسواسی بودن یکی از بیماری های روانی است که افزون بر هدر دادن عمر و فرسودن اعصاب و قوای روحی و جسمی، از عوامل اسراف به شمار می رود.

ممکن است کسی در پذیرایی از میهمان، وسواس داشته باشد و با وجود تهیه کردن غذایی مناسب برای میهمان، باز از اینکه نکند به طور شایسته از او پذیرایی به عمل نیآورده باشد، دچار ناراحتی شود و برای فراهم کردن سفره ای پرخرج و سنگین، به ورطه اسراف و تبذیر افتد.

کسی که در نوع پوشش، از کفش و لباس یا وسایل و لوازم منزل دچار وسواس است، همواره در اندیشه تعویض و تبدیل آنها به احسن به سر می برد. وی همیشه فکر می کند، آنچه دارد، درخور او نیست و با شأن او مناسبتی ندارد. این گونه افراد، وقتی برای خرید به بازار می روند، تا جان خود و همراهانشان را به لب نرسانند، به چیزی برای خریدن رضایت نمی دهند. پس مجبورند اوقاتی از عمر گران بهای خود را در پاساژها و مغازه ها در حال خرید به سر ببرند. ناگفته پیداست در این میان چه بلایی بر سر اموال و سرمایه زندگی خویش می آورند.

شخصی که در وضو یا غسل، وسواس دارد، خیال می کند با این کار، وضو و غسلش بهتر و کامل تر انجام می گیرد و چه بسا اعمال دیگران را نیز باطل فرض می کند. باین حال، توجه ندارد که خود این عمل، مخالف سیره رسول اکرم صلی الله علیه و آله است؛ زیرا بر اساس روایات معتبر، آن حضرت برای تمام اعمال وضو، تنها سه مشت آب مصرف می کرد. (۱) همچنین روایات بیان

ص: ۵۵

شده درباره غسل، نشان دهنده آن است که صرف رسیدن آب و جریان آن به پوست بدن کفایت می کند. (۱) بنابراین، وسواس چیزی جز اسراف و تبذیر نخواهد بود. امام صادق علیه السلام در این باره می فرماید: «خداوند فرشته ای دارد که اسراف در وضو را مانند دشمنی با خدا ثبت می کند». (۲)

ممکن است بعضی افراد در مورد نظافت شخصی دچار این عذاب روحی باشند و در حال استحمام یا شستن لباس ها و ظروف غذا و مانند آن، وسواس داشته باشند و به این وسیله، آب؛ این نعمت عظیم خداوندی و مایه حیات را هدر دهند. اسراف و تبذیر، به ویژه در مصرف آب - که امروزه صرفه جویی کامل در آن، از ضرورت های حیات انسانی است - از نتیجه های ناگوار وسواس به شمار می آید.

(و) ثروت اضافی

(و) ثروت اضافی

خانواده ای که درآمد مالی و سرمایه اش تنها به اندازه ضرورت ها و نیازهایش است، به ناچار برای پاسخ گویی به آن ضرورت ها، به کنترل مصرف روی می آورد. با این حال، اگر بر میزان ثروت خانواده افزوده شود و اعضا به ویژه مدیران خانواده از مدیریت و فرهنگ صحیح مصرف بی بهره باشند، به خیال اینکه دیگر زیاده روی، به بنیه مالی آنان خلل نمی رساند، به سوی اسراف کشیده خواهند شد.

باید توجه داشت همیشه زندگی بر یک منوال نیست و فرازونشیب های زیادی بر سر راه آن وجود دارد. چه بسا خانواده هایی زمانی در اوج عزت و رفاه بوده و پس از مدتی، به فقر دچار شده اند. از این رو، انسان معتدل و آینده نگر، در روزگار وسعت، به فکر روز محنت نیز است و با پرهیز از

ص: ۵۶

۱- نک: وسائل الشیعه، ج ۱، باب ۳۱، از ابواب الجنابه.

۲- وسائل الشیعه، ج ۱، باب ۵۲، از ابواب الوضوء، ح ۲.

اسراف و تبذیر، آینده خویش را هم در نظر می گیرد. چه اشکال دارد انسان به قدر ضرورت و رفع نیازهای معمولی، از ثروت خود استفاده کند و اضافه آن را در راه برطرف کردن احتیاج ها و نیازمندی های دیگر هم نوعانش به کار گیرد.

یکی از حيله های شیطان این است که هرچه انسان به اسراف و تبذیر رو بیاورد، به او وعده فقر نمی دهد و این کار را دست و دل بازی در نظرش جلوه می دهد. با این حال، همین که بخواهد مقداری از ثروت خویش را در راه رفاه جامعه به مصرف برساند، با هزاران وعده، او را از آینده می ترساند و از ابتلا به تنگ دستی و احتیاج نگران می سازد. در قرآن کریم چنین می خوانیم:

الشَّيْطَانُ يَعِدُكُمُ الْفَقْرَ وَيَأْمُرُكُمْ بِالْفَحْشَاءِ وَاللَّهُ يَعِدُكُمْ مَغْفِرَةً مِنْهُ وَفَضْلًا وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ. (بقره: ۲۶۸)

شیطان به شما وعده فقر و فرمان به گناهان می دهد و خدا وعده آمرزش و زیادی می دهد و خداوند دانا و فضل او گسترده است.

۵. انواع اسراف

اشاره

۵. انواع اسراف

در هر زمان، به مقتضای اوضاع و احوال گوناگون، مصداق های جدیدی برای اسراف و مصرف بی رویه پدید می آید. از بین بردن باغ های سرسبز میوه و زمین های زراعی برای ساختن آپارتمان (در حالی که در جای دیگر قابل ساختن باشد) یا تخریب برخی ساختمان های محکم و زیبای قدیمی به بهانه از مَید افتادن یا ریختن اضافه غذا در زباله دان و در سطح کلان، اسراف در منابع طبیعی و بیت المال از مصداق های اتلاف اموال و تبذیر در زمان ماست. دولت اسلامی به عنوان حافظ مصالح جامعه باید از این

ص: ۵۷

اسراف ها جلوگیری کند؛ زیرا منابع ثروت باید به طریقی مصرف شود که بالاترین کارآیی و بازدهی را در زمینه تولید در جامعه داشته باشد.

در یک دسته بندی کلی، اسراف را در دو قلمرو مصرف شخصی و مصرف عمومی می توان دسته بندی کرد.

الف) اسراف در مصرف شخصی

اشاره

الف) اسراف در مصرف شخصی

زیر فصل ها

یک - اسراف در خوردنی ها و نوشیدنی ها

دو - اسراف در پوشاک و وسیله نقلیه

سه - اسراف در مسکن و وسایل زندگی

چهار - انباشت سرمایه و تجمل گرایی

یک - اسراف در خوردنی ها و نوشیدنی ها

یک - اسراف در خوردنی ها و نوشیدنی ها

تغذیه از مهم ترین عوامل حیات و سلامتی هر موجود زنده، از جمله انسان است. خداوند متعال نعمت های خوراکی را متنوع قرار داده است تا همه نیازهای انسان را تأمین کند، به گونه ای که بهره جویی ناقص و محدود از مواد غذایی، جسم را ضعیف و دچار اختلال و کمبود می سازد و پی آمد آن، کاهش مقاومت بدن در برابر هجوم بیماری ها خواهد بود. حتی در بسیاری از موارد، اعصاب و روان آدمی نیز از تأثیر زیان بخش آن بی نصیب نخواهد ماند. بنابراین، رعایت اعتدال و میانه روی در مصرف مواد خوراکی، ضامن سلامت جسم و روح آدمی است. امام کاظم علیه السلام در این باره می فرماید:

اگر مردم در خوراک خویش میانه روی و اقتصاد را رعایت می کردند، بدن های آنها سالم و معتدل می شد. [\(۱\)](#)

زیاده روی در مصرف غذا، از نظر کمی و کیفی، دستگاه گوارش را خسته می کند و فرد را به بیماری های گوناگون دچار می سازد. بنابراین، انداختن سفره های رنگین در مهمانی ها و مراسم جشن و عروسی از روی

١- وسائل الشيعه، ج ١٦، ص ٤٩٩.

چشم و هم چشمی یا حفظ موقعیت و شخصیت اجتماعی موهوم، از مصداق های روشن اسراف و تبذیر است و جز کسالت عده ای از حاضران و بار سنگین مالی برای صاحب مجلس، نتیجه ای در پی نخواهد داشت.

روایت های اسلامی از زیاده روی در مصرف آب به ویژه هدر دادن آن نهی کرده اند؛ چنان که امام صادق علیه السلام می فرماید: «أذنی الاسرافِ هراقه فُضِّلِ الماءِ؛ کمترین حد اسراف، دور ریختن ته مانده آب (ظرف) است».^(۱)

از برخی روایت ها برمی آید که اسراف آب، حتی در امور عبادی همچون وضو و غسل، خواه با هدر دادن آب و خواه با زیاده روی در شست و شوی اعضا، ممنوع است، هرچند از آب رودخانه و آب های کشاورزی باشد. در همین مورد آمده است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از کنار شخصی گذشت که وضو می گرفت. پس فرمود: این اسراف برای چیست؟ آن شخص گفت: آیا در وضو هم اسراف است؟ فرمود: آری، اگرچه کنار نهی جاری باشی. در قرآن نیز با اشاره به حق آدمی در استفاده از غذا و آب، بر این نکته تأکید شده است که در این امر، هرگز اسراف و زیاده روی نشود: «وَكُلُوا و اشْرَبُوا وَ لَا تُسْرِفُوا».^(۲) (اعراف: ۷)

آموزه های روایی نیز به این دستور قرآنی توجه کرده و آورده اند که پرخوری و اسراف در خوردن، در پیشگاه پروردگار نکوهیده است و رحمت الهی را از آدمی دور می سازد.^(۳)

ص: ۵۹

۱- فروع کافی، ج ۶، ص ۴۶۰.

۲- طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۱، صص ۱۳۶ و ۱۳۷.

۳- وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص ۴۹۸.

دو - اسراف در پوشاک و وسیله نقلیه

یکی از نیازهای اساسی و ضروری انسان، پس از تغذیه، پوشیدن لباس مناسبی است که او را از سرما و گرما حفظ کند و حافظ حیا و عفت او باشد. در قرآن کریم به این مطلب تصریح شده است. (۱)

از ویژگی های لباس این است که مایه زینت و آراستگی انسان باشد و اگر به طور مناسب و مطابق شأن و موقعیت فرد انتخاب شود، حافظ شأن و مقام او خواهد بود. امام صادق علیه السلام خطاب به یکی از شیعیان فرمود:

لباس بپوش و آن را مایه آراستگی خود قرار ده. همانا خداوند زیباست و زیبایی را دوست دارد و توجه داشته باش که لباس تو از حلال باشد. (۲)

حلال بودن در جمله اخیر امام، عام است و شامل مالی می شود که صرف خرید لباس شده است.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امامان معصوم به مقتضای وضع عمومی مردم و هم دردی با محرومان یا رعایت جنبه های عملی زهد، لباس های ساده و گاه خشنی می پوشیدند، ولی این دلیل آن نیست که استفاده از لباس های لطیف و زیبا از نظر اسلام، ناپسند باشد. در احوال امام رضا علیه السلام می خوانیم که لباس های خشن می پوشید، ولی هنگام برخورد با مردم از لباس های زیبا و لطیف استفاده می کرد. (۳) روش آن حضرت، مبارزه عملی با گرایش به رهبانیت و عزلت طلبی در آن زمان بود. بنابراین، در انتخاب نوع لباس باید به وضع عمومی مردم و مقتضیات زمان توجه کرد.

ص: ۶۰

۱- نک: اعراف: ۲۶. «ای فرزندان آدم! ما لباسی که ساتر عورت شما باشد و جامه ای زیبا و نرم برای شما فرستادیم و بر شما باد به لباس تقوا که این نیکوترین لباس شماست».

۲- فروع کافی، ج ۶، ص ۴۴۲، ح ۷.

۳- وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۳۷۶، ح ۳.

متأسفانه در جامعه ما بسیاری از خانواده ها در تأمین نیازهای حیاتی خود مشکل دارند و گاهی در فقر و محرومیت به سر می برند و عده زیادی از دانش آموزان کشور - به ویژه در روستاها - حتی برای رفتن به مدرسه، کفش و لباس مناسبی ندارند. با این حال، برخی خانواده ها از روی چشم و هم چشمی یا تقلید از مدهای غربی، به تهیه لباس های متعدد و گران قیمت می پردازند و درحالی که هنوز از یک دست لباس استفاده کامل نکرده اند، آن را کنار می گذارند و برای مجلس و مهمانی دیگر، لباس جدیدی تهیه می کنند. گویی این مطلب جزو فرهنگ آنها شده است که پوشیدن لباس وصله دار، زشت و نکوهیده باشد. این در حالی است که از نظر فرهنگ اسلامی، استفاده کامل از لباس، هرچند با ترمیم آن، نوعی قدرشناسی از نعمت و نشانه رعایت اعتدال و صرفه جویی در زندگی است.

در شرح زندگی امام صادق علیه السلام آمده است که یکی از شیعیان بر آن حضرت وارد شد و با ملاحظه پیراهن وصله دار ایشان به حضرت خیره شد. امام از علت خیره شدن او پرسید. آن مرد گفت: نظرم به پینه ای است که در گریبان شماست. امام فرمود: «این کتاب را بردار و مطلبی را بخوان که در آن نوشته شده است.» آن مرد کتابی را که مقابل حضرت بود، برداشت و در آن نظر افکند و دید در آن نوشته شده است:

کسی که حیا ندارد، ایمان ندارد و کسی که در معاش خود برنامه ندارد، از ثروت بی بهره است و کسی که از کهنه استفاده نکند، نو و جدیدی برای او نمی ماند. (۱)

ص: ۶۱

باید دانست داشتن لباس های متعدد و استفاده از هر کدام در جای مناسب، مصداق اسراف نیست؛ به این معنا که شخص برای هر کدام از زمان های اشتغال به کار، استراحت، تفریح، شرکت در مجالس جشن و مهمانی یا مجالس عزا، لباس مخصوصی داشته باشد. از امام کاظم علیه السلام روایت شده است که یکی از شیعیان به آن حضرت گفت: مردی ده پیراهن دارد، آیا این کار اسراف است؟ حضرت فرمود:

نه، بلکه این روش برای استفاده و بهره برداری بیشتر از لباس ها و دوام آنها بهتر است و اسراف آن است که لباسی را که با آن آبرو و شخصیت خود را حفظ می کنی (مانند لباس شرکت در مجالس عمومی) در جاهای کثیف و آلوده بپوشی. (۱)

امام صادق علیه السلام در روایتی می فرماید: «لباس بیرون را که با آن در اجتماع حاضر می شوی، لباس خانه ات قرار نده». (۲)

به طور خلاصه، در زمینه پوشاک دو جنبه از مصداق های اسراف قلمداد شده است:

۱. شخص از حدّ خویش فراتر رود و برای خود و خانواده اش پوشاکی تهیه کند که خارج از شأن و موقعیت اجتماعی یا اقتصادی او باشد؛

۲. با استفاده بی رویه و نامنظم از پوشاک خود، زمینه کهنگی زودرس آنها را فراهم آورد. (۳)

امام صادق علیه السلام در این باره می فرماید: «اسراف این است که جامه حفظ آبرویت را در وقت عادی بپوشی». (۴)

ص: ۶۲

۱- مکارم الاخلاق، ص ۹۸.

۲- فروع کافی، ج ۶، ص ۴۴۱.

۳- پژوهشی در اسراف یا آفت سرمایه ها، ص ۱۸۷.

۴- وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۳۵۲، ح ۳.

در برخی روایات، داشتن مرکبی مناسب و راهوار مانند منزل وسیع، از اسباب سعادت یک فرد مسلمان شمرده شده است.^(۱)

همچنین در زمان حاضر، به ویژه در شهرهای بزرگ و مواقع اضطراری، داشتن وسیله نقلیه از نیازهای نسبتاً ضروری است و می تواند موجب رفاه و آسایش یک خانواده باشد. مشروط به اینکه فرد در انتخاب و خرید آنها شأن و موقعیت اجتماعی و درآمد خود را در نظر بگیرد و از حدّ اعتدال خارج نشود؛ زیرا اگر به واسطه چشم و هم چشمی و هوس های زودگذر در این گونه امور، اسراف و تبذیر شود، ناراحتی فکر و خیال را در پی دارد؛ به ویژه زمانی که با قرض و وام و از مال دیگران تهیه شود.

امام صادق علیه السلام در روایتی، به زیبایی به این موضوع اشاره کرده است و می فرماید:

و خداوند تجویز کرد که مردم در حدّ میانه از مرکب استفاده کنند. آیا چنین می پنداری که خداوند، مالی را نزد مردی امانت می نهد و آنگاه به وی اجازه می دهد تا اسبی به ده هزار درهم بخرد، درحالی که اسبی به بیست درهم، او را کافی است. مگر نه این است که خود فرمود: اسراف مکنید که او اسراف کاران را دوست ندارد.^(۲)

با ریشه یابی بسیاری از اسراف و تبذیرها به این نتیجه می رسیم که شخص برای خود موقعیت و شخصیت اجتماعی خیالی در نظر می گیرد و تلاش می کند از هر راه ممکن، خود را در آن سطح قرار دهد. در چنین وضعیتی، شخص به ول خرجی، ریخت و پاش، اسراف و تبذیر روی

ص: ۶۳

۱- وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۵۵۸.

۲- تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۱۳.

می آورد و از حریم تقوا خارج می شود. البته هرکس در راه حفظ موقعیت و شخصیت واقعی و مطابق با شأن خود خرج کند، نه تنها اسراف نکرده، بلکه از نظر اسلام، کار او پسندیده است. حضرت علی علیه السلام در این باره می فرماید: «همانا بهترین کارها صرف مال در راه حفظ آبروست»^(۱).

سه - اسراف در مسکن و وسایل زندگی

سه - اسراف در مسکن و وسایل زندگی

داشتن سرپناه و مسکن مناسب یکی دیگر از نیازهای اساسی و ضروری انسان است؛ به گونه ای که در برخی روایات، داشتن خانه وسیع، یکی از اسباب سعادت انسان به شمار آمده است.^(۲) البته مراد آن است که از آن منزل وسیع، در راه اطاعت و بندگی خدا و خودسازی استفاده شود. بنابراین، وسعت لازم برای منزل بر حسب تعداد افراد خانواده، شأن و موقعیت اجتماعی افراد، متفاوت است و زیاده روی نسبت به آن جایز نیست.

در حدیثی آمده است که روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله از گذرگاهی می گذشت؛ چشمش به ساختمانی افتاد که یکی از انصار ساخته بود. هنگامی که صاحب آن بنا نزد حضرت آمد و سلام کرد، ایشان از او روی برگردانید. پس از آنکه وی علت بی اعتنائی حضرت را دریافت، برگشت و بنا را با خاک یکسان کرد. در پی این جریان رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

إِنَّ لِكُلِّ بِنَاءٍ يُبْنَى وَبِأَلِّ عَلَى صَاحِبِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِلَّا مَا لَابُدَّ مِنْهُ.^(۳)

بی تردید، هر بنایی که ساخته شود، روز قیامت باری بر دوش صاحبش خواهد بود؛ مگر آنچه گریزی از آن نیست (مورد نیاز وی است).

از امام صادق علیه السلام در همین باره نقل است:

ص: ۶۴

۱- وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۲۶۲، ح ۱.

۲- وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۵۵۸، ح ۵.

۳- مجمع البیان، ج ۷ و ۸، ص ۳۱۰.

كُلِّ بِنَاءٍ لَيْسَ بِكَفَافٍ فَهُوَ وَبَالَ عَلٰى صَاحِبِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ. (۱)

هر ساختمانی اضافه بر حد نیاز و کفاف، روز قیامت موجب وبال و سنگینی حساب صاحبش خواهد بود.

داشتن خانه های متعدد بدون نیاز به آنها و پرداخت هزینه های گزاف برای مصرف های تجملاتی در یک منزل، از مصداق های اسراف یا تبذیر است و فقر و محرومیت و بی سرپناه ماندن عده زیادی از افراد جامعه را در پی خواهد داشت. داشتن خانه های متعدد تنها در صورتی مجاز است که در راه پناه دادن به بی پناهان و دستگیری از محرومان باشد.

حضرت علی علیه السلام در بصره به عیادت یکی از شیعیان خود به نام علاء بن زیاد حارثی رفت. زمانی که وسعت منزل او را مشاهده کرد، فرمود:

با وسعت این خانه در دنیا چه می کنی؟ درحالی که تو در آخرت به آن محتاج تری؛ البته اگر در آن از واردان پذیرایی کنی و خویشان بی سرپناهت را در آن جای دهی و حقوقی را که از این جهت بر عهده ات است، ادا کنی، به وسیله آن به آخرت رسیده ای. (۲)

در تهیه و مصرف دیگر وسایل زندگی نیز باید حد اعتدال را رعایت کرد. جمع آوری وسایل غیرضروری و کم مصرف، نادرست و از مصداق های آشکار اسراف است. در روایت های اسلامی، معیاری مشخص برای استفاده درست از دیگر امکانات زندگی معرفی شده است. امام صادق علیه السلام در روایتی می فرماید:

فِرَاشٌ لِلرَّجُلِ وَ فِرَاشٌ لِأَهْلِهِ وَ فِرَاشٌ لِّصَیْفِهِ وَ فِرَاشٌ لِلشَّیْطَانِ. (۳)

ص: ۶۵

۱- وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۵۸۷.

۲- نهج البلاغه، خطبه ۲۰۹.

۳- فروع کافی، ج ۶، ص ۵۳۱.

رخت خوابی برای مرد و رخت خوابی برای خانواده اش و رخت خوابی برای میهمانش [لازم است] و رخت خواب اضافه از آن شیطان است.

آنچه مسلم است اینکه از نظر کمی و کیفی به گونه ای باید از امکانات استفاده کند که معیارهای اسراف بر آن صدق نکند و میزان نیاز را ملاک عمل قرار دهد.

چهار - انباشت سرمایه و تجمل گرایی

اشاره

چهار - انباشت سرمایه و تجمل گرایی

انباشت سرمایه، به تدریج، روحیه رفاه زدگی و تجمل گرایی را در آدمی به وجود می آورد و در سراسر زندگی نمود می یابد. یکی از این نمودها، استفاده نابه جا از نور و چراغ است که نمونه ای از تجمل و اسراف به شمار می آید. امام کاظم علیه السلام به نقل از حضرت علی علیه السلام می فرماید:

پنج چیز ضایع می شود: یکی از آنها، چراغی است که آن را در (نور) خورشید برافروزی و نوری که از آن استفاده نشود. (۱)

بنابراین، استفاده غیر ضروری از نور و روشن کردن چراغ های اضافی و لوسترها، مصداق آشکار تجمل گرایی و اسراف است. اسراف هرگز استثناپذیر نیست و حتی در هزینه کردن دارایی برای کارهای خیر نیز باید متعادل بود و از حد میانه خارج نشد. (۲) گفتنی است که مال و ثروت به طور طبیعی، زمینه ساز رفاه زدگی و هواپرستی است و کم کم روحیه مصرف گرایی و رفاه زدگی و به تعبیر قرآن، «اتراف» را در آدمی شکل می دهد. قرآن کریم، مترفان را اصحاب دوزخ می داند. سپس اسراف کاران را نیز هم ردیف آنها می بیند: «وَإِنَّ الْمُسْرِفِينَ هُمْ أَصْحَابُ النَّارِ؛ اسراف کاران، هم دمان آتشند». (مؤمن: ۴۳)

ص: ۶۶

۱- الامالی طوسی، ص ۲۸۵.

۲- تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۱۷۱.

چنان که در جای دیگر آورده است:

وَ أَصْحَابُ الشُّمَالِ مَا أَصْحَابُ الشُّمَالِ... إِنَّهُمْ كَانُوا قَبْلَ ذَلِكَ مُتْرَفِينَ. (واقعه: ۴۱ و ۴۵)

و یاران چپ؛ کدامند یاران چپ؟ اینان بودند که پیش از این، نازپروردگان بودند.

در روایت ها نیز استفاده نابه جا از امکانات مادی، به قصد فخرفروشی و خودنمایی نکوهش شده است. از پیامبر اسلام نقل است:

هرکس جامه ای بپوشد و با آن فخرفروشی کند، خداوند او را از لبه دوزخ به قعر آن فرو خواهد برد. (۱)

آن حضرت در روایت دیگری می فرماید: «هرکس برای خودنمایی و ستایش دیگران ساختمانی سازد، روز قیامت، در حالی آن را حمل خواهد کرد که چون آتشی شعله ور، بر گردشش آویخته است و به آتش افکنده خواهد شد.» گفته شد: ای رسول خدا! چگونه آن را برای خودنمایی و ستایش جویی می سازد؟ فرمود: «فرا تر از حد نیاز می سازد تا بر همسایگانش برتری جوید و به برادرانش فخر فروشد.» (۲)

از سوی دیگر، قرآن کریم برای نفی چنین رفتاری و پرهیز از الگوگیری از آن، دستور می دهد هرگز از اسراف کاران پیروی نکنید: «وَلَا تُطِيعُوا أَمْرَ الْمُشْرَفِينَ.» (شعرا: ۱۵۱) در روایت های بزرگان نیز چشم دوختن به کسانی که از سطح زندگی بالاتری بهره مندند، نهی شده است و اثرپذیری

ص: ۶۷

۱- من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۱۳.

۲- من لایحضره الفقیه، ج ۴، صص ۱۱ و ۱۲.

منفی از آنان نکوهش می شود. امام باقر علیه السلام می فرماید: «إِيَّاكَ أَنْ تَطْمِيحَ بَصَيْرِكَ إِلَى مَنْ فَوْقَكَ؛ بپرهیز از اینکه به بالاتر از خود (در امور مادی) چشم بدوزی».(۱)

کوچک های بزرگ در اسراف

کوچک های بزرگ در اسراف

۱. نباید تنها از نظر فردی و شخصی به آثار و پی آمدهای اسراف نگریست، بلکه در سطح کلان باید به آن توجه کرد. برای مثال، اسراف در مصرف نان در سطح یک خانواده ممکن است مصرف را به دو برابر حد معمولی افزایش دهد، ولی اگر این شیوه غلط در سطح عموم رواج یابد، هر روز مقدار زیادی از این نعمت الهی دور ریخته می شود. به جز آن، دولت برای نان، یارانه پرداخت می کند، مبالغ زیادی از بیت المال ضایع می شود. اگر هر خانواده در مصرف آب، برق، سوخت و دیگر موارد نیز به جای صرفه جویی، اندکی زیاده روی کند، آمار ضایعات، به سطح باورنکردنی خواهد رسید.

در سخنان پیشوایان معصوم، اسراف در آب، حتی برای وضو که امری واجب است، نکوهش شده است. برخی نقل کرده اند که امام خمینی رحمه الله در فاصله بین اعمال وضو، شیر آب را می بست یا حتی برای چند دقیقه هم لامپی را بی جهت روشن نمی گذاشت. یکی از نزدیکان آن بزرگوار نقل می کند: «بارها دیدم که معظم له از اتاقشان به طرف اندرون منزل رفتند، ولی چند لحظه بعد از میان راه برگشته، لامپ مهتابی را خاموش کردند و دوباره به طرف اندرونی رفتند با آنکه معمولاً بیش از چند دقیقه در آنجا نمی ماندند و دوباره به همین اتاق برمی گشتند».(۲)

ص: ۶۸

۱- اصول کافی، ج ۲، ص ۱۳۷.

۲- محمدحسین رحیمیان، در سایه آفتاب، ص ۸۶.

۲. اسلام بر رعایت اتقان و استواری کارها برای بهره برداری صحیح و کارآ تأکید می کند، به گونه ای که در روایات، انجام دادن کارها به صورت محکم و متقن، محبوب الهی قلمداد شده است. بنابراین، تحمل هزینه و صرف وقت برای اتقان و استواری کار، به هر مقدار که باشد، اسراف نیست، بلکه نوعی پیش گیری از اسراف است و بسیاری از خسارت ها از ناحیه صرفه جویی های بی جا و غیراصولی، متوجه جامعه و افراد می شود. پس اتقان در عمل، نوعی حفاظت از سرمایه و ثروت در برابر حوادث غیرمترقبه بوده و تضمینی برای بهره برداری بیشتر و بهتر از سرمایه و کالای تولید شده، همراه با اطمینان بالاتر است.

برای نمونه، چنانچه نانوایان - که درحقیقت، تولیدکننده ضروری ترین نیاز مردم هستند - در پخت نان، دقت و حوصله لازم به خرج ندهند، مصرف کننده نمی تواند به طور کامل از آن نان استفاده کند. در نتیجه، زمینه اسراف بی بزرگی فراهم می آید و ضرر عظیمی متوجه جامعه می شود. بد نیست بدانید حدود سی درصد نانی که در نانوایی های تهران پخته می شود، به دلایل گوناگون، قابل مصرف نیست و دور ریخته می شود.^(۱)

اکنون توجه کنید اگر در شهرهای دیگر، به دلیل سهل انگاری و مسامحه نانوایان و اسراف و تبذیر مصرف کنندگان، این آمار، درست باشد، چه ضرر بزرگی متوجه جامعه می شود که اگر از آن جلوگیری شود، به وارد کردن گندم نیازی نیست.

ص: ۶۹

بنابراین، در آموزه های روایی بر تولید کالا به گونه ای که کمترین ضایعات را داشته باشد، تأکید شده است. رسول خدا صلی الله علیه و آله دستور می داد اندازه نان را کوچک بگیرد تا دورریزی آن کمتر باشد.^(۱)

امام علی علیه السلام نیز غلامان را به دلیل پخت نان با کیفیت پایین سرزنش می فرمود.^(۲)

۳. اسراف، منحصر به مصرف کردن مال نیست، بلکه نادیده گرفتن حدود مقرر در استفاده از نیروی انسانی کارگر از سوی کارفرمایان، مصداق اسراف است. همچنین به کارگیری نیروی متخصص در غیر رشته تخصصی، رعایت نکردن نکات ایمنی و حفاظتی و تراکم بیش از حد نیروی کار به گونه ای که اشتغال آنها با بیکاری پنهان همراه باشد، از مصداق های اسراف و استفاده نادرست از نیروی انسانی و عامل کاهش بهره وری و کارآیی به شمار می رود.

۴. با توجه به تأکید اسلام بر تقدیر در معیشت و ذکر آن در روایات به عنوان یکی از عوامل اصلاح امور مردم^(۳) یا از نشانه های سه گانه ایمان،^(۴) یک جامعه باید نیازهای خود را برحسب درجه اهمیت و حساسیت طبقه بندی کند و به ترتیب اولیاتی که دارند درصدد رفع آنها برآید. در نتیجه، تولید کالاهای لوکس قبل از تولید کالاهای ضروری و حیاتی از مصداق های اسراف و تبذیر است و موجب هدر رفتن منابع ثروت عمومی و فقر و محرومیت عده زیادی از افراد جامعه می شود.

ص: ۷۰

۱- محمدحسین رحیمیان، در سایه آفتاب، ص ۶۱۸.

۲- وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص ۶۱۹.

۳- بر اساس روایتی از امام صادق علیه السلام که در ابتدای بحث حدود مصرف در اسلام نقل شد.

۴- وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۴۱، ح ۵.

۵. در ارزش یابی کالاهایی که دولت برای رفاه عموم، به ویژه حمایت از قشرهای آسیب پذیر، برای آنها یارانه می پردازد، باید قیمت های واقعی آنها را در نظر بگیریم و با توجه به قیمت ظاهرشان، اسراف در مصرف را برای خود تجویز نکنیم.

۶. باید توجه داشت که اسراف و زیاده روی در مصرف کالاهایی که تولید آنها به میزان کفایت کل جامعه نیست، علاوه بر اینکه به خودی خود، ممنوع است، سبب محروم ماندن دیگران می شود و از موارد اضرار به غیر (ضرر زدن به دیگران، هرچند به طور غیرمستقیم) به شمار می آید.

۷. اسراف منحصر به زیاده روی و افراط در خوراک و پوشاک نیست، بلکه انفاق به غیرمستحق، زیاده روی در ساختن مسجد و حسینیه نیز اگر بهره برداری دینی و معنوی لازم را به دنبال نداشته باشد، نوعی اسراف یا تبذیر است.

(ب) اسراف در اموال عمومی

اشاره

(ب) اسراف در اموال عمومی

ضروری ترین وظیفه هر اجتماع سالم که خواهان برخورداری از اقتصادی سالم و پررونق باشد، پاسداری و مراقبت جدی از اموال عمومی و سرمایه های ملی است. (۱)

مقصود از «ثروت عمومی»، تمامی امکانات و سرمایه های مادی یک جامعه است که خداوند آن را مایه حیات و قوام اجتماع قرار داده است؛ از قبیل: دریاها، رودخانه ها، جنگل ها و مراتع، پرندگان، معادن و دیگر منابع ثروت ملی و بیت المال مردم. اینها درحقیقت، سرمایه های اصلی یک ملت و ضامن بقای آن به شمار می آیند و با تأثیر مستقیمی که بر حیات

ص: ۷۱

اقتصادی جامعه دارند، استفاده صحیح از آنها، اجتماع را به سوی رفاه و غنای مادی پیش می برد. در مقابل، کاهش و فرسایش آنها، بنیه اقتصادی کشور را سست می کند و به طرف نابودی می کشاند.

اکنون توضیح علامه طباطبایی رحمه الله در تفسیر آیه شریفه «و لا تُؤْتُوا السُّفَهَاءَ اَمْوَالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللهُ لَكُمْ قِيَاماً...» (نساء: ۵) را به عنوان مقدمه مطرح می کنیم.

«مقصود از اموالکم در آیه شریفه، اموال یتیمان است و اما اینکه خطاب به اولیای آنها می فرماید: مال های شما، با این عنایت است که مجموع ثروت موجود در جهان متعلق به مجموعه اهل دنیا است و مصلحت عمومی اجتماع که بر پایه مالکیت شخصی استوار است، اقتضا می کند هر فردی از جامعه مالک جزئی از کل مال باشد. پس بر همگان لازم است توجه داشته باشند که آنها یک مجتمع واحدند و مجموعه ثروت روی زمین برای تمامی آنهاست و بر هر یک وظیفه است تا از آن حفاظت و پاسداری نمایند و از اینکه انسان های غیرعاقل و بی کفایت مانند کودک و دیوانه بر آن مسلط شوند و آن را به تباهی بکشند، ممانعت به عمل آورند».(۱)

یک - اسراف در منابع طبیعی

اشاره

یک - اسراف در منابع طبیعی

خداوند عظیم ترین منابع ثروت را در دل زمین، به ودیعت گذاشته و به انسان ها اجازه و قدرت بهره برداری و تسخیر آن را عنایت فرموده است. خداوند در قرآن کریم می فرماید: «هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعاً...؛ اوست که تمامی آنچه در زمین هست، برای استفاده شما آفرید». (بقره: ۲۹)

ص: ۷۲

عالم طبیعت، جهان تقدیر و اندازه است و بی نهایت در آن راه ندارد: خداوند در قرآن کریم می فرماید: «إِنَّا كُلُّ شَيْءٍ خَلَقْنَاهُ بِقَدَرٍ؛ ما هر چیزی را به اندازه معین آفریدیم». (قمر: ۴۹)

همچنین در قرآن می خوانیم: «وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا عِنْدَنَا خَزَائِنُهُ وَمَا نُنزِلُهُ إِلَّا بِقَدَرٍ مَعْلُومٍ؛ چیزی از موجودات نیست مگر اینکه خزینه های آن پیش ماست و آن را مگر به اندازه معین نازل نمی کنیم». (حجر: ۲۱)

بر این اساس، منابع و ذخایر زمین نیز پایان ناپذیر نیست و با مصرف بی رویه و اسراف گونه آن، به سرعت رو به نقصان خواهد رفت و به زودی به پایان خواهد رسید.

«اکنون برخلاف چند سال پیش به راحتی می توان استدلال کرد که منابع زمینی پایان ناپذیر نیستند. با این حال، هم اکنون نیز بسیاری از مردم باور ندارند که اگر همچنان به بهره برداری بی رویه از این منابع، به ویژه زغال و نفت ادامه بدهیم، این منابع تنها تا حدود نیم قرن دیگر دوام خواهند آورد».^(۱)

آیا تاکنون فکر کرده اید اگر این اخطارها و هشدارها زمانی جامه عمل بپوشد، بشر به چه روزی خواهد افتاد و انرژی خورشیدی تا چه اندازه خواهد توانست خلأ ناشی از نبود نفت و فرآورده های نفتی را پر کند؟ اگر ما اندکی به فکر نسل های آینده باشیم که کسانی به جز فرزندان ما نیستند، غیر از رعایت اعتدال در مصرف و حفاظت از منابع و ذخایر طبیعی، راه دیگری نخواهیم داشت.

ص: ۷۳

۱- ویلی برانت، جهان مسلح، جهان گرسنه، ترجمه: هرمز همایون پور، ص ۱۳۵.

جنگل ها و مراتع از سرمایه های بسیار مهم طبیعی روی زمین به شمار می روند که اضافه بر تأمین چوب مصرفی در صنعت، ساختمان ها و سوخت، در تصفیه و پالایش هوا و تنظیم گازهای موجود در آن نقش اساسی دارند. در اینجا به برخی آثار مثبت جنگل ها اشاره می شود:

۱. جنگل ها در میزان بارندگی اثر قاطع دارند.
۲. هوای محیط را مرطوب و سالم نگه می دارند.
۳. برای تنفس انسان ها اکسیژن تولید می کنند.
۴. گازهای سمی هوا را جذب می کنند.
۵. گرد و غبار هوا را می گیرند.
۶. محیط اطراف خود را ضد عفونی می کنند.
۷. سیل ها و حرکت آنها را کنترل می کنند.
۸. آب ها را در لایه های خاک و زمین نفوذ می دهند و ذخیره می کنند.
۹. از تخریب خاک ها جلوگیری می کنند.
۱۰. بادهای را کنترل می کنند.
۱۱. خاک را با ریشه های خود، استوار نگه می دارند.
۱۲. از زه دار شدن زمین جلوگیری می کنند.
۱۳. مانع لغزش زمین می شوند.
۱۴. بهمن ها را کنترل می کنند. (۱)

امروزه بر اثر کم توجهی و بهره برداری بی رویه بعضی تجاوزپیشگان، این منبع مهم ثروت های فراوانی دیده است. برای نمونه، به گزارشی از وضعیت جنگل های شمال ایران توجه کنید:

سالانه از یک میلیون و سیصد هزار هکتار از جنگل های شمال کشور - که در برنامه ریزی های کلان به عنوان قطب تولید چوب محسوب می شود - به طور متوسط، یک میلیون و پانصد هزار متر مکعب چوب صنعتی و غیرصنعتی به صورت تراورس، الوار، کرده بینه، کاتین و هیزم به ارزش اقتصادی ۲۵ میلیارد ریال استحصال می شود. وسعت جنگل های شمال کشور در بیست سال گذشته از سه میلیون و چهارصد هزار هکتار، به یک میلیون و نه صد هزار هکتار کاهش یافته است. متأسفانه روند سریع استفاده و تخریب منابع جنگلی به نحوی بوده که اقدامات انجام شده در جهت احیا، در مقایسه با روند تخریب و برداشت جنگل بسیار ناچیز است. (۱)

«بهره برداری ثبت نشده و غیررسمی از این جنگل ها به مراتب بیشتر از این مقدار است. واقعیت این است که جنگل های شمال معاش یک میلیون و شصت و پنج هزار انسان گرد آمده در ۱۶۵ هزار خانوار را تأمین می کند. این عده ۴/۴ میلیون رأس دام متحرک و نیمه متحرک دارند و ۴/۱ میلیون دام خانگی، یعنی جمعاً پنج میلیون و هشتصد هزار واحد دامی دارند که از گیاهان و بیوماس جنگل تغذیه می کنند. افزون بر این، سوخت معمول جنگل نشینان و ساکنان حاشیه جنگل ها نیز در چهار فصل سال، چوبی است که از همین جنگل ها و بی هیچ ترتیب و تدبیری بریده می شود. مجموع چوبی که اینان هر سال از جنگل ها می برند، پنج میلیون

ص: ۷۵

متر مکعب برآورد شده است. بهره برداری ما از جنگل هایمان استفاده مسالمت جویانه از مواهب طبیعت نیست؛ تاراج مغولان را یادآور است و غارت وحشیان را. در شرایط فعلی، جنگل های شمال، سالانه برداشت یکی دو میلیون متر مکعب چوب را نمی توانند تحمل کنند؛ درحالی که ما تبر به دست گرفته ایم و هر سال دست کم ۶/۵ میلیون متر مکعب چوب را می بریم، می سوزانیم یا حداقل به ثمن بخش می فروشیم و این همان تبری است که هر سال، پنج میلیون متر مکعب چوب را به طور غیرقانونی از درختان جنگل های شمال می برد» (۱).

آیا ادامه این حرکت و بی توجهی به پی آمدهای زیان بار و خسارت آمیز آن در مورد مهم ترین منبع درآمد مادی و معنوی عموم ملت، رفتاری خیانت آمیز نیست؟

دوم - منابع آبی

دوم - منابع آبی

آب، موهبتی الهی است که کمتر نعمتی با آن برابری و همسانی می کند. آب مایه حیات است و زندگی بدون آب ممکن نیست. خداوند در قرآن مجید می فرماید: «وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ؛ تمام موجودات زنده را از آب قرار دادیم». (انبیاء: ۳۰)

زندگی انسان نه تنها به آب بستگی مستقیم دارد، بلکه همه فرآورده های گوشتی و نباتی نیز به آن وابسته است. همچنین آفت ها و مزاحمان سلامت انسان به وسیله آب از محیط زندگی دور می شود و حیات او از هجوم بیماری ها ایمنی می یابد.

ص: ۷۶

۱- مجله دانشمند، صص ۳۸ و ۴۰، از سخنان دکتر شامخی، استاد دانشکده منابع طبیعی کرج.

امام صادق علیه السلام زمانی که نام مبارک پیامبر در حضورشان برده شد، عرض کرد: «پروردگارا! تو می دانی که رسالت نزد ما از پدران و مادران و خویشاوندان و آب سرد و گوارا محبوب تر است».(۱)

در این حدیث، حضرت صادق علیه السلام برای نشان دادن شدت علاقه خود به نبی گرامی اسلام بین نعمت های مصرفی بی شمار الهی، نعمتی بالاتر از آب پیدا نمی کند تا عشق خویش و اهل بیت عصمت علیه السلام را بالاتر از آن معرفی کند. این انتخاب اصلح، متضمن یک تناسب نیز هست؛ زیرا همان گونه که آب برای حیات جسمی و طبیعی انسان لازم است، رسول اکرم صلی الله علیه و آله نیز روح معنوی و حیات جاودانی به بشر می بخشد.(۲)

بدیهی است با توجه به اینکه منابع تأمین آب، به ویژه آب آشامیدنی در کشور ما، محدود و همه ساله با خطر کاهش و کمبود روبه رو است، زیاده روی در مصرف آب نتایج زیان باری برای جامعه خواهد داشت.

همگان شاهد بودیم که در سال های اخیر با توجه به کمبود باران های پاییزی، سازمان آب به طور مکرر اعلام کرد که اگر در مصرف آب صرفه جویی نشود، ممکن است آب در برخی مناطق کشور، جیره بندی و حتی در بعضی مناطق، قطع شود. اکنون افزایش میزان مصرف آب در جامعه از چه مسائلی حکایت می کند و آیا این نشان دهنده رشد فرهنگ مصرف است یا تنزل آن؟

ص: ۷۷

۱- سفینه البحار، ج ۲، ص ۵۵۹.

۲- «يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ...؛ ای مؤمنان! اجابت کنید خدا و رسول را وقتی دعوت کند شما را به چیزی که زنده می کند شما را.» (انفال: ۲۴).

بالا- رفتن میانگین مصرف آب، نمایانگر ارتقای سطح بهداشت در جامعه و رعایت آن از سوی مردم است. در صورتی که همگان می دانیم، بهداشت کامل از زیاده روی در مصرف آب نیست، بلکه ناشی از استفاده به جای آن است. به اعتقاد ما، مصرف مفید آب، بسیار کمتر از کل مصرف آن است و اگر مردم از این نعمت بی همتای الهی با احتیاط و دقت کافی و به جا بهره برداری کنند، پس از مدتی هم شاهد کاهش چشم گیر میزان سرانه مصرف خواهیم بود و هم بهداشت در بهترین سطح خود رعایت خواهد شد.

سوم - نفت و گاز

سوم - نفت و گاز

نفت، مهم ترین منبع تأمین انرژی در جهان معاصر است. همچنین به جهت فرآورده های بی شماری که از آن در زمینه های گوناگون به دست می آید، از آن به «طلای سیاه» یاد می شود.

منابع نفتی، در سطح دنیا و در نقاط مختلف زمین پراکنده است، ولی کشورهای اسلامی از این نظر از غنای بیشتری برخوردارند.

مسلمانان با توجه به نیاز دنیای استکبار به این کالای ارزشمند و با در دست داشتن این سرمایه هنگفت، می توانند به هدف های سیاسی و اقتصادی عظیمی دست یابند و استقلال و رهایی از چنگال سلطه گران و عزت مندی اسلامی را برای خویش به ارمغان آورند. مدتی است محافل جهانی متوجه شده اند که منابع و ذخایر نفتی رو به پایان است و اگر روند مصرف بی رویه ادامه پیدا کند، بشر در مدت کوتاهی این سرمایه عظیم را از دست می دهد و به پی آمدهای سخت آن دچار خواهد شد.

اکنون که با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، اسراف و تبذیرهای بی شمار و حاتم بخشی های طاغوت به قدرت های خارجی در نفت و گاز به پایان رسیده، ده ها سال بر عمر این سرمایه بزرگ ملت ایران افزوده گشته است. نفت و گاز سرمایه ای بزرگ است که مانند امانتی الهی در دست ماست و وظیفه نگهبانی و سپردن آن به نسل های آینده بر عهده دولت و ملت است و حراست از آن تکلیف الهی و فرمان خداوند است. خداوند در قرآن کریم می فرماید: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا...؛ خداوند به شما فرمان می دهد تا امانت ها را سالم به اهل آن بسپارید». (نساء: ۵۸)

چهارم - دیگر منابع

چهارم - دیگر منابع

حفاظت از دریا، رودخانه ها، حیوانات آبی، زمین های مرغوب برای کشت، مراتع، پرندگان و حتی هوا - که ضروری ترین وسیله حیات و بقای بشر است - مواردی است که باید در مصرف آنها دقت کرد.

آیا به راستی آلوده کردن هوا با ماشین ها و وسایل دودزا و غیر آن و از بین بردن گازهای مفید و حیاتی آن و پر کردن هوا از گازهای سمی - که چه بسا جان عده ای را نیز به خطر می اندازد - اسراف و تجاوز از حدّ در استفاده از این نعمت بزرگ الهی نیست؟

می گویند شهر تهران، اولین یا دومین شهر آلوده جهان است و بسیاری اوقات، وزارت بهداشت برای بیماران ریوی و قلبی اعلام خطر می کند. در این شرایط، آلوده کردن هوا از روی بی توجهی، تجاوز و اضرار به دیگران است و با مبانی اسلامی و انسانی سازگار نیست.

دو - اسراف در بیت المال

زیاده روی و تضييع در بیت المال مسلمانان از زشت ترین و معصیت بارترین جلوه های اسراف است. امیرالمؤمنین علی علیه السلام در نامه ای خطاب به یکی از کارگزاران خود می نویسد:

تو در این مالیاتی که می گیری، حق معینی داری و با فقیران و مستمندان شریک هستی. ما حق تو را خواهیم داد و تو نیز حق آنان را پرداز و اگر چنین نکنی، از کسانی به شمار خواهی رفت که بیشترین دشمن را در قیامت داراست. وای بر کسی که دشمن او نزد خداوند، فقیران و نیازمندان و درخواست کننده ها و پس خوردگان از حقوق خویش و زیان دیدگان و در راه مانده ها باشند. آن کس که امانت را کوچک شمرد و تن به خیانت دهد و جان و دین خود را از آن پاک نگه ندارد، خویش را در بیچارگی دنیا گرفتار ساخته و خواری شدیدتر و سخت تر آخرت، در انتظار اوست. همانا بزرگ ترین خیانت، خیانت به امت و زشت ترین ناخالصی ها، ناخالصی پیشوایان و کارگزاران امور است. (۱)

حفاظت از اموال عمومی و بیت المال، نشانه فرهنگ بالا- و تعهد ملت است. برعکس، بی توجهی به مسائل حفاظتی و نگاه داری از اموال بیت المال یا استفاده شخصی از آن، نشانه بی تعهدی است.

جامعه پیشرو، معمولاً در حفاظت از بیت المال - حتی بیشتر از اموال شخصی - از خود حساسیت و دقت نشان می دهد و به آن پای بند است؛ به ویژه آنکه در جامعه انقلابی ما این کار، وظیفه ای است که همگان در

ص: ۸۰

قبال آن مسئولیم. نخست بر دولت اسلامی است که با وضع قوانین شدید و تعهدات محکم و نظارت دقیق، از فرسایش بیت المال جلوگیری کند و از تضييع آن به دست عده ای ناآگاه و بی مسئولیت جلوگیری به عمل آورد. این کار هیچ گاه به معنی سخت گیری و محدودیت در استفاده صحیح و به موقع از وسایل بیت المال نیست، بلکه تضمینی در راستای حفاظت و نگه داری حریم بیت المال از دستبرد خاینان و جاهلان خواهد بود. البته پایه و اساس تمام طرح ها و برنامه ها در این مورد، آگاهی و توجه هرچه بیشتر مردم، به ویژه کارمندان اداره ها و نهادها به این مسئله است. جامعه باید بپذیرد که بی توجهی به اموال عمومی و بیت المال، عملی ضد اسلامی و ملی و مخالف با معیارهای حکومت علوی است. از همین رو، عملی ضدانقلابی است و با سازمان ها و نهادهای انقلابی و دولتی تناسبی ندارد.

برای مثال، وقتی وسیله نقلیه ای به عنوان ملک شخصی در اختیار فردی قرار می گیرد، در طولانی ترین مدت قابلیت کاری، از آن استفاده می شود و حتی پس از سال های طولانی باز هم با قیمتی مناسب در بازار به فروش می رسد. چرا همین وسیله نقلیه اگر در خدمت یک مؤسسه دولتی باشد، در مدتی کوتاه فرسوده و از بهره برداری خارج می شود؟ چرا باید وسایل و لوازم مورد نیاز این گونه مؤسسه ها در کمترین مدت فرسوده شوند و مسئولان آن مرتب وسیله جدید تقاضا کنند؟

برای مثال، رئیس یک اداره برای دفتر کار خود وسایلی نیاز دارد که بنا بر موقعیت و حجم کارش، حدّ خاصی برای آن مقرر شده است. خروج از این حدّ و فراهم کردن محیطی تشریفاتی و لوکس اضافه بر حدّ لازم از بیت المال، نوعی اسراف و خیانت در اموال عمومی خواهد بود. همچنین

مخارج تشریفات کنفرانس ها و سمینارهایی که به مناسبت های مختلف در گوشه و کنار کشور برگزار می شود، حد معین و مقبولی دارد. چنانچه از آن حد بگذرد و این گونه محافل به اسراف و تبذیر آلوده شوند، به جز اینکه سبب بدبینی مردم خواهد شد، غضب الهی را نیز در پی آن خواهد آورد. به این ترتیب، این گونه نشست ها از دست یابی کامل به هدف های خود دور خواهند شد.

فاحش ترین نوع اسراف در اموال عمومی و بیت المال مسلمانان، استفاده در راه گناه کاری، تفرقه پراکنی، تهمت زنی، سودجویی و افشاگری های مخرب است که باید از آن به خدای بزرگ پناه برد.

۶. آثار منفی اسراف

اشاره

۶. آثار منفی اسراف

زیر فصل ها

الف) زیان های فردی

ب) زیان های اجتماعی

الف) زیان های فردی

اشاره

الف) زیان های فردی

اسراف کار علاوه بر زیان های اقتصادی که بر جامعه و ملت تحمیل می کند، زیان های جبران ناپذیری نیز برای خود به بار می آورد:

یک - گرفتار شدن به خشم الهی

یک - گرفتار شدن به خشم الهی

اسراف کار چون تعادل و توازن اقتصادی جامعه را بر هم می زند، از رحمت خدا به دور است و گرفتار خشم خدا می شود. در قرآن مجید آمده است: «إِنَّهُ لَا يَجِبُ الْمُسْرِفِينَ؛ خداوند اسراف کاران را دوست ندارد.» (انعام: ۱۴) امام صادق علیه السلام فرمود: «إِنَّ السَّرْفَ أَمْرٌ يَبْغِضُهُ اللَّهُ؛ اسراف مورد غضب خداست.» (۱)

دو - محرومیت از هدایت الهی

دو - محرومیت از هدایت الهی

خدای متعال - که همواره درهای رحمتش بر بندگان گشوده است - خود را «غَافِرِ الذَّنْبِ وَقَابِلِ التَّوْبِ» (غافر: ۳) معرفی کرده است، ولی نسبت به

ص: ۸۲

۱- وسائل الشیعه، ص ۲۶۲، ح ۱۵.

اسراف کاران می فرماید: «إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَنْ هُوَ مُسْرِفٌ كَذَّابٌ؛ همانا خداوند کسی را که اسراف کار و دروغ گوست، هدایت نمی کند». (مؤمن: ۲۸)

سه - دچار شدن به فقر

سه - دچار شدن به فقر

فقر، روشن ترین اثر اقتصادی اسراف است؛ زیرا اسراف کار بر اثر مصرف ناروای خود هم جامعه را به ورطه فقر می کشاند و هم خود دچار فقر می شود. از این رو، یکی از راه های مبارزه اسلام با فقر و محرومیت، ایجاد هماهنگی اقتصادی و ریشه کن ساختن اسراف است. حضرت علی علیه السلام می فرماید: «الْقَصِيدُ مَثْرَاهُ وَ السَّرْفُ مَتَوَاهُ؛ اقتصاد و میانه روی مایه توانگری و اسراف و ول خرجی مایه فقر و تنگ دستی است.» همچنین فرمود: «سَبَبُ الْفَقْرِ اسْرَافٌ؛ ول خرجی عامل فقر است». (۱)

چهار - هلاکت

چهار - هلاکت

اسراف از هر نوعی که باشد، انسان را به نابودی می کشد. خداوند این حقیقت را در قرآن مجید چنین بیان می فرماید: «ما به وعده هایی که به انبیا و اولیا دادیم، وفا کردیم. سپس آنها را با هر کس اراده کردیم، نجات دادیم، ولی مسرفان و ستمگران را هلاک کردیم.» (انبیاء: ۹۰) حضرت علی علیه السلام نیز می فرماید: «كَثْرَةُ السَّرْفِ تُدْمِرُ؛ اسراف کاری زیاد انسان را به هلاکت می کشاند». (۲)

پنج - کیفر اخروی

پنج - کیفر اخروی

کیفر کسانی که از حدود الهی تجاوز می کنند و اوامر و نواهی خدا را نادیده می گیرند، تنها فقر و تنگ دستی در دنیا نیست، بلکه عذاب اخروی نیز در انتظار آنان است. خداوند در قرآن مجید در این باره می فرماید:

ص: ۸۳

۱- الحیاه، ج ۴، ص ۴۴۰.

۲- فهرست غررالحکم، ص ۱۹۵.

وَكَذَلِكَ نَجْزِي مَنْ أَسْرَفَ وَلَمْ يُؤْمِنْ بِآيَاتِ رَبِّهِ وَلَعَذَابُ الْآخِرَةِ أَشَدُّ وَأَبْقَى. (طه: ۱۲۷)

چنین جزا می دهیم کسی را که اسراف کند و به آیات پروردگارش ایمان نیاورد. عذاب آخرت شدیدتر و پایدارتر است.

در جای دیگر می فرماید: «وَ أَنَّ الْمُسْرِفِينَ هُمْ أَصْحَابُ النَّارِ؛ به راستی، مسرفان اهل دوزخند.» (غافر: ۴۳) به این ترتیب معلوم است وضع افرادی که در مسیر باطل و هرزگی ها دچار اسراف می شوند، چه خواهد بود.

(ب) زیان های اجتماعی

اشاره

(ب) زیان های اجتماعی

زیر فصل ها

یک - کاهش تولید

دو - سقوط اخلاقی

سه - افزایش اختلاف طبقاتی

یک - کاهش تولید

یک - کاهش تولید

جامعه مصرفی رفته رفته قدرت تولید را از دست می دهد و برای تأمین نیازهای خود به بیگانه روی می آورد. این مطلبی است که در دوران حکومت طاغوت برای همه ثابت شده است و نیاز به توضیح ندارد.

دو - سقوط اخلاقی

دو - سقوط اخلاقی

ول خرجی و ریخت و پاش های ناباهه جا و بی مورد، انسان را به ورطه هولناک فساد و تباهی می کشاند. انسان اسراف کار گاهی به مرحله ای می رسد که به هر پستی تن می دهد؛ رشوه می گیرد، دروغ می گوید، ربا می خورد، عفت و شخصیت خود را از دست می دهد و سرانجام کارش به رسوایی می کشد.

سه - افزایش اختلاف طبقاتی

به طور قطع، اسراف کاری یکی از علل اساسی اختلاف طبقاتی است. همچنین وابستگی به بیگانگان و تزییع حقوق دیگران و غفلت از خدا و حریم شکنی را از دیگر پی آمدهای اسراف باید شمرد. علاوه بر اینها،

ص: ۸۴

دغدغه خاطر و گرفتاری های روحی و بیماری های جسمی و روانی از نتایج مسلّم ول خرجی ها و بی بندوباری هاست.

۷. راه های برون رفت از اسراف و تبذیر

اشاره

۷. راه های برون رفت از اسراف و تبذیر

زیر فصل ها

الف) تقویت باورهای دینی

ب) نظارت همگانی

ج) اجرای عدالت

د) پرهیز خواص از تجمل گرایی

ه- معرفی الگوهای مناسب در جامعه

و) سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به عنوان الگوی مناسب مدیران

الف) تقویت باورهای دینی

الف) تقویت باورهای دینی

یکی از شیوه های مهم آموزه های دینی برای مقابله با مفاسد اقتصادی و اخلاقی و تحکیم ارزش های دینی، تقویت باور انسان ها به مبدأ و معاد است. این اعتقاد همچون ناظری درونی، اجرای صحیح دستورهای الهی را تضمین می کند. آیه های مربوط به اسراف، با نهی و نکوهش اسراف و تبذیر، سقوط معنوی و عذاب اخروی اسراف کاران را نشان می دهد. پیشوایان معصوم علیه السلام نیز در روایت هایی، با یادآوری پی آمدهای اخروی اسراف، همگان را از این عمل ناشایست باز می دارند. امام علی علیه السلام می فرماید:

بدانید که بخشیدن نابجای مال، تبذیر و اسراف است که قدر بخشنده را در دنیا بالا می برد و در آخرت پایین می آورد. او را در دیده مردمان گرامی می کند و نزد خدا، خوار. (۱)

تقویت ارزش هایی چون زهد، قناعت، میانه روی و مانند آن، از یک سو و تشویق به مبارزه جدّی با هواپرستی، خودنمایی و فخرفروشی از سوی دیگر، شیوه های درمان درونی اسراف و تبذیر است.

ب) نظارت همگانی

همچنین نظارت همگانی بر رفتار آدمی که در آموزه های دینی با تعبیر امر به معروف و نهی از منکر از آن یاد می شود، از کارآمدترین شیوه های تثبیت ارزش ها و مقابله با مفسد و انحراف هاست. امامان معصوم علیه السلام

ص: ۸۵

۱- نهج البلاغه، خطبه ۱۲۶.

گاهی با نهی صریح و مستقیم و زمانی با واکنش های اخلاقی، بر این امر مهم نظارت داشتند. افزون بر این، خانواده در پرورش شخصیت و عملکرد فردی و اجتماعی آدمی نقش بسیار مهمی دارد. چنانچه بزرگسالان اهل اسراف و تبذیر باشند، خواه ناخواه این روحیه به فرزندان منتقل می شود. ائمه معصوم علیه السلام با دیدن اسراف و تبذیر در خانواده ها، واکنش مناسب و به موقع از خود نشان می دادند. در حدیثی آمده است که امام صادق علیه السلام میوه ای را دید که ناخورده، بیرون خانه ای انداخته شده است. ایشان با ناراحتی فرمود: «این چیست؟ اگر شما سیرید، قطعاً بسیاری از مردم سیر نیستند. آن را به کسی بخورانید که نیازمند است».(۱)

ج) اجرای عدالت

ج) اجرای عدالت

نبود عدالت اقتصادی و جلوگیری نکردن از انباشته شدن ثروت در دست عده ای خاص، از عوامل مهم پدیده اسراف است. از این رو، اجرای عدالت و توزیع عادلانه ثروت، زمینه گسترش آن را می کاهد و یا نابود می سازد. امیر مؤمنان علی علیه السلام عامل اصلاح و سامان دهی امور جامعه را دادگستری می داند و می فرماید: «الرَّعِيَّةُ لَا يُضَيِّلُهَا إِلَّا الْعَيْدَلُ؛ توده های مردم را جز عدالت، اصلاح نمی کند».(۲)

د) پرهیز خواص از تجمل گرایی

د) پرهیز خواص از تجمل گرایی

یکی دیگر از راه های برون رفت از اسراف، دوری خواص و شخصیت های مهم جامعه از زندگی اشرافی و تجملی است؛ زیرا شیوه زندگی آنان بر

ص: ۸۶

۱- نعمان بن محمد تمیمی، دعائم الاسلام، ج ۲، ص ۱۱۵.

۲- غررالحکم و دررالکلم، ص ۳۴.

دیگران اثر می گذارد. هنگامی که برای رسول خدا صلی الله علیه و آله نوشیدنی بسیار گوارایی آوردند، فرمود: «آن را از من دور سازید که این نوشیدنی مترفان است»^(۱).

ه- معرفی الگوهای مناسب در جامعه

ه- معرفی الگوهای مناسب در جامعه

یکی از ویژگی هایی که در وجود هر انسانی به ودیعه گذاشته شده، خصلت الگوپذیری است. بر این اساس، هرکس به نوعی می کوشد تا از شخصیت هایی که در نظر او بزرگ و کامل هستند، پیروی کند و شیوه زندگی آنان را سرمشق زندگی خود قرار دهد.

زندگانی پیامبر بزرگوار اسلام و ائمه هدی علیه السلام مجموعه ای از الگوهای ارزشمند است که می تواند در زمینه فضیلت های اخلاقی و رفتاری همچون قناعت و میانه روی، الگوی دیگران قرار گیرد. همچنین مؤمنان راستین و عالمان ربانی که رهرو راه ائمه هستند و زندگی همراه با ساده زیستی و قناعت دارند، الگوی مناسبی به شمار می روند. زندگی پیامبران عظام و رهبران بزرگ جامعه اسلامی، همواره ساده بوده است؛ زیرا اگر زندگی تجملاتی و پر زرق و برق داشتند، دیگر اقشار مردم نیز به پیروی از آنان سراغ تجمل می رفتند. از این رو، می بایست از رهبری دست می کشیدند؛ چون از نظر اسلام، زندگی پرتجمل، با رهبری که لازمه آن سبک باری و آزادگی است، نمی سازد.

در شرح حال رسول اکرم صلی الله علیه و آله گفته اند: «کان رسول الله خفیف المؤمنه»^(۲)، اولین چیزی که در سیره ایشان به چشم می خورد، این است که سبک خرج

ص: ۸۷

۱- وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص ۶۱۳.

۲- ارشاد القلوب دیلمی، ج ۱، ص ۱۱۵.

بود. در لباس و خوراک و نیز در نشست و برخاست و مسافرت بسیار ساده بود. این منش و رفتار در ابتدای شکل گیری اسلام سبب شده بود که جامعه اسلامی سرشار از معنویت شود و مسلمانان به تجمل توجهی نکنند.

علی علیه السلام در خطبه معروفی، پیامبران عظام را چنین توصیف می کند:

زندگی آنها ساده بود حتی آن پیامبرانی که سلطنت می کردند؛ مثل داوود علیه السلام و سلیمان علیه السلام . داوود علیه السلام با آن همه قدرت و مکتبی که داشت، زندگی شخصی او ساده بود، زره می بافت و همان زرهی را که با دست خودش بافته بود، در بازار می فروخت و از این طریق زندگی می کرد. حضرت عیسی علیه السلام آن چنان آزاد و ساده زندگی می کرد که مرکب او، دوپایش و ابزار او، دو دستش و ماه، چراغ شب او بود. همه پیامبران الهی چنین بودند. آنها چنین زندگی می کردند که می توانستند جامعه خودشان را رهبری کنند. (۱)

در مرتبه پایین تر، علما و دانشمندان جامعه هستند که با دوری از تجمل می توانند مسیر حرکت جامعه را به سمت ساده زیستی هدایت کنند. از بین علما، عالمان دینی وظیفه ای بس دشوارتر بر عهده دارند و در صورتی می توانند مردم را به ساده زندگی کردن و ترک تجمل سوق دهند که خودشان ساده زیست باشند.

ساده زیستی حضرت امام خمینی رحمه الله که به حق از علمای ربانی و وارسته زمانه بود، زبانزد خاص و عام است. ایشان درباره ترک تجمل به روحانیان و مسئولان کشور می فرمود:

ص: ۸۸

۱- مرتضی مطهری، حق و باطل به ضمیمه احیای تفکر اسلامی، ص ۱۶۶.

از اهم مسائلی که باید تذکر بدهم، مسئله ای است که به همه روحانیت و دست اندرکاران کشور مربوط می شود و همیشه نگران آن هستم که مبادا این مردمی که همه چیزشان را فدا کردند و به اسلام خدمت نموده و به ما منت گذاشتند، به واسطه اعمال ما از ما نگران شوند؛ زیرا آن چیزی که مردم از ما توقع داشته و دارند... کیفیت زندگی اهل علم است. اگر خدای نخواست، مردم بینند که آقایان وضع خودشان را تغییر داده اند، عمارت درست کرده اند و رفت و آمدهایشان مناسب شأن روحانیت نیست و آن چیزی را که نسبت به روحانیت در دلشان بوده، از دست بدهند، از دست دادن آن همان و از بین رفتن اسلام و جمهوری اسلامی همان. (۱)

(و) سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به عنوان الگوی مناسب مدیران

(و) سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به عنوان الگوی مناسب مدیران

سیره مدیریتی پیامبر گرامی اسلام می تواند برای مدیران جامعه الگوی مناسبی باشد. حضرت علی علیه السلام در حدیث مفصلی، درباره ساده زیستی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید:

برای تو کافی است که از راه و رسم پیامبر خدا پیروی کنی. سپس به پیامبر پاک و پاکیزه ات اقتدا کن که راه و رسم او سرمشق است برای سرمشق گیرندگان و مایه فخر و بزرگی است برای کسی که خواستار بزرگواری باشد. محبوب ترین بنده نزد خدا، کسی است که از پیامبرش پیروی کند و قدم بر جای پای او بگذارد. و چه بزرگ است! منتی که خدا به وسیله پیامبرش بر ما نهاده و چنین نعمت بزرگی را به ما عطا فرموده است و رهبر و پیشتازی که باید او را پیروی کنیم و پیشوایی که باید در راه او قدم بگذاریم و آن را ادامه دهیم. (۲)

ص: ۸۹

۱- روزنامه کیهان، چهارشنبه ۲۶ تیر ۱۳۶۴، ش ۱۲۴۹۸.

۲- نهج البلاغه، خطبه ۱۶۰.

با اینکه نیازهای اولیه و مادی انسان که لازمه زندگی دنیاست، باید برآورده شوند، رهبران، مسئولان و مدیران باید در انجام تکلیف های الهی خود در شأن مدیریت، از گرفتن پاداش ها و هدیه های سنگین پروا کنند و کارهایی را که به عهده گرفته اند، با قصد قربت انجام دهند و پاداش آن را نیز به خداوند واگذارند.

طبیعی است اگر انسانی تمام ظرفیت و توان خود را وقف خدمت به دین و انجام وظایف الهی کند و از امکانات لازم زندگی محروم باشد، ناگزیر نیازهای ضروری او باید از محل بیت المال تأمین شود. پرسش های اساسی این است که مرز استفاده از بیت المال تا کجاست؟ آیا ممکن است این استفاده، به تکاثر و تجمل گرایی و کاخ نشینی بینجامد؟ آیا به مدیریت در نظام اسلامی باید به دیده طعمه نگریست و آن را وسیله ای برای به دست آوردن هرچه بیشتر ثروت به شمار آورد؟ در پاسخ می توان این روایت امام صادق علیه السلام از سیره امام علی علیه السلام را حجت دانست که می فرماید:

هنگامی که امیرالمؤمنین علی علیه السلام به ولایت رسید، بالای منبر رفت و بعد از سپاس و ستایش خداوند فرمود: «به خدا سوگند، تا درختی در مدینه داشته باشم، درهمی از سهم غنایم شما برداشت نخواهم کرد. باید این را تصدیق کنید».^(۱)

جا دارد که مدیران و کارگزاران، همچون امامان معصوم علیه السلام و پیروان راستین آنها، در مصرف بیت المال دقت کافی کنند تا در روز واپسین و هنگام حساب رسی، دینی بر گردن نداشته باشند؛ چون حساب خداوند

ص: ۹۰

دقیق و دشوار است. تا فردا چگونه نامه خوانان، نامه اعمال شما را بخوانند: «و انا باللّه عائدون؛ و به خدا پناه می بریم» (۱).

ص: ۹۱

۱- در تهیه مطالب این نوشتار از افکار، ایده ها و صحبت های آقای محمدحسن رحیمیان بهره گرفته شده است.

بخش دوم: رفاه زدگی یا ساده زیستی در مصرف

اشاره

بخش دوم: رفاه زدگی یا ساده زیستی در مصرف

زیر فصل ها

فصل اول: جنبه های گوناگون رفاه زدگی

فصل دوم: پی آمدهای نامناسب رفاه زدگی و تجمل گرایی

فصل سوم: سیره عملی بزرگان در پرهیز از اسراف و رفاه طلبی

ص: ۹۳

فصل اول: جنبه های گوناگون رفاه زدگی

اگر فقر و ننداری ناپسند است و انسان به طور طبیعی باید برای آسایش کوشش کند - که عنصر و مؤلفه دوم خوشبختی را شکل می بخشد - چرا رفاه ناپسند شمرده شده است؟ ثروت بسیار و هنگفت چه اشکالی دارد که ناپسند شمرده می شود و از کارکردهای منفی آن سخن می گویند؟ در این بخش از نوشتار می کوشیم تا بر پایه آموزه های قرآنی و تحلیل آن از ثروت، پاسخ درخور و شایسته ای برای این پرسش بیابیم.

۱. زمینه های کسب ثروت و قدرت

۱. زمینه های کسب ثروت و قدرت

رفاه به معنای ثروت و آسایش بی حدود و مرز است و چیزی که در اصطلاح عامیانه از آن به زیر دل زدگی نیز یاد می شود. این مفهوم در کاربردهای قرآنی ناپسند شمرده شده است؛ زیرا نگرش قرآن به مسائل مادی بر پایه اعتدال و میانه روی است. در تحلیل قرآن از زندگی دنیوی، مفهوم خوشبختی و سعادت به معنای آرامش و آسایش (امنیت به مفهوم اعم و کلی آن) است. به همین دلیل، فقر و رفاه در دو سوی اعتدال و میانه روی قرار دارند. اگر هدف از همه کوشش های انسانی، تقرب به خدا به آن معنایی باشد که به دست یابی به آرامش و آسایش دنیوی و اخروی

می انجامد، باید گفت آسایش، بخشی مهم از هدف انسانی را تشکیل می دهد. از این رو، به طور طبیعی از فقر و نداری که نبود آسایش مادی است، می گریزد و به سوی ثروت و سرمایه گرایش می یابد. تلاش دایمی وی برای دست یابی به قدرت و ثروتی است که زمینه های آسایش را در زندگی او فراهم آورد تا یکی از دو بال خوشبختی (یعنی آسایش) تحقق یابد. این کوشش گاه موجب می شود تا شخص به ثروت انبوهی دست یابد.

۲. مفهوم رفاه

۲. مفهوم رفاه

کاربرد این واژه در این نوشتار به معنا و مفهوم خاصی از ثروت است. درحقیقت، آنچه در این کاربرد مورد توجه است، اصل ثروت و مال و سرمایه به عنوان امری خارجی و بیرون از ذات انسان نیست، بلکه مراد، نوعی اندیشه است که در انسان شکل می گیرد و رفتارها و کنش ها و واکنش های وی را هدایت، مهار و جهت دهی می کند. درحقیقت، رفاه در این کاربرد به معنای نسبت میان شخص و ثروت است و اینکه تحلیل وی از داشتن آن چیست و چه تأثیر و تأثیری میان ثروت و ثروتمند و اهل رفاه برقرار می شود. بنابراین، رفاه به معنا و مفهوم اندیشه ای است که در برخی ثروتمندان ایجاد می شود و کارکردها و بازتاب های آن در روح و روان و نیز روحیه و کنش ها و واکنش های وی نمودار می شود. اگر دارندگی، برازندگی است، در مورد این اشخاص به سبب تأثیر منفی دارندگی، به مصیبت و بلا تبدیل می شود و آنان را از دایره انسانیت بیرون می برد و به وجودی خارج از چارچوب های پذیرفته شده انسانی تبدیل می کند.

برای فهم و شناخت این مفهوم از کاربرد رفاه، بهتر است آثار و کارکردهای منفی آن از دیدگاه قرآن را بشناسیم و تحلیل و تبیین آن را بدانیم تا درک واقعی از این مفهوم به دست آید.

۳. فلسفه رفاه زدگی

۳. فلسفه رفاه زدگی

پرسش این است که خداوند چرا و به چه حکمتی چنین فرصت هایی به بشر می دهد؟ بی گمان، خداوند ثروت انبوهی را در اختیار برخی می گذارد تا آنان را بیازماید و امتحان کند. (بقره: ۴۹) البته اعطای امکانات مادی به منافقان از جانب خداوند برای آن است تا آنان را گرفتار عذاب استدراجی کند. (توبه: ۵۵ و ۸۵)

بازگشت به خدا (اعراف: ۱۶۸)، تسلیم در برابر او (نحل: ۸۰ و ۸۱)، شکرگزاری (انفال: ۲۶؛ ابراهیم: ۳۷)، روی آوردن به عبادت (قریش: ۳ و ۴) و هدایت (مائده: ۶۶) از عللی است که قرآن برای دادن امکانات و ثروت به مردم برمی شمارد.

خداوند در برخی آیات تصریح می کند که ثروت و مال را کم کم و در فرآیند زمانی در اختیار بشر قرار می دهد تا جلوی طغیان گری و بغی آنان گرفته شود؛ زیرا دست یابی یک دفعه به سرمایه و ثروت هنگفت، بیشتر مردم را به فساد و تباهی می کشاند. با این همه، آنچه در اعطای ثروت به مردم می توان یافت، مسئله آزمون است؛ به این معنا که خداوند با اعطای ثروت می کوشد تا هرکسی ظرفیت خویش را چنان که هست، نشان دهد. به این ترتیب، کسانی که به رفاه زدگی دچار می شوند و دل به مال دنیا می بندند، از خدا و خلق غافل می شوند.

۴. عوامل رفاه زدگی

اشاره

۴. عوامل رفاه زدگی

زیر فصل ها

الف) عوامل درونی

ب) عوامل بیرونی

الف) عوامل درونی

اشاره

الف) عوامل درونی

زیر فصل ها

یک - پیروی از هواهای نفسانی و وسوسه های شیطانی

دو - احساس ضعف شخصیت

سه - غفلت زدگی

چهار - دنیاگرایی

پنج - فراموشی مرگ و قیامت

شش - چشم وهم چشمی

یک - پیروی از هواهای نفسانی و وسوسه های شیطانی

یک - پیروی از هواهای نفسانی و وسوسه های شیطانی

خداوند متعال در قرآن کریم، هوای نفس انسان را عامل بسیاری از گناهان و خطاها معرفی می کند که در اصطلاح، به آن

«نفس اماره» می گویند. «مراد از نفس اماره همان بعد حیوانی انسان است که به آن تمایلات و غرایز هم گفته می شود و عرفاً آن را بعد حیوانی و ناسوتی می نامند. این بعد حیوانی با جنبه معنوی روح ما دائماً در مبارزه است که از نظر اسلام «جهاد اکبر» نامیده می شود و به فرموده پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، دشمن سرسخت درون ما، نفس اماره است: «أعدى عدوك نفسك التي بين جنبيك؛ نفس اماره بالاترين دشمن است».(۱)

سعدی از این کلام مقدس نبوی چنین تعبیر می کند و می گوید:

تو با دشمن نفس هم خانه ای

چه در بند پیکار بیگانه ای

همچنین در گلستان می گویند: از عارفی معنی این حدیث را پرسیدند که چرا پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «أعدى عدوك نفسك نفسيك؛ نفس خودت بیش از همه با تو دشمن بوده و نسبت به تو خطرناک تر است؟» آن عارف این گونه پاسخ داد: اگر تو به هر دشمنی نیکی کنی و آنچه می خواهی، در اختیارش قرار دهی، با تو دوست می گردد؛ مگر نفس که هرچه بیشتر خواسته هایش برآورده شود، با تو دشمن تر می گردد.(۲)

ص: ۹۸

۱- رازی، تفسیر الرازی، ج ۲۸، ص ۸۳.

۲- نک: علیرضا رستگاران، تجمل گرایی از دیدگاه اسلام.

اگر غریزه تجمل خواهی بر فرد پیروز شود و عقل را اسیر خود کند، خواه ناخواه، عقل تابع جنبه حیوانی می شود و اگر چنین شد، به فرموده قرآن، انسان از هر سگ درنده ای هم برای خود و هم برای جامعه اش، درنده تر خواهد بود: «إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ عِنْدَ اللَّهِ الصَّمَّاءُ الَّذِينَ لَا يُعْقِلُونَ» (انفال: ۲۲) خداوند در آیه ۲۳ سوره جاثیه فرموده است:

أَفَرَأَيْتَ مَنْ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ وَأَضَلَّهُ اللَّهُ عَلَىٰ عِلْمٍ وَخَتَمَ عَلَىٰ سَمْعِهِ وَقَلْبِهِ وَجَعَلَ عَلَىٰ بَصَرِهِ غِشَاوَةً فَمَنْ يَهْدِيهِ مِنْ بَعْدِ اللَّهِ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ.

آیا دیدی کسی را که معبود خود را هوای نفس خویش قرار داده و خداوند، او را با آگاهی بر اینکه شایسته هدایت نیست، گمراه ساخته و بر گوش و قلبش مهر زده و بر چشمش پرده ای افکنده است؟ با این حال، چه کسی می تواند غیر از خدا او را هدایت کند، آیا متذکر نمی شوید!

انسانی که تمام تلاشش در زندگی، دست یافتن به تجمل است و قبله آمال و آرزوهایش رسیدن به لذت بیشتر در این چند روزه دنیا است، از هوای نفس اطاعت کرده و خواست دل را بر خواست خداوند ترجیح داده است.

راستی چه بت خطرناکی است هواپرستی که تمام درهای رحمت و نجات را به روی انسان می بندد و چه پرمعنی است کلام پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله که فرمود: «مَا عُبِدَ تَحْتَ السَّمَاءِ إِلَهٌ أَبْغَضُ إِلَى اللَّهِ مِنَ الْهُوَى؛ هرگز زیر آسمان، معبودی مبعوض تر نزد خدا از هوای نفس پرستش نشده است.» (۱)

در این سخن هیچ گونه مبالغه نیست؛ زیرا بت های معمولی، موجوداتی بی خاصیتند، ولی بت هوا و هوس، اغواکننده و سوق دهنده به سوی انواع

ص: ۹۹

گناه و انحراف است. این بت، ویژگی هایی دارد که آن را مستحق این نام (منفورترین بت ها) کرده است؛ زشتی ها را در نظر انسان زینت می دهد تا آنجا که انسان به اعمال زشت خود می بالد و به مصداق «و هم یحسبون انهم یحسنون صنعا» (کهف: ۱۰۴) به عنوان یک صالح به آن افتخار می کند.

دو - احساس ضعف شخصیت

دو - احساس ضعف شخصیت

یکی دیگر از اسباب رفاه زدگی ممکن است این باشد که شخص از جهت علم و آگاهی و شناخت دچار نقصان است و وقتی این نقص را احساس می کند، می کوشد آن را پوشاند. در این صورت، اگر دارای تمکن مالی باشد با تجمل گرایی و به رخ دیگران کشیدن مال خود، برای جبران آن نقص وجودی خود تلاش می کند یا اگر دارای پست و مقامی باشد، می کوشد به هر صورت که ممکن است، برای پوشاندن آن عیب درونی، با ظاهری موجه، خود را بالاتر از دیگران ببیند و نسبت به زیردستان فخرفروشی کند. حتی این ضعف شخصیت ممکن است به دلیل بی بهره بودن فرد از کمال معنوی باشد؛ به این معنا که شخص آن قدر در گناهان و امور ضد اخلاقی غرق شده است که کرامت و عظمت انسانی خود را از دست می دهد و به تعبیر بعضی از روایات، دچار «هون نفس» (حقارت نفس) می شود. به همین دلیل، گفته اند از شر کسی که احساس حقارت و ضعف نفس می کند، نباید ایمن باشی. (۱)

سه - غفلت زدگی

سه - غفلت زدگی

غفلت، یکی دیگر از عوامل مهمی است که سبب می شود انسان به تجمل گرایی پردازد. غفلت در بسیاری از مواقع، قدرت اختیار را از انسان

ص: ۱۰۰

سلب می کند؛ چون اختیار و انتخاب انسان در جایی تحقق پیدا می کند که انسان به دو یا چند طرف یک موضوع توجه کند و پس از مقایسه و سنجش آنها با یکدیگر، آگاهانه یکی را برگزیند. بنابراین، شرط اساسی انتخاب صحیح آن است که انسان به اطراف موضوع توجه داشته باشد.

انگیزه های غریزی، رفاه زدگان را به کارهایی وادار می کند که در مسیر حقیقت نیست. قرآن از این گروه با عنوان غافلان یاد می کند و غافلان را در حکم چهارپایان به حساب می آورد. خداوند در آیه ۱۷۹ اعراف می فرماید:

وَلَقَدْ ذَرَأْنَا لِجَهَنَّمَ كَثِيرًا مِنَ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ لَهُمْ قُلُوبٌ لَا يَفْقَهُونَ بِهَا وَلَهُمْ أَعْيُنٌ لَا يُبْصِرُونَ بِهَا وَلَهُمْ آذَانٌ لَا يَسْمَعُونَ بِهَا أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أُولَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ.

همانا برای جهنم، بسیاری از جن و انس را آماده کرده ایم که دل هایی دارند که با آنها نمی فهمند و چشم هایی که نمی بینند و گوش هایی که نمی شنوند. آنان چون چهارپایان و بلکه پست ترند. آنان همان غفلت زدگانند. (۱)

گاهی این غفلت از خود و آن مقام رفیع خلیفها للهی است که خدای متعال برای انسان قرار داده است. گاهی غفلت از یاد خداست که منشأ بسیاری از خطاها و گناهان می شود. از نظر قرآن، این دو عامل با هم ارتباط دارند. خداوند در سوره حشر آیه ۱۹ می فرماید: «وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَسُوا اللَّهَ فَأَنْسَاهُمْ أَنْفُسَهُمْ؛ ای کسانی که ایمان آوردید! همچون کسانی نباشید که خدا را فراموش کردند و خدا نیز آنها را به خود فراموشی گرفتار کرد».

بنابراین، فراموش کردن خدا سبب خود فراموشی می شود؛ زیرا از یک سو، فراموشی پروردگار سبب می شود انسان در لذت مادی و شهوت

ص: ۱۰۱

حیوانی فرورود و هدف آفرینش خود را به دست فراموشی بسپارد. از سوی دیگر، فراموش کردن خدا همراه با فراموش کردن صفات پاک اوست که هستی مطلق و علم بی پایان و غنای بی انتها از آن اوست و هرچه غیر اوست، به او و ذات پاکش نیازمند است. همین امر سبب می شود انسان، خود را مستقل و بی نیاز بداند و واقعیت و هویت انسانی خویش را فراموش کند. (۱)

چهار - دنیاگرایی

چهار - دنیاگرایی

از مجموع آیات این گونه فهمیده می شود که سرگرم شدن به امور دنیایی و غافل ماندن از خدا و آخرت مردود است. خداوند در آیات ۲۹ و ۳۰ سوره نجم می فرماید:

فَأَعْرِضْ عَنْ مَنْ تَوَلَّىٰ عَنْ ذِكْرِنَا وَلَمْ يُرِدْ إِلَّا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا ذَلِكَ مَبْلَغُهُمْ مِنَ الْعِلْمِ.

رویت را از کسی که از ذکر ما رو برگردانده است و جز همین زندگی دنیا غرض و هدفی ندارد، برگردان.

علاقه به دنیا، زن و فرزند، مال و ثروت و قدرت، سنت و فطرت الهی و وسیله گردش و چرخش زندگانی این جهان است. اگر این علایق از بشر گرفته شود، چرخ اجتماع انسانی از حرکت باز می ایستد و دیگر زمینه ای برای زندگی دنیا و آخرت باقی نمی ماند. حرکت و کمال آدمی به این علایق وابسته است، ولی سرگرم شدن و بسنده کردن به آنها نه تنها موجب پیشرفت و ترقی نیست، بلکه موجب مزاحمت، رکود و توقف است.

ص: ۱۰۲

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «حُبُّ الدُّنْيَا رَأْسُ كُلِّ خَطِيئَةٍ؛ دوستی دنیا سرآغاز هر انحراف و غفلت است.» علی علیه السلام در نهج البلاغه حکمت ۱۳۳ می فرماید:

الدُّنْيَا دَارٌ مَمَرٌ لَا دَارَ مَقَرٍّ وَالنَّاسُ فِيهَا رَجُلَانُ: رَجُلٌ بَاعَ فِيهَا نَفْسَهُ فَأَوْبَقَهَا وَرَجُلٌ ابْتَعَ نَفْسَهُ فَاعْتَقَهَا.

دنیا گذرگاه است و کسی در او جاویدان باقی نمی ماند. مردمی که در این بازار دنیا می آیند و عبور می کنند، دو دسته اند: یک دسته خود را در این بازار می فروشند و اسیر و محبوس می کنند و یک دسته خود را می خرند و آزاد می سازند.

یک دسته از این دنیا می روند؛ درحالی که هزار قید بندگی در گردن دارند و یک دسته می روند، درحالی که بنده هیچ کس جز خداوند نیستند.

آنان که دوستی دنیا را بر دوستی آخرت ترجیح داده اند، خود را ناخواسته ملتزم به لوازم این دوستی می کنند و به تجمل پرستی - که یکی از لوازم دنیاپرستی است - می پردازند. هرچه این دوستی و علاقه شدیدتر می شود، فرو رفتن در این منجلاّب (تجملات) افزون تر می گردد، تا جایی که وقتی مرگ به سراغ آنها می آید، منفورترین و زشت ترین چیز از نظر آنها، ملاقات با محبوب و معبود واقعی است. اینها همه نتیجه دنیادوستی بیش از حدّ و قاعده ای است که خدای متعال و انبیا و اولیا از آن نهی کرده اند. امیرالمؤمنین علی علیه السلام می فرماید:

مَثَلُ الدُّنْيَا كَمَثَلِ الْحَيَّةِ لِيْنُ مَسُّهَا وَالسَّمُّ النَّاقِعُ فِي جَوْهَرِهَا يَهْوِي إِلَيْهَا الْعَرُّ الْجَاهِلُ وَ يَحْذَرُهَا ذُو اللَّبِّ الْعَاقِلُ. (۱)

ص: ۱۰۳

دنیا به ماری خوش خط و خال می ماند که چون دست بر او کشی، احساس نرمی و گرمی می کنی، ولی اگر به درونش بیندیشی، به زهر مرگ بارش پی می بری. ابله نادان، به طرفش می رود و خردمند دانا از آن می گریزد.

امام صادق علیه السلام نیز می فرماید: «مَثَلُ الدُّنْيَا كَمَثَلِ مَاءِ الْبَحْرِ كُلَّمَا شَرِبَ مِنْهُ الْعَطْشَانُ أَزْدَادَ عَطْشَاهُ حَتَّى يَقْتُلَهُ؛ مَثَلُ دُنْيَا مِثْلُ آبِ دَرِيَا اسْت؛ هر چه تشنه از او بیاشامد، تشنگی را زیادتر کند تا او را بکشد.» (محبت دنیا انسان را به سوی هلاکت ابدی هدایت می کند و مایه تمام پلیدی های باطنی و ظاهری است).

پنج - فراموشی مرگ و قیامت

پنج - فراموشی مرگ و قیامت

یاد مرگ و اعتقاد به اینکه روزی انسان باید تمام وابستگی های خود را در این جهان باقی بگذارد و جسم خاکی و ضعیفش را به دل خاک بسپارد، عامل مهمی در چگونگی نگرش و رفتار انسان در قبال زندگی در دنیا است. در مکتب انسان ساز اسلام به این عامل مهم بسیار توجه شده و انسان ها را به یادآوری مرگ سفارش کرده است. امیرالمؤمنین علی علیه السلام می فرماید:

اَكْثَرُوا ذِكْرَ الْمَيِّتِ عِنْدَمَا تُنَازِعُكُمْ إِلَيْهِ أَنْفُسِكُمْ مِنَ الشَّهَوَاتِ وَ كَفَى بِالْمَوْتِ وَ كَمَا نَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ كَثِيرًا مَا يوصى أصحابه بِذِكْرِ الْمَوْتِ فيقول: اَكْثَرُوا ذِكْرَ الْمَوْتِ فَإِنَّهُ هَادِمٌ لِلذَّاتِ حَائِلٌ بَيْنَكُمْ وَ بَيْنَ الشَّهَوَاتِ. (۱)

وقتی هوای نفس و شهوت سراغتان آمد، مرگ را به یاد آورید که برای شما واعظ خوبی است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله اصحابش را به یادآوری مرگ بسیار سفارش می کرد و می فرمود مرگ را فراوان یاد کنید که لذت ها را از بین می برد و بین شما و شهوت ها مانع می شود.

ص: ۱۰۴

یاد مرگ به انسان کمک می کند در شهوت مال و مقام غرق نشود و همیشه در زندگی خود اندازه ای مشخص و متناسب با نیاز و شأن خود در نظر بگیرد؛ زیرا روزی خواهد رسید که تمام اینها از او پس گرفته خواهد شد. اگر انسان، مرگ و قیامت را فراموش کند، چیزی جز حسرت و اندوه جان کاه نصیب او نخواهد شد؛ زیرا در سایه این غفلت، خود را سرگرم لذت های زودگذر خواهد کرد و به ظاهر دنیا و زرق و برق آن خواهد پرداخت. خداوند در آیه ۷ سوره روم خطاب به این افراد که غفلت ورزیده و فراموش کارند، می فرماید: «يَعْلَمُونَ ظَاهِرًا مِّنَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ عَنِ الْآخِرَةِ هُمْ غَافِلُونَ».

شش - چشم وهم چشمی

شش - چشم وهم چشمی

چشم وهم چشمی، رقابت منفی است که نتیجه آن، گرایش به تجمل و اسراف و اتلاف اموال افراد است. می دانیم در سطح جامعه، افراد به طور طبیعی یا از نظر رفاه زندگی و وضع مادی در موقعیت خوبی قرار دارند یا اینکه در مرتبه پایین تری هستند. انسان در برخورد و ارتباط با این دو دسته چه وظیفه ای دارد و باید کدام را بر دیگری ترجیح بدهد؟ دستور اسلام این است که انسان باید بیشتر با دسته دوم که از نظر مادی در سطح پایین تری هستند، ارتباط داشته باشد و وضعیت آنها را در نظر بگیرد و درباره آنها فکر کند.

به این ترتیب، همواره از زندگی خود، خوش دل و راضی می شود و فارغ از هر دغدغه و اضطرابی شکر خدای خود را به جا می آورد. علی علیه السلام

ص: ۱۰۵

در این زمینه می فرماید: «وَ أَكْثَرُ أَنْ تَنْظُرَ إِلَى مَنْ فُضِّلَتْ عَلَيْهِ فَإِنَّ ذَلِكَ مِنْ أَبْوَابِ الشُّكْرِ؛ بسیار نظر کن به کسانی که بر آنها برتری داری که این مایه شکرگزاری است».(۱)

در مقابل، ارتباط خود را با گروه اول - که ثروتمندان هستند - زیاد نکند و رفت و آمد با آنها به مقدار رعایت فریضه صلّه رحم و اجتناب از گناه قطع رحم باشد. در همان حال هم باید به زرق و برق زندگی آنها چشم ندوزد و به فکر بلندپروازی و به دست آوردن زندگی مانند آنها - از هر راهی - نباشد. در غیر این صورت، زندگی آرام و آسوده خود را به دست خویش، ناآرام می کند و اسیر خواسته های بی پایان نفس می شود. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در این زمینه می فرماید: «مَنْ اتَّبَعَ بَصْرَهُ مَا فِي أَيْدِي النَّاسِ كَثُرَ هُمُهُ وَلَمْ يَشْفِ غَيْظُهُ؛ هر کس به آنچه دست مردم است، چشم بدوزد، اندوهش فراوان شود و سوز دلش درمان نپذیرد».(۲)

ب) عوامل بیرونی

اشاره

ب) عوامل بیرونی

زیر فصل ها

یک - فرهنگ جامعه

دو - تبلیغات تجاری

سه - تحمیل الگوی مصرف غربی

چهار - تجمل گرایی خواص و حاکمان

یک - فرهنگ جامعه

یک - فرهنگ جامعه

فرهنگ جامعه و محیط اجتماعی از عوامل مهمی است که می تواند در ایجاد رفاه و افزایش روحیه رفاه زدگی اثر بگذارد. مقصود از فرهنگ جامعه، مجموع رفتارهای اکتسابی و ویژگی اعتقادی اعضای یک جامعه معین است.(۳)

منظور از محیط اجتماعی نیز عوامل و نیروهای خارج از فرد است که می تواند در رفتار او مؤثر باشد و به این معنا محیط شامل فرهنگ نیز می شود. «محیط اجتماعی از روابط میان افراد یک خانواده آغاز می شود و

١- نهج البلاغه، ج ١٨، باب ٦٩، ص ٤٢.

٢- ترجمه اصول كافي، ج ٤، ص ٣.

٣- بروس كوئن، مباني جامعه شناسي، ترجمه: دكتور توسلي و فاضلي، ص ٥٩.

مدرسه، همسالان، جامعه، فرهنگ، مذهب و وسایل ارتباط جمعی، شغل، مؤسسات، انجمن ها و محافل مذهبی، علمی، هنری و سیاسی، اجتماعات و... را شامل می شود که هر کدام از این محیط ها به عنوان یک عامل مهم روی انسان تأثیر می گذارند که شکل و جهت دهی به رفتار انسان از آن آثار است. یکی دیگر از آن آثار، اثر الگودهی است که عوامل تشکیل دهنده محیط اجتماعی همچون: والدین، همتایان، معلم و وسایل ارتباط جمعی [با] ارائه الگوهایی در زمینه های اخلاق، یادگیری و رفتار... در رشد جنبه های مختلف شخصیت و رفتار انسان ها سهیم می شوند»^(۱).

«تفاوت های شخصیتی میان افراد یک جامعه زیاد است؛ اما نوعی اثر فرهنگی روی شخصیت وجود دارد که هیچ کس نمی تواند از آن برکنار بماند. البته شخص از آزادی عملی که در هر فرهنگی کم و بیش برای افراد وجود دارد، برای سازمان دادن به شخصیت فردی خود استفاده می کند، اما شخصیت اجتماعی او به میزان وسیعی نشان از فرهنگش دارد»^(۲).

با این دو مقدمه می توان به تأثیر محیط و فرهنگ در چگونگی نگرش و رفتار افراد نسبت به مسائل زندگی پی برد. بنابراین، اگر محیط اجتماعی و فرهنگ جامعه با اندیشه قناعت ورزی و ساده زیستی نامساعد باشد و افراد به ارزش های دینی توجهی نداشته و در اندیشه تجمل خواهی و رفاه طلبی باشند، اندیشه هایشان با محیط اجتماعی و فرهنگ اخلاقی آنها سازگار می شود. به دیگر سخن، اندیشه های متعالی خداپرستی و

ص: ۱۰۷

۱- دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، روان شناسی رشد با نگرش به منابع اسلامی، صص ۲۲۱ و ۲۲۳.

۲- عبدالحسین نیک گهر، مبانی جامعه شناسی، ص ۲۷۵.

نوع دوستی جای خود را به خودخواهی و مال پرستی می دهد و به تدریج، روحیه و فرهنگ رفاه طلبی و اسراف ورزی در جامعه رشد می کند.

دو - تبلیغات تجاری

دو - تبلیغات تجاری

تبلیغات تجاری از جمله عوامل اثرگذار در ایجاد روحیه رفاه طلبی است؛ به گونه ای که می تواند در انسان ها احساس نیاز کاذب ایجاد کند و آنها را به سوی خرید کالاهای غیرضروری بکشاند.

برای نمونه، شخصی در شرایط زمانی و مکانی خاصی زندگی می کند و از همه امکانات زندگی بهره مند است و هیچ کمبودی احساس نمی کند. با این حال، تبلیغات تجاری او را چنان مسحور می کند که با وجود داشتن تمامی وسایل و امکانات دیگر، به خرید کالاهای لوکس و تشریفاتی تشویق می شود. این کار در مدت طولانی بر همه جامعه اثر می گذارد و افراد به صورت غیرمستقیم و ناخودآگاه به تجمل گرایی روی می آورند. این حالت، سرآغاز اسراف کاری در هزینه های جاری زندگی است و سبب می شود افراد جامعه درآمد خود را به جای اینکه در راه تولید و کارآفرینی و مصالح عمومی جامعه به کار گیرند، در راه هزینه های اضافی زندگی مصرف کنند.

سه - تحمیل الگوی مصرف غربی

سه - تحمیل الگوی مصرف غربی

استعمار همواره می کوشد برای رسیدن به مقاصد خود - که اسارت و بردگی کشورهای ضعیف به ویژه مسلمان است - الگوهایی در مصرف عرضه کند که به جای استفاده صحیح و عاقلانه از سرمایه زندگی خود، آنان را به راه هایی از مصرف بکشاند که جز فرسایش ثروت و امکانات

ص: ۱۰۸

زندگی آنها ره آورد دیگری برایشان ندارد. ترویج و اشاعه نوعی زمینه فکری و فرهنگی در جامعه برای ایجاد احساس نیاز و ضرورت به مصرف کالاهای تجملی و کم فایده، گسترش روحیه اشراف منشی و مصرف گرایی، انحراف ذهن ها از توجه به واقعیت های زندگی، اعلام پایان روزگار قناعت و زهد و پیراستگی و فرارسیدن دوران مسابقه و رقابت در مصرف و زندگی لوکس و تشریفاتی و القای این ذهنیت که اگر شخصی نتواند به طور فعال در این مسابقه بزرگ، برگ برنده داشته باشد یا پا به پای دیگران حرکت کند، از قافله زندگی عقب مانده و باید به فکر جبران باشد، از برنامه های شوم استعمار است.

غرب این هدف ها را با شیوه های متنوع از قبیل تبلیغ و اشاعه مد گرایی، تنوع طلبی در مصرف و مهم تر از همه، بزرگ و موفق جلوه دادن اشراف و دنیامداران و تجمل گرایان تعقیب می کند. استعمار در این راه، از دولت ها، رادیو، تلویزیون، مجلات، روزنامه ها، سینماها و دیگر ابزار و وسایل ارتباط جمعی، بهره می گیرد و با برنامه ریزی حساب شده و نفوذ در این گونه دستگاه ها و در پیش گرفتن سیاست گام به گام، به سوی این هدف شوم به پیش می رود. غرب از موضوع های ریز و قابل تحمل شروع می کند تا به مسائل بزرگ و اساسی برسد.

یکی از سران کشورهای بزرگ در جواب این پرسش که رمز موفقیت شما در کارهای اجتماعی چیست، گفت: «ما همیشه با برنامه های وسیع و دقیق وارد کار می شویم، ولی کار را از جاهای کوچک شروع می کنیم و پس از احراز موفقیت در گسترش آن می کوشیم و اگر در نیمه راه فهمیدیم

که برنامه ما صحیح نیست، فوراً فرمول کار را عوض می کنیم و کار دیگری آغاز می کنیم» (۱).

استکبار جهانی همیشه تلاش می کند خود را دوست و خیرخواه دیگران جلوه دهد و نیت واقعی خویش را در پس پرده کریه و زشت دوست نمایی ها بپوشاند. انسان بصیر و آگاه در ورای این نقاب، نیت پلید و شوم آنان را می بیند و با دید نافذ خود، در پس این حجاب، دشمنی عمیق و پایان ناپذیر آنها را به اسلام و مسلمانان و ملت های مظلوم درمی یابد.

مشکل بسیاری از کشورهای اسلامی و ملت های تحت سلطه فرهنگی، اقتصادی و سیاسی غرب این است که غریبان را با اینکه دشمن آنهایند، دوست می پندارند و ظاهرکاری ها و ترفندهای دوست مآبانه آنان را به حساب حقیقت می گذارند. این در صورتی است که قرآن کریم به ما می آموزد چگونه باید در قبال این گونه حيله گری ها موضع مناسب بگیریم. به فرموده قرآن، شیطان در مقام اغوا و گمراهی انسان ها به خداوند گفت: «... رَبِّ بِمَا أَغْوَيْتَنِي لِأُزَيِّنَنَّ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ؛ پروردگارا! به آن سبب که مرا از رحمت دور ساختی [من با قیافه دوست نما سراغ بندگانت می روم] و همه زشتی ها را با نقابی زیبا و ظاهری فریبنده در نظرشان جلوه می دهم». (حجر: ۳۹)

خداوند در مقام هشدار به انسان می فرماید: «إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمْ عَدُوٌّ فَاتَّخِذُوهُ عَدُوًّا؛ همانا شیطان دشمن شماست [نکند قیافه حق به جانب و تظاهر به دل سوزی او شما را دچار غفلت سازد و او را دوست خود خیال کنید، بلکه] او را دشمن و بدخواه خود بدانید». (فاطر: ۶)

ص: ۱۱۰

مضمون این دو آیه به طور مستقیم درباره ابلیس و شیطان جنّی است، ولی درحقیقت، ضابطه و دستوری کلی در مورد هر شیطان مزور و دیو فرشته‌نمایی است. بنابراین، می‌توان گفت الگویی که غرب برای مصرف به ملت‌های زیر سلطه و مردم خود معرفی می‌کند، بر سه پایه استوار است:

الف) بهره‌وری هرچه بیشتر؛

ب) رقابت و مسابقه در مصرف؛

ج) تجمل‌گرایی و تشریفات زاید.

محتوای الگوی معرفی شده، در همه جا یکسان است، ولی نتیجه‌ای که استعمار از آن در جامعه خود می‌گیرد، با آنچه در میان ملت‌های غارت‌شده به دست می‌آورد، متفاوت است.

ثمره‌ای که استعمار از اجرای این طرح در کشورهای زیر نفوذ خود کسب می‌کند، عبارت است از: به یغما بردن تمامی امکانات و منابع مادی و معنوی آنها، بدون اینکه از ناحیه آنان، کوچک‌ترین مقاومت و حرکت اعتراض‌آمیزی صورت بگیرد یا حتی به این خیانت و چپاولی که استعمار در مورد ذخایر آنها انجام می‌دهد، توجه و آگاهی داشته باشند. درمقابل بهره‌ای که از مردم خود می‌گیرد، راضی شدن آنان به این تجاوزها و همراه کردن آنها با خود، در این حرکت ظالمانه است؛ زیرا به این وسیله به آنان می‌فهماند ادامه این بر خورداری‌ها و بهره‌وری‌ها، در گرو این دخالت‌ها و غصب و غارت‌هاست. پس اگر بخواهیم زورگویی را کنار گذاریم و تنها به آنچه خود داریم، قناعت ورزیم، باید دست از این زندگی مرفه برداریم و از قله حاکمیت بر سرنوشت جهان به زیر آییم.

ص: ۱۱۱

چهار - تجمل گرایی خواص و حاکمان

از نظر دین مبین اسلام، حاکم اسلامی و مسئولان حکومت باید در امور زندگی خود همچون افراد سطح متوسط و ضعیف جامعه رفتار کنند و از تجمل گرایی بپرهیزند.

اهمیت این مطلب به اندازه ای است که امیرالمؤمنین علی علیه السلام وقتی باخبر شد یکی از کارگزارانش در بصره به نام عثمان بن حنیف انصاری در مجلس جشن عروسی جوانی بصری شرکت کرده که در آن مجلس ریخت و پاش صورت گرفته است، در نامه ای خطاب به عثمان نوشت:

ای پسر حنیف، شنیده ام که یکی از جوانان بصری تو را به شام و شب عروسی خویش خواند و تو شتابان و مشتاق و حریصانه به آن سور و مهمانی رو کرده ای. به من خبر رسید که میزبان خوان الوان گسترده و خورش های گوناگون و رنگارنگ و قدح های شراب گوارا برایت آراسته. حال آنکه می پنداشتم تو به مهمانی و جشن مردمی که ثروتمندان و توانگرانشان نیازمند و فقیر را از خویش به خواری دور می کنند، نمی روی. در آن خورش هایی که چه شیرین و دندان گیر و دهان خواه است، بنگر. آنگاه آنچه را که پاکی و ناپاکی اش بر تو آشکار نیست، مخور و هرچه به راه پاک و خیر به دست آورده ای و روا بودنش بر تو اعیان است، بخور.

آگاه باش! برای هر مسلمانی، پیروی پیشوایی است که باید از او پیروی کند و به نور او فروغ گیرد. اینک بدان که مراد و پیشوای تو، پوشاک دنیایی اش، جامه ای پاره و پشمین و طعامش خوراکی تلخ و قرص نانی جوین است و پیوسته به این چیزها اکتفا می کند. هرچند شما آن توانایی را ندارید که چنین زندگی کنید، ولی مرا به زهد و پاک دامنی و کوشش در راه حق و عدالت یاری کنید. به خدا سوگند! در این دنیا، درهم و

دینار و طلایی نیندوخته و از غنایم آن، ثروتی پس انداز نکرده ام و به جز این ردای کهنه که به تن دارم، جامه دیگری برای خویش تدارک ندیده‌ام... اگر بخواهم، برایم سهل و آسان است که از شهدهای پاک و مغز نان گندم و جامه های زربافت و ابریشمین، بهره بگیرم، ولی من دستم را از دامان این آرزوهای فریبنده کوتاه کرده‌ام و کجا مرا رغبتی است که با حرص و ولع، دهان و کام به طعام های خوش گوار و شیرین آشنا کنم؟ و حال آنکه شاید باشد کسی در حجاز و یمامه که حرص و آزی به سیری یا طمعی به قرص نانی نداشته باشد. چه سود که من با شکمی پر، شب به روز آورم و در گردن، شکم های گرسنه و جگرهای تشنه فراوان باشد. چه فایده که همچون کسی باشم که سراینده ای وضعش کرده است: «این درد تو را بس که شب با شکمی پر به خواب روی درحالی که پیرامونت کسانی باشند که حتی پاره پوستی آرزو کنند و گلیمی بهر خفتن نیابند.» آیا مرا این سخن کفایت می کند که گویند «پیشوای مؤمنان است؟» آیا نباید در مصایب روزگار با مردم هم درد شوم و در شرننگ ها و ناگواری های زندگی، پیشاهنگ آنان باشم. (۱)

عثمان بن حنیف ریخت و پاشی نکرده بود، بلکه در مجلسی اسراف گرایانه شرکت کرده بود. این سخنان گواه مسئولیت خطیری است که بر عهده حاکمان اسلامی است و نشان می دهد که حاکمان نه تنها نباید خود اهل اسراف و تجمل و ریخت و پاش باشند، بلکه اطرافیان آنها و افرادی که با آنها در ارتباط هستند، باید از این عیب بری باشند. حضرت در قسمتی از این نامه فرموده است، من پیشوا و امام تو هستم و باید مرا در عمل کردن به حق و عدالت یاری کنی.

ص: ۱۱۳

آن حضرت در کوفه، مرکز حکومت خود نیز مردم را خطاب قرار داد و فرمود:

ای مردم کوفه! اگر دیدید که من از شهر شما بیرون رفتم، به غیر از آن وضعی که قبلاً داشتم، مثلاً لباس و خوراک من یا مرکب و غلام من عوض شده و در مدت حکومتم، زندگی مرفه برای خود درست کرده ام، بدانید که من در حکومت به شما خیانت کرده ام. (۱)

علی علیه السلام با این تعبیرهای حکیمانه خود شیوه زمام داران مسلمان را در هر زمان و شرایطی به تصویر می کشد و مسیر صحیح و کامل اسلامی را به مسلمانان نشان می دهد. ایشان در مدت بسیار کوتاهی که زمام امور خلافت را در دست گرفت، درس های بزرگی به تمام مسئولان و مدیران جامعه اسلامی داد و در صحنه عمل برای اقامه حکومت عدل اسلامی که خواسته تمام عدالت خواهان و آزادگان عالم است، کوشید و جان عزیزش را نثار کرد.

ممکن است بعضی دچار این توهم شوند که زمام داران به دلیل مقام و موقعیت اجتماعی خود یا فضایل و کمالات معنوی از قبیل سابقه بیشتر، علم بیشتر یا تقوا و جهاد و امثال اینها مجاز هستند هرگونه که خواستند از بیت المال مصرف کنند. امام صادق علیه السلام می فرماید:

تمام مسلمانان فرزند اسلامند و من در تقسیم بیت المال میان آنان فرقی نمی گذارم و فضایل و کمالات معنوی آنها مربوط به قیامت است، نه مربوط به بهره گیری بیشتر از بیت المال. (۲)

ص: ۱۱۴

۱- بحار الانوار، ج ۴۱، ص ۱۳۷.

۲- وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۸۱.

فصل دوم: پی آمدهای نامناسب رفاه زدگی و تجمل گرایی

همه می دانیم که هر پدیده اجتماعی، آثار و نتایجی به دنبال خود می آورد و در بعضی موارد، بر کنش ها و واکنش های نسل آینده جامعه نیز اثر می گذارد و آن را دگرگون می سازد.

رفاه زدگی و تجمل گرایی بسیار زیان بار است و آثار آن به صورت مستقیم یا غیرمستقیم در کوتاه مدت یا درازمدت در جامعه بر جای خواهد ماند. اکنون با در نظر گرفتن آیات قرآن کریم و سخنان امامان معصوم علیه السلام و اشاره به برخی رخدادهای تاریخی در این زمینه، مهم ترین آفت ها و پی آمدهای منفی پدیده رفاه زدگی و تجمل گرایی را برخواهیم شمرد.

۱. تباهی سرمایه های مادی

۱. تباهی سرمایه های مادی

رفاه زدگی و تجمل گرایی سبب می شود فرد بیشتر از آنچه تولید می کند، مصرف کند. به این ترتیب، در سطح وسیع تر، جامعه ای که به کج راه رفاه زدگی و تجمل گرایی گام نهاده است، جامعه ای مصرف زده خواهد بود؛ یعنی با مصرف شدن بیشتر منابع و امکانات آن، دیگر در تولید و سرمایه گذاری، قدرت کافی نخواهد داشت.

اسلام از گرایش فطری بشر به زیبایی آگاه است. به همین دلیل، برآوردن این نیاز طبیعی و فطری را در محدوده شریعت و عقل تأیید

می کند، ولی فراتر از این محدوده را نهی کرده است؛ زیرا هدر دادن ثروت و اموال برای تجمل گرایی مجاز نیست. امام رضا علیه السلام در روایتی فرموده است: «إِنَّ اللَّهَ يُبْغِضُ الْقَيْلَ وَالْقَالَ وَإِضَاعَةَ الْمَالِ وَكَثْرَةَ السُّؤَالِ؛ خداوند قیل و قال (گفتار بیهوده) و تباه سازی اموال و درخواست کردن فراوان را دوست ندارد». (۱)

تباه کردن اموال که در این روایت به آن اشاره شده است، مفهوم و گستردگی ویژه ای دارد. به همین دلیل، هرگونه تباهی، نابودی و فساد در اموال را دربرمی گیرد.

تباهی مال ممکن است بر اثر اسراف کاری، مصرف بیش از اندازه، تجمل گرایی، ناآگاهی، نبود تخصص و مهارت در مدیریت مالی، بی توجهی به مسائل زندگی و سهل انگاری در به کارگیری اموال و امثال آن پدید آید. چنین پدیده ای به تباهی سرمایه های زندگی، اختلال در انجام دادن مسئولیت های خانوادگی و اجتماعی و تزلزل در حرکت معنوی انسان می انجامد؛ زیرا سیر و عروج معنوی در این جهان با ابزار مادی و شرایط طبیعی صورت می گیرد. در حدیث مشهور نبوی آمده است: «فَلَوْلَا الْخُبْزُ مَا صَلَّيْنَا وَ لَا صُمْنَا؛ اگر نان نباشد؛ نه می توانیم نماز بخوانیم و نه می توانیم روزه بگیریم». (۲)

خداوند در قرآن کریم درباره حفظ اموال و تباه نکردن آن می فرماید: «وَلَا تُؤْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَامًا؛ اموال خود را که خدا آن را مایه پایداری و برپا بودن شما قرار داده است، به دست سفیهان نسپارید.» (نساء: ۵) خداوند در جمله «الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَامًا» می فرماید: قوام زندگانی و اجتماعاتان به سرمایه های شماست و بدون آن نمی توانید کمر راست کنید. پس آن را به

ص: ۱۱۶

۱- بحارالانوار، ج ۷۵، ص ۳۳۵.

۲- فروع کافی، ج ۵، ص ۷۳.

دست سفیهان نسیارید. از این تعبیر، اهمیتی که اسلام برای مال و حفظ آن قائل است، به خوبی روشن می شود.

۲. زمینه سازی برای گناهان

۲. زمینه سازی برای گناهان

تجمل گرایی، زمینه را برای انجام بسیاری از گناهان مانند: غرور، حسد، طمع، شهوت پرستی و کینه توزی آماده می سازد. خدای متعال می فرماید:

همانا بدانید که زندگانی دنیا، بازیچه و سرگرمی کودکانه است و آرایش و تفاخر و خودستایی با یکدیگر و حرص افزودن بر مال و فرزندان است... دنیا جز متاع فریب و غرور چیزی نیست. (حدید: ۲۰)

اسلام، مصرف هر کالایی را به انگیزه فخرفروشی و خودنمایی به دیگران یا برای رقابت و چشم و هم چشمی، ناپسند می داند. داشتن چنین انگیزه هایی در مصرف تا آنجا محکوم است که پیشوایان الهی، مردم را از مصداق های پیش پا افتاده و ساده آن نیز نهی کرده اند.

امیرالمؤمنین علی علیه السلام در تفسیر آیه ۸۳ سوره قصص: «تِلْكَ الدَّارُ الْآخِرَةُ نَجْعَلُهَا لِلَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ وَلَا فَتًى؛ آءَا؛ آن خانه آخرت را برای کسانی قرار می دهیم که نمی خواهند در زمین برتری جویی و تبه کاری کنند.» چنین فرموده است:

اگر کسی از اینکه بند کفش او بهتر از بند کفش دوستش باشد، خرسند شود، داخل عنوان این آیه می شود. (او از کسانی به شمار می رود که خواهان برتری اند). (۱)

در روایت دیگری از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آمده است:

هرکس لباسی بپوشد و در آن اظهار بزرگی کند، خداوند او را به وسیله آن از لب دوزخ فرو می کشد و او همراه قارون خواهد بود. (۲)

ص: ۱۱۷

۱- تفسیر نورالثقلین، ج ۴، ص ۱۴۴، ح ۱۲۴.

۲- مکارم الاخلاق، ص ۴۹۵، فی ذکری مناهی النبی صلی الله علیه و آله .

این دو روایت، افرادی را دربرمی گیرد که به انگیزه فخرفروشی یا تجمل گرایی، چنین کاری انجام دهند.

۳. گسترش فقر در جامعه

۳. گسترش فقر در جامعه

بی توجهی به میانه روی در دخل و خرج زندگی و تجمل گرایی، زمینه های پیدایش فقر را فراهم می آورد. در یک زندگی اقتصادی و سالم، درآمد شخص یا جامعه از هزینه آن کمتر نیست یا دست کم با آن برابر است.

امام علی علیه السلام درباره اندازه نگه نداشتن خرج زندگی و زیاده روی در مصرف می فرماید: «اندازه نگه نداشتن در معیشت، سبب فقر و نیازمندی انسان می شود.»^(۱) چه بسیارند افرادی که با رنج و زحمت، اشرافی گری پیشه می کنند و به زیاده روی در مصرف روی می آورند. چنین افرادی پس از مدتی به سبب این زیاده روی و ترک اندازه نگه داری در معیشت، به فقر مبتلا می شوند.

امیرالمؤمنین علی علیه السلام برای جلوگیری از پدید آمدن چنین وضعیتی می فرماید:

خدای سبحان، روزی فقیران را در مال و توانگری قرار داده است. پس هر جا بینوایی گرسنه است، حق او در سفره رنگین اغنیاست و خدای متعال از توانگران بازخواست خواهد کرد.^(۲)

امام صادق علیه السلام در این باره می فرماید: «مردم، فقیر و محتاج و گرسنه و برهنه نمی شوند، مگر به دلیل گناهان و ستم کاری توانگران.»^(۳)

ص: ۱۱۸

۱- بحارالانوار، ج ۷۱، ص ۳۴۷.

۲- نهج البلاغه، حکمت ۳۲۸.

۳- وسائل الشیعه، ج ۹، ص ۱۲.

۴. تبدیل ارزش به ضد ارزش

۴. تبدیل ارزش به ضد ارزش

تبدیل باورها و ارزش های دینی و مذهبی به ضد ارزش، یکی دیگر از پی آمدهای رفاه زدگی و تجمل گرایی است. با گسترش تجمل گرایی، ارزش هایی که دین بر آنها تأکید کرده است و هر انسان عاقلی آنها را می پذیرد و حتی تجربه پیشینیان آن را به اثبات رسانده و در تار و پود جامعه دینی و مذهبی، ریشه دوانده است، نابود می شود. در جامعه ای که تمام تلاش اعضای آن، دست یابی به رفاه و تجمل باشد، زهد، قناعت، انفاق و ایثار جایگاهی نخواهد داشت؛ زیرا همه این ارزش ها مخالف خواست و میل آنان است و هیچ کدام برای آنها ارزش ندارند.

تجمل پرستی در میل درونی انسان به اندوختن مال و زینت های مادی ریشه دارد. خداوند در قرآن می فرماید:

موسی علیه السلام گفت: پروردگار ما! تو فرعون و اشراف وابسته او را در زندگی دنیا، زیور و دارایی داده ای که با آن، مردمان ما را از راه تو گمراه کنند. خدایا! دارایی آنان را نابود ساز. (یونس: ۸۸)

امام رضا علیه السلام درباره این گونه افراد فرموده است:

مال دنیا جمع نمی شود مگر با پنج خصلت: بخل بسیار، آرزوهای دراز، چیرگی آزمندی؛ ترک صله رحم و رسیدگی به بستگان تنگ دست؛ دنیاپرستی و فراموش کردن آخرت. (۱)

۵. کاهش معنویت در جامعه

۵. کاهش معنویت در جامعه

انسان در جهان مادی از آغاز آفرینش تا زمان مرگ، با طبیعت و بسیاری از عناصر مادی، ارتباط مستقیم دارد. از این رو، نسبت به جهان مادی، گونه ای انس و الفت پیدا می کند و در پرتو این ارتباط نزدیک، از لذت های مادی و

ص: ۱۱۹

طبیعی این جهان بهره مند می شود تا جایی که به این حیات مادی و طبیعی، عشق و علاقه می ورزد. بسیاری از انسان ها بر اثر شدت علاقه، هدف اصلی از آفرینش این جهان و خویشتن را به فراموشی می سپارند و به هیچ قیمتی حاضر نیستند ذره ای از این لذت های مادی را از دست بدهند.

تجمل گرایانی که فریفته و دل باخته تجمل شده و از امور معنوی فاصله گرفته اند، نمونه این دسته از انسان ها هستند. اکنون هرچه افراد بیشتری در یک جامعه چنین بینشی داشته باشند، به همان نسبت، افول معنویت در سطح وسیعی از جامعه گسترش می یابد. این موضوع از نظر تاریخی نیز قابل بررسی است. پس از رحلت پیامبر اسلام، خلفا در خلافت و رهبری جامعه اسلامی از سیره و سنت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فاصله گرفتند. همین امر سبب شد معنویت در جامعه اسلامی رنگ ببازد و آثار منفی آن تاکنون نیز جوامع اسلامی را رها نکرده است. خداوند درباره این تجمل پرستان و دوستداران زیبایی های دنیوی می فرماید:

کسانی که [فریفته زخارف و زینت های دنیایی شده اند و] زندگی این دنیا را بر آخرت ترجیح می دهند [و نفس خود را از پیروی سنت خدا و پای بندی به دین او باز می دارند] و مردم را از راه خدا منحرف می کنند و در پی آن هستند که برای سنت و دین خدا، کجی پیدا کنند [تا دشمنی خود را موجه جلوه دهند و مردم را راضی کنند تا به هر سنتی از سنت های اجتماعی و بشری، هر قدر هم خرافی باشد، عمل کنند] گمراهی برای آنان حتمی می شود». (ابراهیم: ۳)

خداوند درباره این مرحله فرموده است: «أُولَئِكَ فِي ضَلَالٍ بَعِيدٍ» (۱).

ص: ۱۲۰

۶. از بین رفتن آرامش واقعی

از بین رفتن رفاه و آرامش حقیقی افراد، پی آمد رفاه زدگی و تجمل گرایی است که خسارت های بسیاری چون تزلزل در نظام خانوادگی و روابط اجتماعی را به همراه دارد. تجمل گرا همیشه در پی مُید و تهیه امکانات و وسایلی است که از تازگی برخوردار باشند. از این رو، در جریان تغییر مد و تکاپو برای تغییر دادن وسایل و لوازم زندگی همواره در تنش و اضطراب روحی به سر می برد. افزون بر آن، حرص دست یابی به امور تجملی و آمال و آرزوهای طولانی تمام وجودش را فرامی گیرد و سبب می شود غمی جان کاه، او را به شدت بیازارد.

حضرت علی علیه السلام می فرماید: «مال [دوستی] اهداف عالی انسانی را فاسد و آرزوهای طولانی را زیاد می کند.»^(۱) این سخن، عام است، ولی نظر به اینکه تجمل گرایان در شمار مال دوستان هستند، تجمل پرستان را نیز دربرمی گیرد. ایشان در جای دیگری فرموده است:

کسی که قلبش از محبت دنیا پر شود، سه چیز با قلب او آمیخته می شود: رنجی که رهایش نمی کند، حرصی که ترکش نمی کند و آرزویی که به آن نمی رسد.^(۲)

انسان آگاه و هوشمند از فرجام چنین افرادی عبرت می گیرد و زندگی خود را بر اساس آموزه های دین مبین اسلام طرح ریزی می کند. این سخن امیرالمؤمنین علی علیه السلام را نیز با تمام وجود می پذیرد که فرمود:

اگر صلاح در نفس را می خواهی، بر تو لازم است که به میانه روی، قناعت و ساده زیستی رفتار کنی.^(۳)

ص: ۱۲۱

۱- غررالحکم و دررالکلم، ج ۱، ص ۳۷۴.

۲- غررالحکم و دررالکلم، ج ۵، ص ۳۵۹.

۳- غررالحکم و دررالکلم، ج ۳، ص ۱۹۲.

از نظر اجتماعی، فرد تجمل گرا افزون بر مشکلات روحی و روانی که خود به آن گرفتار است، دیگران را نیز به میدان رقابت بیهوده برای افزایش مصرف گرایی می کشاند و جامعه را دچار کشمکش ها و تضادهای درونی و اخلاقی می کند. صفات زشتی مانند: حسد، کینه، طمع و خشم، بر گفتار و کردار فرد اثر می گذارد و روابط خانوادگی و اجتماعی آنان را به پرخاشگری و آشوب و اختلاف تبدیل می سازد. به طور کلی، تجمل گرایان، موجوداتی مغرور و متکبرند که همواره در پی برتری جویی و به استضعاف کشاندن و تحقیر دیگران هستند.

۷. ناتوانی در انجام وظیفه

۷. ناتوانی در انجام وظیفه

از نظر دین مبین اسلام، هر مسلمان در جامعه اسلامی، در برابر خود و اجتماعی که در آن زندگی می کند، وظایفی بر عهده دارد. اگر شماری از اعضای این جامعه به تجمل گرایی سرگرم شوند، خواه ناخواه از وظایف شان در بعضی موارد باز می مانند و به خود و دیگران آسیب می رسانند.

تجمل پرستانی که اسیر زنجیرهای مادیات گشته اند، در انجام وظایف دچار کوتاهی می شوند؛ زیرا پرداختن انسان به امور فرعی، او را از توجه به امور مهم در زندگی فردی و اجتماعی باز می دارد. سستی فرد تجمل پرست در انجام وظایف، در از دست دادن بینش حقیقی وی برای درک آن وظیفه ریشه دارد که آن نیز پی آمد طبیعی علاقه مندی کورکورانه به مادیات است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرموده است:

ص: ۱۲۲

کسی که به دنیا عشق و علاقه بورزد و آرزوهای طولانی برای خود پیروراند، خدا قلب او را به هر اندازه ای که نسبت به دنیا علاقه بورزد، کور می کند. (۱)

۸. فراموشی یاد خدا و قیامت

۸. فراموشی یاد خدا و قیامت

غفلت، یکی دیگر از پی آمدهای تجمل گرایی است که انسان را از هستی بخش خود، جدا و به امور پست و حقیر، سرگرم و وابسته می کند. انسان یا جامعه تجمل گرا به دلیل دل سپردن به سرگرمی های ساختگی و روزانه زندگی مادی، از مبدأ و مقصد خود غافل می شود و خدا و آخرت را فراموش می کند. خداوند در قرآن می فرماید: «يَعْلَمُونَ ظَاهِرًا مِّنَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ عَنِ الْآخِرَةِ هُمْ غَافِلُونَ؛ آنان تنها ظاهری از زندگی دنیا را می دانند و از آخرت بی خبرند.» (روم: ۷)

مجموعه ای از سرگرمی ها و لذت های زودگذر و خواب ها و خیال ها، تمام برداشت آنان را از زندگی دنیایی تشکیل می دهد و همین سطحی نگری، آنان را از مسیر و هدف اصلی گمراه می کند و به سقوط می کشاند. اگر آنان از باطن زندگی دنیا و زرق و برق های آن آگاه بودند، می توانستند آخرت را به راحتی بشناسند؛ زیرا اندکی دقت در این زندگی زودگذر نشان می دهد این دوره حتماً مرحله ای از یک مسیر بزرگ است؛ همان گونه که دقت در زندگی دوران جنینی نشان می دهد این دوره، هدف نهایی این زندگی نیست.

در روایتی از امام صادق علیه السلام آمده است:

ص: ۱۲۳

بزرگ ترین فساد این است که انسان به غفلت از خدا راضی شود. این فساد از طولانی بودن آرزو و حرص و کبر پدید می آید. خداوند عزوجل در داستان قارون می فرماید: «در زمین آرزوی فساد نکن. همانا خداوند مفسدان را دوست ندارد.» این خصلت ها در وجود و اعتقاد قارون بود و اصل این خصلت ها [ناشی از دوستی زیاد] دنیا و جمع آنهاست. (۱)

امام سجاد علیه السلام از خداوند درخواست می کند: «خدایا! آن مال و ثروتی را که برای من اوهام ایجاد می کند یا به گناه می انجامد، از من دور کن.» (۲)

۹. ورشکستگی و بدهکاری

۹. ورشکستگی و بدهکاری

بیشتر ورشکستگی ها و بدهکاری های اقتصادی به دلیل رعایت نکردن میانه روی در دخل و خرج است. تجمل پرستانی که دل در هوا و هوس دنیایی دارند، زمانی به خود می آیند که کار از کار گذشته و دیگر راهی برای بازگشتشان باقی نمانده است. کم نیستند کسانی که با دست دراز کردن به طرف دیگران می کوشند زندگی ساده و معمولی خود را به پای زندگی اشراف و اعیان برسانند. به همین دلیل، ناچار می شوند همه سرمایه های خود را در این دنیا به بهای ناچیز، برای تجمل پرستی قربانی کنند.

دل های تشنه ای که در حسرت جرعه ای از سراب تجمل، به قناعت و میانه روی پشت کنند، روز به روز بدهکارتر می شوند و تا پایان عمر احساس بی نیازی نخواهند کرد. امام کاظم علیه السلام در این باره می فرماید:

کسی که میانه روی داشته باشد و قناعت کند، نعمت ها [و اموال] خود را از دست نخواهد داد. در مقابل، کسی که اسراف و تبذیر کند، نعمت ها را از دست می دهد [و محتاج دیگران می شود]. (۳)

ص: ۱۲۴

۱- سفینه البحار، ج ۲، ص ۱۶۳.

۲- صحیفه سجادیه، ص ۱۵۴. «و کان من رعائه فی المعونه».

۳- الحیاه، ج ۴، ص ۲۳۵.

۱۰. رویارویی با حق و حقیقت

۱۰. رویارویی با حق و حقیقت

انسانی که به دنیا وابسته است و از ساده زیستی به تجمل گرایی روی می آورد، کم کم احساس بی نیازی می کند؛ زیرا همه چیز را فراهم شده و در دسترس می بیند. به این ترتیب، چنان روحیه خودخواهی و غرور بر او چیره می شود که جز خود نمی تواند کس و چیز دیگری را قبول داشته باشد و با قدرت تمام با آن می ستیزد. خداوند متعال در قرآن می فرماید:

ما در هیچ شهر و دیاری، پیامبری انذارکننده نفرستادیم مگر اینکه مترفان آنان (همان کسانی که مست ناز و نعمت بودند) گفتند: ما به آنچه شما فرستاده شده اید، کافر هستیم. (سبأ: ۳۴)

مترفون در این آیه، جمع مترف از ماده «ترف» به معنی تنعم است. مترف به کسی می گویند که فرونی نعمت و زندگی سرشار از رفاه، او را مست و مغرور و غافل کرده و به طغیان گری واداشته است. (۱)

مترفان طغیان گر و غافل معمولاً در صف نخست مخالفان پیامبران بودند؛ زیرا آموزه های پیامبران الهی، مزاحم کام جویی ها و هوس رانی های آنان بود. همچنین پیامبران از حقوق محرومانی دفاع می کردند که مترفان با غصب حقوق آنان توانسته بودند به این زندگی پر زرق و برق و تجملاتی برسند. افزون بر آن، این گروه همیشه برای پاسداری از مال و ثروتشان، قدرت حکومت را یدک می کشیدند، درحالی که پیامبران در برابر آنان می ایستادند. به همین دلیل، آنان بی درنگ به مبارزه برمی خاستند.

۱۱. گرفتار شدن به عذاب الهی

۱۱. گرفتار شدن به عذاب الهی

یکی دیگر از پی آمدهای رفاه زدگی و تجمل گرایی، عذاب دردناک خداوند در فردای قیامت است که دامن گیر تجمل پرستان خواهد شد؛ زیرا قیامت،

ص: ۱۲۵

سرای حساب رسی به تک تک اعمال بندگان خدا خواهد بود و در برابر هر عملی که بندگان انجام داده باشند، ثواب یا عقابی داده خواهد شد.

بزرگان و اولیای دین همواره مسلمانان را نسبت به در اختیار داشتن مالی بیش از نیاز برحذر داشته اند؛ زیرا ممکن است نتوانند آن گونه که شایسته است، حق آن را به جا آورند. امام صادق علیه السلام می فرماید: «هر ساختمانی که بیش از احتیاج باشد، در روز قیامت بر دوش صاحبش خواهد بود» (۱).

امام کاظم علیه السلام از پدرانش و آنان از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل کرده اند:

هرچه بنده ای خود را به سلطان ستم کار نزدیک و نزدیک تر کند، از خداوند دور و دورتر شده است و هرچه مال و ثروتش بیشتر شود، حساب و کتابش نزد خداوند سخت تر می شود (۲).

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز به ابن مسعود می فرماید:

ای ابن مسعود! پس از من، اقوامی می آیند که طعام های پاکیزه و رنگارنگ می خورند... و خانه ها و کاخ هایی بنا می کنند و مساجد را به زیورآلات می آریند. تمام همت آنان برای دنیاست که به آن دل بسته و اعتماد کرده اند. شرف آنان به درهم ها و دینارهاست و تلاششان برای شکم است. آنان بدترین بدها هستند که فتنه از آنان برمی خیزد و به خودشان برمی گردد (۳).

۱۲. استکبار

۱۲. استکبار

از جمله آثار منفی رفاه زدگی و رفاه طلبی که با رفتارهای هنجاری انسان ارتباط دارد، مسئله کارکرد اجتماعی رفاه است. قرآن شخص رفاه زده را

ص: ۱۲۶

۱- مکارم الاخلاق، ص ۱۲۷.

۲- سفینه البحار، ج ۲، ص ۳۴۷.

۳- الحیاه، ج ۳، ص ۲۹۴.

شخصی مستکبر می شمارد و رفاه زدگی را از عوامل استکبارورزی اشخاص در جامعه می داند. اشخاص رفاه زده در رفتار اجتماعی با دیگران رفتاری استکباری دارند؛ یعنی به سبب ثروت و رفاه زدگی، به دیگران فخر می فروشند. (هود: ۱۰) از مردم، خدا و عبادت کناره می گیرند و برتری خود را به رخ همگان می کشند. (اسرا: ۸۳؛ فصلت: ۵۱؛ فجر: ۱۵) از این رو، قرآن، خاستگاه تفاخر را در رفاه زدگی انسان می جوید و در آیه ۱۰ سوره هود و آیه ۷۹ سوره قصص، پیدایش حالت تفاخر و اظهار آن را در پی بهره مندی انسان از رفاه زدگی می شمارد. شادمانی غرورآمیز این انسان ها در زندگی دنیا به سبب رفاه زدگی و ثروت بی شماری است که فکر و جانشان را دربر گرفته است. (انعام: ۴۴؛ هود: ۹ و ۱۰؛ رعد: ۲۶) این حالت نمی گذارد تا غم و درد دیگران را به اندیشه خود راه دهند. خداوند در آیه ۷۶ سوره قصص با اشاره به شادمانی همراه با غرور قارون هنگام رفاه زدگی اش بیان می کند که این حالت سبب شد او حاضر نشود به دیگر هم وطنانش کمک کند و آنان را در حسرت مال و منال خویش گذاشت. او حتی حاضر نشد کمی از مال خود را انفاق کند و بینوایان را از فقر و هلاکت رهایی بخشد.

۱۳. تحقیر دیگران

۱۳. تحقیر دیگران

اظهار حقارت و تحقیر دیگران و کم ارزش دانستن مردمان از دیگر آثار رفاه زدگی به مفهوم پیش گفته است. درحقیقت، از آنجایی که رفاه زدگی به نوعی روحیه و تفکر غیرانسانی در آدمی تبدیل می شود، اشخاص دیگری را که ثروت کمتری دارند یا فقیرند، پست می شمارند. به همین دلیل،

تحقیر دیگران در گفتارها و رفتارهای آنان کاملاً نمودار است. (کهف: آیات ۳۲ - ۳۴)

۱۴. مصون دانستن خود از عذاب اخروی

۱۴. مصون دانستن خود از عذاب اخروی

نتیجه این گونه بینش و تفکر آن است که فرد خود را از همه گونه سختی و عذاب ایمن می‌شمارد و با برخورداری از امنیت کاذب و دروغین، از آموزه های الهی دور می‌شود. این نظر که همه چیز و همه کس را می‌توان خرید و حتی خدا و بهشت را می‌توان معامله کرد، رفاه زدگان را به تباهی و گمراهی می‌کشاند. این اندیشه که برای هر چیزی، بها و قیمتی است که می‌توان آن را به دست آورد، آنان را به فکر رهایی از دوزخ می‌افکند یا در پی خرید بهشت می‌کشاند. درحقیقت، رفاه زدگی و تجمل‌گرایی موجب احساس مصونیت از عذاب الهی می‌شود. (سبأ: ۳۴ و ۳۵) همین اندیشه گاه به شکل مالخولیایی موجب می‌شود از آموزه های وحیانی روی بگردانند و به اسلام (حجر: ۲ و ۳) و حق و حقیقت (سبأ: ۱۵ و ۱۶) پشت کنند و از یاد خدا غافل شوند. (اسراء: ۸۳) به این ترتیب، هرگز دست خود را به سوی خدا دراز نمی‌کنند و خود را از یاری و یآوری او بی‌نیاز می‌دانند.

۱۵. تجاوز به حقوق دیگران

۱۵. تجاوز به حقوق دیگران

انکار خدا و آموزه های وحیانی موجب می‌شود خوی استکبار و فخرفروشی رفاه زدگان چنان فزونی یابد که روحیه تجاوزگری در آنان رشد کند. بنابراین، به حق خویش قانع نیستند و می‌خواهند به هر وسیله ای، اموال دیگران را به دست آورند و حقوق دیگران را ضایع سازند. (شورا: ۲۷) حتی علیه ملت و مردم خویش نیز برنامه ریزی و توطئه

ص: ۱۲۸

می کنند و حقوق ایشان را تباه می سازند و طغیان گری جزو خصیصه ذاتی ایشان می شود. (قصص: ۷۶)

۱۶. دگرگونی در بینش

۱۶. دگرگونی در بینش

بینش آنان نسبت به مسائل دگرگون می شود و حقایق را وارونه درک می کنند. از این رو، به عوامل طبیعی و مادی اصالت می بخشند و آنها را به جای خدا می گذارند و نوعی شرک را می پذیرند و برای عوامل دنیوی، آثار و کارکردهایی فراتر از ماده می جویند. (انعام: ۶۳ و ۶۴؛ کهف: ۳۲ - ۳۹؛ زمر: ۴۹ و ...)

تحلیل نادرستشان درباره حوادث و اموری که گاه برای هشدار و تنبیه است، موجب می شود نتوانند حقیقت را چنان که هست، درک کنند. (اعراف: ۹۴ و ۹۵)

۱۷. دیگر آثار رفاه زدگی

۱۷. دیگر آثار رفاه زدگی

از دیگر آثار رفاه زدگی می توان به ترک جهاد (توبه: ۹۳ و ۴۲)، طغیان و سرکشی (توبه: ۷۴؛ شورا: ۲۷)، ظلم به خویش (سبأ: ۷ و ۱۹)، غرور (کهف: ۳۲ و ۳۴)، غفلت از یاد خدا (اعراف: ۹۴ و ۹۵)، فساد در زمین (قصص: ۷۶ - ۸۳)، فسق و فجور (اسراء: ۱۶)، کفر (اعراف: ۷۴ - ۷۶)، کفران نعمت (زمر: ۴۹ و ۵۰) و هلاکت و عذاب الهی در دنیا (یونس: ۸۸ و ۸۹) اشاره کرد.

این آثار شامل آثار روانی، جسمی، رفتاری، اخلاقی و نیز دنیوی و اخروی می شود. بنابراین، رفاه زدگی را از مهم ترین عوامل نابودی شخص و شخصیت انسان و جامعه می توان دانست.

در آیات قرآنی، رفاه زدگی از آن رو ناپسند و حتی جرم و گناه شمرده شده که نوعی بیماری شخصیتی است؛ زیرا رفاه زدگان به لذت های مادی

دل بسته اند و ثروت و سرمایه مادی برای آنان در حکم خدا و جانشین آن شده است. از این رو، قرآن رفاه زدگی را شرک به خدا می شمارد.

ص: ۱۳۰

فصل سوم: سیره عملی بزرگان در پرهیز از اسراف و رفاه طلبی

اشاره

فصل سوم: سیره عملی بزرگان در پرهیز از اسراف و رفاه طلبی

زیر فصل ها

۱. امام خمینی رحمه الله

۲. رهبر معظم انقلاب (۱)

۳. ساده زیستی و قناعت در سیره دیگر علما (۲)

۱. امام خمینی رحمه الله

اشاره

۱. امام خمینی رحمه الله

زیر فصل ها

مراجه نمی نکنید

تبسمی زیبا، ولی تلخ

سر کردن با یک عبا

تهیه قبا برای امام

نه کولر، نه ماشین

چیزی لای دیوار بگذار

راضی شدن با هزار مکافات

از شما توقع نداشتم

از بیت المال نمی توانم خرج کنم

منزل ساده امام در نجف و تهران
بگذارید خانه به همین سبک باشد
مگر منزل صدراعظم است؟
دیوار منزل امام فرو ریخت
میز کوچک، تنها مبلمان خانه
سادگی امام مرا مجذوب خود کرد
بیست سال اجاره نشین بود
منزل بی آرایش یک رهبر
همه زندگی امام
اگر پیدا نشود، به قم می روم
زاهد واقعی
زی طلبگی
بسند کردن به نان و پنیر و چای
ابتکار جدید در زندگی
صدور مجوز خرید یخچال
برخورداری از خانه ای محقر و لباسی ساده
میهمان داری
استفاده شخصی از تلفن دفتر، هرگز
حساب و کتاب دقیق
نامه نگاری روی کاغذهای کوچک

نوشتن روی کاغذهای باطله

خرید گوجه فرنگی نوبرانه برای طلاب، ممنوع

سهم امام را نمی شود به فقیر داد

نداشتن تلفن شخصی

ممنوعیت استفاده از بیت المال حتی در سوگ فرزندان

کنترل همه خریدهای خانگی

مهتابی غیر لازم، خاموش

اسراف در روشنی

یک قطره آب اضافی، هرگز

استفاده کردن از نصفه دیگر آب لیوان

لامپ اضافی خاموش

مصرف، در حد احتیاج

اسراف نکردن در کاغذ

وضو گرفتن با یک قوری آب

پرهیز از اسراف آب

دقت به هنگام خرید

مرا جهنمی نکنید

مرا جهنمی نکنید

حجت الاسلام ناصری می گوید: «در نجف کولرهای دستی درست می کردند که از هوای زیرزمین استفاده می کرد. ما دلمان می خواست برای آقا هم درست کنیم، ولی حضرت امام اجازه نمی دادند. تا اینکه روزی آقای فرقانی، یکی از یاران امام، پنکه خودشان را از منزل آورد و به کمک نجار یک کولر دستی درست کردند. وقتی که حضرت امام دیدند، فرمودند:

تو و مصطفی و احمد، دست به یکی کردید تا مرا جهنمی کنید» (۳).

تبسمی زیبا، ولی تلخ

تبسمی زیبا، ولی تلخ

حجت الاسلام رحیمیان می گوید: «حضرت امام در طول مدتی که در نجف اشرف بودند، در یک منزل استیجاری که نوساز هم نبود و از نظر سادگی مثل منازل سایر مردم و طلاب بود، سکونت داشتند. مرسوم بود که بزرگان نجف هر کدام یک منزل هم در کوفه، نزدیک شط فرات

ص: ۱۳۱

-۱

-۲

-۳- پیام انقلاب، فروردین ۱۳۶۱، ش ۵۵.

داشتند که شب‌ها و مخصوصاً در فصل تابستان به آنجا می‌رفتند. حضرت امام از هوای بسیار گرم و خشک نجف با توجه به پیری، بیشتر از افراد مشابه - که از سال‌های دور، ساکن نجف بودند - رنج می‌بردند و همه دوستان از این مسئله نگران بودند. یک شب، مرحوم حاج شیخ نصرالله خلخالی با تمهید مقدماتی و با ذکر مثال‌هایی در مورد افرادی که مریض بودند و پزشکان به آنها گفته بودند هوای نجف، سمی است و داروی آن هوای کوفه است و با رفتن به کوفه کاملاً بهبود یافته بودند، سعی کرد امام را راضی کند که منزلی برایشان در کوفه اجاره کنند.

همین که سخنان مرحوم حاج شیخ نصرالله تمام شد، درحالی که همه بعد از آن همه صحبت و مقدمه‌چینی‌ها فکر می‌کردند امام قانع شده و منتظر جواب مثبت ایشان بودند، ناگهان سرشان را بلند کردند و با نگاه به مرحوم خلخالی، بدون اینکه حتی یک کلمه سخنی بگویند، فقط تبسمی زیبا و درعین حال تلخ بر لب‌های مبارکشان نقش بست، تبسمی تشکرآمیز از مرحوم خلخالی و تلخ به خاطر کراهت از مظاهر دنیا و رفاهیات زندگی. درباره همین موضوع شنیدم که در پاسخ دیگری فرموده بودند: آیا من می‌توانم به کوفه بروم (دنبال رفاه خود باشم) در حالی که بسیاری از مردم ایران در سیاه چال‌ها به سر می‌برند؟»^(۱)

سر کردن با یک عبا

سر کردن با یک عبا

آیت‌الله امامی کاشانی می‌گوید: «یکی دیگر از چیزهایی که جلب توجه می‌کرد، طرز پوشیدن لباسشان بود. آنچه در ذهنم می‌آید، چیزی بود مثل

ص: ۱۳۲

یک عباى مشكى رشتى كه هر سال زمستان ما مى دیدیم روى دوش امام است. قبا هم همان قباى هميشگى بود. عباى تابستان امام هم همان عباى تابستانى هميشگى بود كه مى دیدیم. خيلى هم خوب از لباس هايشان نگهدارى مى كردند كه درعين حالى كه همان لباس بود، ولى تميز بود و كفش هايشان نيز هميشه برق مى زد». (۱)

تهيه قبا براى امام

تهيه قبا براى امام

حجت الاسلام قره‌مى مى گوید: «روزي در نجف از طرف امام به من امر شد كه قبائى براى ايشان تهيه كنم. من از خياط آشنائى سه نوع پارچه گرفتم. اتفاقاً امام آن پارچه اى را انتخاب كردند كه به نظر من، جنس خوبى نداشت، اين روش انتخاب لباس امام بود و با آنكه لباسشان هميشه تميز و مرتب بود، اما از جهت جنس و كيفيت مراعات مى كردند تا اولاً از وجوهات شرعيه كمتر مصرف شود. ثانياً لباسشان مثل لباس روحانيان متوسط باشد». (۲)

نه كولر، نه ماشين

نه كولر، نه ماشين

حجت الاسلام اصفهاني نقل مى كند: «يك وقتى براى امام از كويت، كولرهابى (با توجه به هواى بسيار گرم نجف و اينكه امام در منزل كولر نداشتند) به عنوان هديه فرستادند. هرچه سعى كردند كه آنها را نصب كنند، امام اجازه ندادند و گفتند به صاحبانشان برگردانيد. امام در طول مدتى كه در نجف بودند، هيچ وقت حاضر نشدند يك ماشين خصوصى داشته باشند، بلكه ايشان با ماشين كرايه رفت و آمد مى كردند». (۳)

ص: ۱۳۳

۱- پا به پاى آفتاب، ج ۲، ص ۲۶۶.

۲- پاسدار انقلاب، اسفند ۱۳۵۹، ش ۱۰، ص ۴۷.

۳- مصطفى زمانى وجدانى، سرگذشت هاى ويژه از زندگى امام خمينى رحمه الله، ج ۶.

چیزی لای دیوار بگذار

چیزی لای دیوار بگذار

شیخ غلام رضا، خدمت کار امام در نجف درباره وضع منزل امام در نجف می گوید: «طبقه پایین سه اتاق داشتیم، طبقه بالا یک اتاق مال خود امام بود که درحقیقت، اتاق مطالعه و دفتر مراجعان بود. سقف اتاق آقا ترک خورده بود، خاک می ریخت. یک روز به آقا گفتم اجازه بدهید که یک گچی بزنیم. گفتند: گچ لازم نیست، یک چیزی بگذار لای دیوار».(۱)

راضی شدن با هزار مکافات

راضی شدن با هزار مکافات

حجت الاسلام ناصری می گوید: «اوایلی که امام به نجف آمدند، حاضر نبودند در منزلشان کولر باشد تا آقای شیخ نصرالله خلخالی اصرار کردند که آقا، مردمی که به بیرونی شما می آیند و می نشینند، گرمشان است. این را که گفت، امام حاضر شدند برای منزل کولر خریداری شود و با هزار مکافات حاضر شدند که برای منزل چند پتو بخریم».(۲)

از شما توقع نداشتم

از شما توقع نداشتم

حجت الاسلام مهری می گوید: «یک بار وقتی در نجف به ملاقات امام رفتم، هوا خیلی گرم بود. رفتم دیدم در وسط حیاط نشسته اند. سلام کردم و دستشان را بوسیدم. دیدم ایشان یک دستمالی دارند و عرق صورتشان را پاک می کنند. گفتم آقا شما اینجا نشسته اید و می خواهید مطالعه کنید و بنویسید، یک کولر شاید کفایت همه منزل را بکند. بگویید یک کولر بیاورند تا شما بتوانید با خیال راحت مطالعه کنید. امام با کمال ناراحتی گفتند: فلانی از شما توقع نداشتم این طوری بگویید».(۳)

ص: ۱۳۴

۱- روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۴/۹/۱۳۵۸.

۲- سرگذشت های ویژه از زندگی امام خمینی رحمه الله، ج ۴.

۳- سرگذشت های ویژه از زندگی امام خمینی رحمه الله، ج ۶.

از بیت المال نمی توانم خرج کنم

از بیت المال نمی توانم خرج کنم

حجت الاسلام ناصری می گوید: «ساختمان بیرونی منزل امام در نجف که ملاقات های ایشان در آنجا بود، خرابه شده بود. مرحوم آیت الله اشراقی به امام گفتند: این خانه را رنگی بزنید و درست کنید. امام فرمودند: من از بیت المال نمی توانم خرج کنم. آقای اشراقی گفتند: من از پول خودم می دهم تا اینجا را رنگ کنند. آقای رضوانی هم قبول کردند. وقتی آقا به کربلا رفتند، فرصت را غنیمت شمرده، اتاق بیرونی را درست کردیم و اطراف آن را هم تشک گذاشتیم. وقتی امام از کربلا برگشتند و در بیرونی نشستند و آنجا را دیدند، اخم هایشان را توی هم کردند و به آقای رضوانی گفتند: «من گفته بودم رنگ کنید، ولی نه این طور.» با اینکه ما جز چند تشک که پارچه آن را هم خیلی ارزان خریده بودیم، کاری نکرده بودیم» (۱).

منزل ساده امام در نجف و تهران

منزل ساده امام در نجف و تهران

از حجت الاسلام رحیمیان نقل است: «امام در طول مدتی که در نجف اشرف اقامت داشتند، در خانه ای محقر و فرسوده در یکی از کوچه های شارع الرسول، همچون صدها طلبه معمولی اجاره نشین بودند. بعد از پیروزی انقلاب نیز چه ایامی که در قم بودند و چه در مدت نزدیک به ده سال که در جماران اقامت داشتند، همچون بسیاری از مستضعفان به صورت مستأجر زندگی می کردند. خانه کوچکی که امام در جماران اجاره کردند، صد و بیست متر مربع مساحت و هفتاد متر زیر بنا داشت» (۲).

ص: ۱۳۵

۱- سرگذشت های ویژه از زندگی امام خمینی رحمه الله، ج ۶.

۲- سرگذشت های ویژه از زندگی امام خمینی رحمه الله، ج ۶.

بگذارید خانه به همین سبک باشد

بگذارید خانه به همین سبک باشد

آیت الله محمدفاضل لنکرانی می گوید: «خانه امام در نجف بسیار محقر و کوچک بود، شاید حیاط آن به چهارده متر هم نمی رسید. اتاق هایی در پایین داشت و یک اتاق بزرگ در بالا که سال ها بود رنگ آمیزی نشده بود و حالت ناراحت کننده ای در آن دیده می شد. البته این منزل اجاره بود. روزی به مرحوم آقای اشراقی عرض کردم که ممکن است یک قسمت این خانه را تعمیر و یک قسمت را رنگ آمیزی بکنید و از این حالت فعلی بیورید. ایشان گفت: من این موضوع را به امام پیشنهاد کردم، حتی خدمتشان عرض کردم حاضر از پول شخصی خودم که بیت المال نیست، این کار را بکنم، لکن ایشان موافقت نفرمودند و گفتند همین سبک باشد. خانه ای است که مال صاحبش است، مربوط به غیر است و هیچ وجهی ندارد که حالا ما این خانه را بیایم و تعمیراتی در آن بکنیم و رنگ آمیزی بکنیم و یک صورتی به آن بدهیم که تقریباً با زندگی روحانی مناسبت و موافقتی نداشته باشد» (۱).

مگر منزل صدراعظم است؟

مگر منزل صدراعظم است؟

حجت الاسلام قرهی می گوید: «بیرونی منزل امام در نجف که امام شب ها به آن تشریف می آوردند، فرش هایش ناقص بود؛ یعنی قسمتی از اتاق خالی بود. خدمت آقا عرض کردم اجازه بدهید یک فرش برای اینجا تهیه شود. فرمودند: «توی اندرونی هست.» عرض کردم آنجا گلیم است و با این جور در نمی آید. فرمودند: مگر منزل صدراعظم است.» عرض کردم

ص: ۱۳۶

فوق صدراعظم است، منزل امام زمان است. فرمودند: «امام زمان خودش هم معلوم نیست در منزلش چی انداخته است!»^(۱)

دیوار منزل امام فرو ریخت

دیوار منزل امام فرو ریخت

حجت الاسلام اصفهانی می گوید: «با بودن همه امکانات مادی و توجیه استفاده از همه آنها، امام و فرزندان ایشان خودشان را به حد یک طلبه رسانده بودند. خانه شان بسیار قدیمی بود و هیچ تشریفات و تشکیلاتی نداشت، به طوری که در یک زمستان، دیوار اتاق طبقه دوم منزل امام فرو ریخت، ولی ایشان راضی نشدند که خانه شان را عوض کنند. باز آن دیوار را ساختند و همان جا ماندند.»^(۲)

میز کوچک، تنها مبلمان خانه

میز کوچک، تنها مبلمان خانه

«وقتی که امام خمینی رحمه الله در مدرسه فیضیه کار نمی کند یا مهمانان را نمی پذیرد، به خانه فامیلش واقع در کوچه یخچال قاضی شماره ۶۱ می رود که یک خانه گلی سفید یک طبقه است که شاید یک صد سال پیش ساخته شده است. این خانه در یک کوچه باریک در مرکز قم قرار دارد و دارای یک صحن و حیاط و حوض است. دیوارهای خانه از پیچک های مو پیچیده شده است. تنها تکه مبلمان قابل توجه در خانه اش یک میز چوبی است که سال ها از آن استفاده می کرده است.»^(۳)

ص: ۱۳۷

- ۱- سرگذشت های ویژه از زندگی امام خمینی رحمه الله، ج ۱.
- ۲- سرگذشت های ویژه از زندگی امام خمینی رحمه الله، ج ۶.
- ۳- روزنامه اطلاعات، ۱/۵/۵۸، به نقل از: تایم آمریکا.

سادگی امام مرا مجذوب خود کرد

سادگی امام مرا مجذوب خود کرد

پرفسور مونتی فرانسوی می گوید: «بیشتر از هر چیز، زندگی ساده امام مرا مجذوب خود کرد. امام در پاریس در یک خانه کوچک زندگی می کرد که دو اتاق بیشتر نداشت که یکی از آن اتاق ها، اتاق خواب و دیگری، اتاق کار و ملاقات های ایشان بود. در زندگی ایشان فرش ها و اشیای گران بهایی دیده نمی شد. غذای ایشان هم بسیار ساده، یعنی مقداری شیر و برنج بود. خیمه ای هم که در آن نماز می خواندند، بسیار ساده بود.»^(۱)

بیست سال اجاره نشین بود

بیست سال اجاره نشین بود

آیت الله جعفر سبحانی می گوید: «خانه ای که حضرت امام در آن زندگی می کردند، خانه متوسطی بود که از خشت ساخته شده بود و هم اکنون نیز موجود است. امام تا حدود بیست سال خانه نداشتند؛ یعنی برای زمانی میان سال های ۱۳۰۱ تا ۱۳۲۴ خانه امام اجاره ای بود. ایشان خانه را به مدت دو سال اجاره می کردند و در آن سکونت می گزیدند، بعد صاحب خانه می گفت: من خانه را لازم دارم. پس از آن، ایشان خانه دیگری پیدا می کردند.

در طول شصت و سه سالی که در خدمت امام بودم، غیر از مدتی که از نظر ظاهری، ارتباط من با ایشان به خاطر تبعیدشان قطع شد، هرگز ندیدیم که ایشان آجری را بر روی آجر بگذارند.»^(۲)

ص: ۱۳۸

۱- روزنامه اطلاعات، ۱/۵/۵۸، به نقل از: تایم آمریکا.

۲- پایه پای آفتاب، ج ۳، ص ۲۱۳.

منزل بی آرایش یک رهبر

منزل بی آرایش یک رهبر

حجت الاسلام سجادی اصفهانی می گوید: «امام در پاریس در خانه ای به مساحت شصت متر مربع زندگی می کردند و در تهران هم در مدرسه علوی و در قم در یک منزل یک طبقه با چند اتاق ساده و در جماران هم در خانه ای محقر و استیجاری.

خبرنگار رویتر در گزارش خود که از محل اقامت امام دیدن کرده، می نویسد: منزل مورد بازدید، برای رهبر یک کشور پنجاه میلیونی بسیار بی آرایش بود. یک قسمت از اتاق اصلی منزل که توسط یک پرده از دیگر قسمت های اتاق جدا می شد، محل خواب امام خمینی رحمه الله بوده است. در قسمت دیگر اتاق، یک صندلی که پارچه سفیدی بر روی آن کشیده شده بود، مهم ترین اسباب منزل به نظر می رسید. در قفسه های منزل یک نسخه قرآن، تعدادی کتاب، یک آئینه، یک دستگاه رادیو و یک دستگاه تلویزیون به چشم می خورد».^(۱)

همه زندگی امام

همه زندگی امام

حجت الاسلام سجادی اصفهانی می گوید: «وسایل و لوازمی که برای منزل امام در نجف خریده بودند، عبارت بود از: فرش کهنه، گلیم کهنه، سه - چهار دست رخت خواب، سماور بزرگ، یک گونی شکر، یک صندوق چای، چهل دست استکان و نعلبکی جورواجور برای پذیرایی از

ص: ۱۳۹

۱- سرگذشت های ویژه از زندگی امام خمینی رحمه الله، ج ۶.

جمعیت، چهار سینی، چهار دست ظرف غذاخوری. به آقایان هم اطلاع دادند بیایند در همان حیاط که پنج متر در شش متر بود، بنشینند»^(۱).

اگر پیدا نشود، به قم می روم

اگر پیدا نشود، به قم می روم

«یک روز امام در بیمارستان قلب فرمودند که من باید از محیط بیمارستان بیرون بروم. اینجا بیشتر مرا بیمار می کند. لذا تحقیقات زیادی شد تا در خیابان دربند تجریش، یک ساختمان سه طبقه اجاره شد. روزهای اول در طبقه همکف پاسداران می نشستند؛ در طبقه دوم، خانواده حضرت امام و طبقه سوم برای ملاقات ها. مدتی گذشت، امام فرمودند: «این منزل مناسب نیست و من باید از اینجا بروم (توضیح اینکه این منزل از جهت سادگی به درد یک خانواده متوسط تهرانی می خورد و تنها مسئله این خانه، داشتن سنگ در نمای بیرونی آن بود). امام به آقای رسولی فرمودند: «بروید و منزلی مانند خانه پدرتان برایم پیدا کنید.» مشکل تازه شروع شد. تهیه منزل در قسمت شمالی شهر (چون دکتر دستور داده بود که امام باید در جای مناسبی از شمال تهران زندگی کنند)، نزدیک بیمارستان کار آسانی نبود. امام هم تهدید کرده بودند که اگر پیدا نشود، به قم می روم. تلاش زیادی شد. همه بسیج شدند که خانه ای پیدا کنند که هم خواسته امام را تأمین کند و هم اگر گروهی بخواهند ملاقات کنند، جا باشد. در نتیجه، همین منزل کنونی پیشنهاد گردید که از حسینیه جماران برای ملاقات های عمومی استفاده شود.

ص: ۱۴۰

۱- سرگذشت های ویژه از زندگی امام خمینی رحمه الله، ج ۶.

دو منزلی که برای امام و دفتر گرفته شد، جمعاً صد و شصت متر زمین داشت. منزل خصوصی امام دارای دو اتاق، یکی برای ملاقات با شخصیت ها و دیگری برای استفاده و خواب. گاهی هم که ملاقات کنندگان زیاد می شدند، مجبور بودیم از اتاق نشیمن امام نیز استفاده کنیم. دفتر امام نیز با همین کیفیت و با چند صندلی مختصر بود». (۱)

زاهد واقعی

زاهد واقعی

آیت الله امامی کاشانی می گوید: «زندگی حضرت امام، یک زندگی بسیار ساده بود. ما گاهی از کلاس درس بیرون می آمدیم و از امام سؤالاتی داشتیم، در بین راه می دیدیم که امام در دکانی مشغول خرید هستند و ما منتظر امام می ایستادیم تا در خدمتشان باشیم و سؤال هایمان را از ایشان پرسیم. می دیدیم که زندگی خیلی ساده ای دارند. به معنی واقعی، زهد، کم مصرف کردن و پربرکت بودن را در حضرت امام می دیدیم که تمام وجودشان برکت بود. درعین حال، کم توقع بودند و خودشان کار خودشان را انجام می دادند». (۲)

زی طلبگی

زی طلبگی

حجت الاسلام قرهی می گوید: «سطح زندگی و خوراک حضرت امام واقعاً جوری بود که من می توانم به جرئت بگویم زندگی داخلی منزل ایشان در سطح یک طلبه معمولی مقتصد و حتی پایین تر بود. من اطلاع داشتم؛ یعنی جوری نبود که من مطلع نشوم. مشهدی حسین، خدمت کار اندرون منزل امام، پول از من می گرفت. طوری نبود که او خرید کند، ما نفهمیم و یا ما

ص: ۱۴۱

۱- محمدعلی انصاری، ویژگی هایی از زندگی امام خمینی رحمه الله، ص ۶۰.

۲- پا به پای آفتاب، ج ۲، ص ۲۶۴.

خرید کنیم، او نفهمد. بعضی از دکترها که از ایران به نجف می آمدند و به امام ارادت داشتند و ایشان را کاملاً نمی شناختند، به ما می گفتند، برای تقویت ایشان غذای مقوی تهیه کنید، ولی امام قبول نمی کردند»^(۱).

بسند کردن به نان و پنیر و چای

بسند کردن به نان و پنیر و چای

حجت الاسلام ناصری می گوید: «حضرت امام به نان و پنیر و چای علاقه مند بودند، اغلب صبح ها و حتی در ماه مبارک رمضان هم سحری شان نان و پنیر و چای بود. حتی یک بار من به دلایلی در یخچال منزل امام را باز کردم، دیدم فقط یک کاسه و یک پاره هندوانه در یخچال بود.

حتی آن شبی که ما از کویت برگشته بودیم،^(۲) شب به هتلی رفتیم. در آنجا به امام اصرار کردیم که اجازه بدهند برایشان غذا بیاورند، اما امام قبول نکردند تا اینکه یک نفر بیرون رفت و یک کاسه ماست و دو عدد کیک گرفت و امام خوردند. صبح هم در مسیر راه کویت، در قهوه خانه ای ایستادیم و امام نان و پنیر و چای خوردند»^(۳).

ابتکار جدید در زندگی

ابتکار جدید در زندگی

دکتر محمود بروجردی می گوید: «زمانی که حضرت امام حجره ای در مدرسه سپهدار (اراک) گرفته بودند، حجره نمود بود (مقداری رطوبت داشت). امام با چیدن آجر، کف حجره را به ارتفاع یکم و جب بالا آوردند تا قابل سکونت شود. همین مسئله موجب شده بود که در میان طلبه ها

ص: ۱۴۲

-
- ۱- پاسدار انقلاب، مرداد ۱۳۶۱، ش ۸، ص ۴۱.
 - ۲- زمانی که حضرت امام می خواست از عراق به کویت مهاجرت کند، حکومت کویت مخالفت کرده بود، پس ایشان تصمیم گرفت به عراق برگردد و سپس به فرانسه مهاجرت کرد.
 - ۳- پیام انقلاب، اسفند ۱۳۶۰، ش ۵۴، ص ۲۳.

زیانزد گردند. می بینیم که امام از همان جوانی، به عنوان الگو برای جوانان درآمده بودند»^(۱).

صدور مجوز خرید یخچال

صدور مجوز خرید یخچال

آیت الله سید علی غیوری می گوید: «به یاد دارم زمانی من در نجف خدمت امام رسیدم، حاج آقا مصطفی به من فرمود: شما به امام نزدیک هستی و حضرت امام حرفتان را گوش می کند، شاید شما بتوانید امام را راضی کنید که یک عدد یخچال برای خودشان بخرند. وقتی که علت را پرسیدم، فرمودند: چون وقتی امام برای خودشان یخچال بخرند، آن وقت من هم مجوز خرید یخچال را خواهم داشت»^(۲).

برخورداری از خانه ای محقر و لباسی ساده

برخورداری از خانه ای محقر و لباسی ساده

آیت الله امینی می گوید: «مسئله ای که از همان ابتدا در زندگی امام مشهور بود، ساده زیستی ایشان بود. امام از ابتدا اجاره نشین بودند و این وضع تا چندین سال طول کشید، در نهایت، منزلی (که فعلاً در کوچه یخچال قاضی است) خریدند. این خانه جمعاً چهار اتاق دارد و یک بیرونی. کسانی که این خانه را دیده اند، می دانند خیلی ساده است. البته تا آنجا که من مطلع هستم، این خانه را از اموال خانمشان خریداری کردند، ولی به نام ایشان است. با آنکه امکانات مالی امام و دسترسی ایشان به وجوهات اسلامی خیلی خوب بود، اما تا زمان تبعیدشان به ترکیه، در این خانه زندگی می کردند. اثاثیه منزل نیز در کمال سادگی بود. فرشی هم که در

ص: ۱۴۳

۱- واحد خاطرات.

۲- واحد خاطرات.

اتفاق پهن شده بود، پشم هایش زبر و درشت بافت و ارزان قیمت بود و خلاصه فرش‌ها معمولی و حتی پایین‌تر از معمولی بود. از جهت لباس هم در عین سادگی و ارزانی خیلی تمیز و شیک بود؛ یعنی حضرت امام را جزو آخوندهای خوش تیپ می‌شناختند»^(۱).

میهمان داری

میهمان داری

آیت الله صادق خلخالی می‌گوید: «میهمان داری امام خیلی ساده بود، تشریفاتی نبود. اگر خورشتی سر سفره بود، یک نوع بود. هیچ‌گاه ندیدم دو نوع خورشت سر سفره باشد. امام نوعاً از خورشت قورمه سبزی خوششان می‌آمد. حتی گاهی اوقات ما ایشان را دعوت می‌کردیم، حاج آقا مصطفی می‌فرمود: امام خورشت قورمه سبزی دوست دارند. ما نیز همین خورشت را برای ایشان درست می‌کردیم»^(۲).

استفاده شخصی از تلفن دفتر، هرگز

استفاده شخصی از تلفن دفتر، هرگز

«زندگی ساده و بی‌آلایش امام گواهی زنده و گویا بر روح مردمی امام است. یک زندگی که حتی افراد معمولی نیز از آن مزایا برخوردارند و با اینکه همیشه مبالغ زیادی از وجوهات اسلامی در خدمت امام است، ولی دقت بسیار عجیبی روی مصارف به کار می‌بردند. بارها امام به افراد دفتر شدیداً اخطار فرموده بودند راضی نیستم که حتی از تلفن‌های دفتر برای کارهای شخصی استفاده کنید. لذا ما معمولاً برای کارهای شخصی از

ص: ۱۴۴

۱- واحد خاطرات.

۲- واحد خاطرات.

تلفن های عمومی و بیرون استفاده می کردیم»^(۱).

«مرحوم حاج آقا مصطفی که به نظر امام از امیدهای آینده اسلام بود، می بایست هفته به هفته به خدمت آقا می آمد و خرج هفته اش را می گرفت و به هیچ وجه امام مخارج اضافه به او نمی دادند. حتی وقتی حاج آقا مصطفی خواست که به مکه برود، با پول فروش خانه ای که در قم داشت و مقدار پولی که از خانمش بود، به مکه رفت. حتی امام می فرمودند هیچ کس حق ندارد از اینجا تلفن زیادی بکند. تلفن به داخل نجف را اجازه می دادند، اما به کربلا یا جای دیگر اجازه نمی دادند و تحریم کرده بودند. حتی به مرحوم حاج احمد آقا فرموده بودند: تو حق نداری به تهران یا جای دیگر تلفن بکنی، ولی اگر در مسیر انقلاب بود کاملاً اجازه می دادند. مثلاً اگر می خواستیم به وسیله تلفن، اعلامیه منتشر کنیم یا خبر بگیریم، اجازه می فرمودند. یاد می آید که یک بار مرحوم حاج احمد آقا تلفن هایی کرده بود و احتمال می داد که امام راضی نباشند. لذا ناچار شد از جایی پول فراهم کند و به آیت الله رضوانی، مسئول مالی دفتر حضرت امام بدهد»^(۲).

حساب و کتاب دقیق

حساب و کتاب دقیق

«مشهدی حسین، پیرمرد وارسته ای بود که در طی سال ها مورد علاقه و اعتماد امام بود و مسئول خرید منزل معظم له. یک روز نقل کرد که امام ربع دینار (یعنی ۲۵۰ فلس) برای خرید به من دادند. وقتی از بازار «حویش» برگشتم، نان، پنیر، ماست و سبزی و غیره را که خریده بودم، به

ص: ۱۴۵

۱- ویژگی هایی از زندگی امام خمینی رحمه الله، ص ۵۹.

۲- پیام انقلاب، ش ۵۵، فروردین ۱۳۶۱.

اندرون برده و مراجعت نمودم. هنوز به در خانه نرسیده بودم که امام صدا زدند: مشهدی حسین! برگشتم. فرمودند: چقدر شد؟ حساب کردم دویست و سی و پنج فلس شده بود. تا ربع دینار، پانزده فلس باقی می ماند. امام فرمودند: بقیه را بده!

معلوم است پانزده فلس چیز قابل ذکری نبود، ولی مسئله مهم این است که همه چیز هرچند هم ناچیز، باید روی حساب و دقت باشد و باید به این روش عادت کرد».^(۱)

نامه نگاری روی کاغذهای کوچک

نامه نگاری روی کاغذهای کوچک

«آیت الله رضوانی که مسئول مالی و دیگر کارهای امام بود، پشت یک پاکت چیزی نوشته و برای امام فرستاده بود. ایشان در یک کاغذ کوچک جواب داده بودند و زیر آن نوشته بودند: شما در این کاغذ کوچک می توانستید بنویسید و لذا آیت الله رضوانی کاغذهای کوچک را جمع و جور می کرد و در یک کیسه ای می گذاشت. وقتی که می خواست برای آقا چیزی بنویسد، بر روی آن کاغذپاره ها می نوشت و برای امام می فرستاد، امام هم زیرش جواب می نوشتند».^(۲)

نوشتن روی کاغذهای باطله

نوشتن روی کاغذهای باطله

حجت الاسلام ناصری می گوید: «در بین سال، چند روزی که حضرت امام در کربلا تشریف داشتند، من گاهی با ایشان کار داشتم و چون وضع اتاق بیرونی کربلا طوری بود که من نمی توانستم داخل بروم، گاهی مطالبم را

ص: ۱۴۶

۱- محمدحسن رحیمیان، پاسدار اسلام، اسفند ۱۳۶۳، ش ۳۹، ص ۳۷.

۲- پیام انقلاب، فروردین ۱۳۶۱، ش ۵۵.

بر روی کاغذ می نوشتیم و به اتاق اندرونی می دادم. یک بار روی کاغذی مطلبم را نوشتم و دادم. امام به بیرونی تشریف آوردند تا به حرم برویم و در بین راه به من فرمودند: «تو احتیاط نمی کنی.» من ذهنم از این حرف ها خالی بود، اصلاً باورم نمی شد که کاری کرده باشم؛ یعنی خطایی در ذهنم نبود. لذا عرض کردم که چه کار کردم؟ می خواستم ببینم خطایم چیست که دیگر تکرار نکنم. امام فرمودند: «تو این مطلب را روی کاغذ باطله هم می توانستی بنویسی.» و این یکی از درس های خیلی ارزنده ای بود که من یاد گرفتم» (۱).

خرید گوجه فرنگی نوبرانه برای طلاب، ممنوع

خرید گوجه فرنگی نوبرانه برای طلاب، ممنوع

آیت الله آل اسحاق می گوید: «یکی از دوستانم تعریف می کرد که روزی به منزل حضرت امام در نجف رفتم. احساس کردم که حضرت امام با حاج آقا مصطفی مشغول گفت و گو هستند. نگران شدم، ولی با آمدنم قضیه تمام شد. بعد پرسیدم: جریان چه بود؟ خادم گفت که حاج آقا مصطفی ربع دینار (معادل پنج تومان در آن روز) در اول فصل که هنوز گوجه فرنگی تازه و نوبرانه است، گوجه فرنگی خریده است. امام او را دعوا می کردند، اخم کرده بودند، فریاد می کشیدند که: «با چه مجوزی تو از بیت المال گوجه فرنگی نوبرانه خریده ای؟ حالا وقت خوردن گوجه فرنگی برای طلبه ها نرسیده است.» با آنکه حاج آقا مصطفی کار حرامی انجام نداده بودند، ولی حضرت امام برای خودشان و فرزندشان این عمل را مناسب

ص: ۱۴۷

سهم امام را نمی شود به فقیر داد

سهم امام را نمی شود به فقیر داد

آیت الله آل اسحاق می گوید: «یکی از دوستانم که ساکن نجف بود، نقل کرد که در مسجد شیخ انصاری که امام در آنجا نماز جماعت می خواندند، بین نماز مغرب و عشا فقیری آمد و گفت: عیالوارم، زندگی ام نمی چرخد، فقیرم، به من کمک کنید. امام جواب ندادند. بار دوم، بار سوم، داد کشید و فریاد زد و گفت: آقا من... امام فرمودند: «من پول ندارم.» فقیر گستاخانه گفت: من دیدم امروز عصر فلانی مقدار زیادی پول برای شما آورد. امام فرمودند: «آن پول سهم امام است و به شما نمی رسد.» دوباره با فریاد و داد از امام پول می خواست که دوستم برخاست و ربع دینار به فقیر داد و او هم رفت. بعد از نماز که امام برخاستند تا بروند، من هم پشت سر امام بلند شدم و از مسجد بیرون آمدم. وقتی خلوت شد، می خواستم به امام انتقاد کنم که ایشان پیش دستی کردند و گفتند: «این پول چی بود؟ از کدام پول بود؟» گفتم: آقا پول شهریه بود. گفتند: «با چه مجوزی دادی؟» گفتم: آقا من می خواستم به شما عرض کنم که چرا ندادید؟ گفتند: من پول شخصی که ندارم. پول من، بیت المال است، سهم امام است. سهم امام را به فقیر نمی شود داد، نه اینکه من نمی خواهم بدهم، نمی شود داد. من چه کار کنم؟ تو چه جوری دادی؟ جواب خدا را چه خواهی داد؟ این بودجه مخصوصی است و برای مصرف خاصی است» (۲).

ص: ۱۴۸

۱- واحد خاطرات.

۲- واحد خاطرات.

نداشتن تلفن شخصی

حجت الاسلام استادی می گوید: «با آنکه حضرت امام، موجه ترین استاد حوزه علمیه قم و در عداد مراجع تقلید و شخصیت مبرز و عظیم الشأن حوزه بودند، ولی یک تلفن جهت ارتباط با مردم نداشتند؛ زیرا اولاً اکثر علما نداشتند و ثانیاً احساس می کردند که در صورت نیاز و ضرورت، با ایشان تماس خواهند گرفت). لذا فرد مؤمن و متمکنی با پول شخصی خودش (نه از وجوهات و سهم امام)، تلفنی برای امام تهیه می کند».(۱)

ممنوعیت استفاده از بیت المال حتی در سوگ فرزند

ممنوعیت استفاده از بیت المال حتی در سوگ فرزند

حجت الاسلام آشتیانی می گوید: «بعد از شهادت حاج آقا مصطفی، فرزند والامقام، دانشمند، عالم، عارف و مجتهد حضرت امام، ماجرای در نجف پیش آمد که نقل آن بیانگر روح تعبد حضرت امام نسبت به مسائل شرعی و احکام خداست. ماجرا به این شکل بود که خانواده امام قصد داشتند از طریق تلفن منزل رهبر انقلاب، با تهران تماس بگیرند، لیکن رهبر انقلاب حتی در این موقعیت که فرزند خود را از دست داده بودند، صریحاً به خانواده خود فرمودند: «تلفن خانه از اموال بیت المال است و خواست شما برای استفاده از آن، امری شخصی است. بنابراین، تماس با آن جایز نیست».(۲) هر وقت انسان موقعیت امام و همسرشان را به عنوان پدر و مادری که فرزند از دست داده تجسم می کند و حساسیت حضرت امام را حتی در آن موقعیت خاص نسبت به بیت المال می بیند، جداً در مصرف بیت المال حساس تر می شود».

ص: ۱۴۹

۱- واحد خاطرات.

۲- واحد خاطرات.

کنترل همه خریدهای خانگی

کنترل همه خریدهای خانگی

حجت الاسلام آشتیانی می گوید: «حضرت امام با تمام مشغله ای که داشتند، تمامی هزینه هایی که برای منزل ایشان می شد، شخصاً کنترل می کردند و مسئولان مالی مراقب بودند قبل از انجام هر خریدی برای بیت، لیست اقلامی که قصد خرید آنها را دارند، به امام عزیز بدهند تا در صورت تصویب، خرید نمایند».^(۱)

مهتابی غیر لازم، خاموش

مهتابی غیر لازم، خاموش

حجت الاسلام محمدحسین رحیمیان می گوید: «در اتاق حضرت امام یک مهتابی یا یک لامپ صد ولتی روشن بود. هنگام مطالعه یا نوشتن، چون این نور کافی نبود، یک لامپ دیگر را روشن می کردند. بارها دیده ام که معظم له از اتاقشان به طرف اندرون رفته اند، ولی چند لحظه بعد از میان راه برگشته، لامپ مهتابی را خاموش کرده اند و مجدداً به طرف اندرونی رفته اند؛ با آنکه در آن موارد معمولاً بیش از چند دقیقه در اندرون نمی ماندند و دوباره به همین اتاق برمی گشتند».^(۲)

اسراف در روشنی

اسراف در روشنی

حجت الاسلام سید حمید روحانی می گوید: «در یکی از روزها که حضرت امام برای نماز جماعت به مدرسه فیضیه تشریف آورده بودند، چون هنوز وقت نماز نرسیده بود، به یکی از حجره های طلاب وارد شدند. یکی از طلاب در حالی که چراغ اتاق را روشن گذاشته بود، از اتاق بیرون آمد. تا

ص: ۱۵۰

۱- واحد خاطرات.

۲- پاسدار اسلام، اسفند ۱۳۶۲، ش ۳۹.

در خدمت امام باشد، امام فرمودند: چرا برق را روشن گذاشتید؟ یکی از آقایان گفت: می گویند در روشنی، اسراف نیست! امام فرمودند: بی خود می گویند! (۱)

یک قطره آب اضافی، هرگز

یک قطره آب اضافی، هرگز

دکتر محمود بروجردی می گوید: «در منزل امام یک چراغ اضافه پیدا نمی کردید که روشن باشد. بعضی مواقع، خود امام حتی مشغول ملاقات با شخصیت ها و افراد بودند که ناگهان متوجه می شدند چراغی بی جهت روشن است. بدون آنکه به دیگران امر کنند، خودشان بلند می شدند و می رفتند آن را خاموش می کردند یا اینکه هنگام وضو گرفتن، یک قطره آب اضافی مصرف نمی کردند. حتی بین مسح سر و شست و شوی دست راست و چپ، شیر آب را می بستند. (۲) من بارها ناظر وضو گرفتن امام بوده ام و دیده ام که ایشان در فاصله به جا آوردن اعمال وضو، شیر آب را می بستند و در موقع لازم دوباره باز می کردند تا مبادا آب اضافی از شیر خارج شود». (۳)

استفاده کردن از نصفه دیگر آب لیوان

استفاده کردن از نصفه دیگر آب لیوان

حجت الاسلام صادق احسان بخش می گوید: «حضرت امام هیچ گاه اسراف نمی کردند. حتی اگر می خواستند دارویی بخورند و یک لیوان آب به ایشان می دادند، اگر نصف آن مورد استفاده قرار می گرفت، کسی حق نداشت نصف دیگر را دور بریزد، باید از آن استفاده می کردند. این خط مشی،

ص: ۱۵۱

۱- در رثای نور، ۲۴ تیر ۱۳۶۸، ص ۱۲.

۲- پاسدار اسلام، دی ۱۳۶۲، ش ۲۵، ص ۵۷.

۳- پاسدار اسلام، دی ۱۳۶۲، ش ۲۵، ص ۵۷.

تمرینی است جهت خودسازی که از اول جوانی داشته اند»^(۱).

لامپ اضافی خاموش

لامپ اضافی خاموش

حجت الاسلام قرهی می گوید: «در نجف چون سردر منزل امام تاریک بود، ما یک لامپ نصب کردیم. امام فرمودند: «این لامپ را نزنید.» من یک مقداری مسامحه کردم. ایشان مرا طلبیدند، به خدمتشان رفتم. امام فرمودند: مگر منزل من نیست؛ نمی خواهم روشن باشد»^(۲).

مصرف، در حد احتیاج

مصرف، در حد احتیاج

حجت الاسلام علی اکبر آشتیانی می گوید: «در طول ده سال از نزدیک شاهد بودم یکی از نکاتی که حضرت امام به آن فوق العاده اهمیت می دادند، ساده زیستی و عدم اسراف بود. بارها من دیده بودم که امام عزیز از جا برخاسته و به طرفی می روند و پس از مدت کوتاهی متوجه می شدم که ایشان قصد خاموش کردن چراغی را داشته اند که بی مورد روشن بوده است. وقتی ایشان آب لیوانی را می خوردند، اگر آب به نصف می رسید، بر روی آن تکه کاغذی می گذاشتند و بقیه آب لیوان را برای رفع تشنگی بعدی خود باقی می گذاشتند و یا اگر می خواستند از دستمال کاغذی استفاده کنند، گاهی آن را به چند تکه تقسیم می کردند و تنها از یک تکه آن استفاده می کردند»^(۳).

اسراف نکردن در کاغذ

اسراف نکردن در کاغذ

حاج احمد آقا، آقازاده حضرت امام می گفت: «امام می فرمایند: من اوقاتم تلخ می شود وقتی که می بینم گزارش های مختلفی از اطراف می آید، از شهربانی، از ژاندارمری، از سپاه، از وزارت کشور و از جاهای دیگر و همه

ص: ۱۵۲

۱- سرگذشت های ویژه از زندگی امام خمینی رحمه الله، ج ۳، ص ۵۱.

۲- پایه پای آفتاب، ج ۲، ص ۱۰۸.

۳- واحد خاطرات.

یک مطلب ثابت را روی کاغذ نوشته اند و فرستاده اند. می گفتند: این چه وضعی است که در مملکت از کاغذ این جور استفاده می شود. (۱)

وضو گرفتن با یک قوری آب

وضو گرفتن با یک قوری آب

محمد شریفی می گوید: «همان شبی که قرار بود فردایش حضرت امام مورد عمل جراحی قرار گیرند، برای وضو آب خواستند. ایشان نمی توانستند حرکت کنند؛ چون سرم در دستشان بود. من رفتم یک پارچ آب برای ایشان آوردم. ضمناً تشتی هم آوردم تا آب وضو در آن ریخته شود و جایی خیس نشود. پارچ استیل پر از آب بود. حضرت امام فرمودند: «نه، یک قوری بیاورید.» چون از پارچ مقداری بیش از حد معمول آب می ریخت، رفتیم قوری آوردیم. ایشان آن قدر مواظب بودند تا اندکی آب اسراف نشود.» (۲)

پرهیز از اسراف آب

پرهیز از اسراف آب

مصطفی کفاش زاده می گوید: «خود شاهد بودم امام به فردی که به باغچه آب می داد، گفتند: چرا آب لوله کشی را به باغچه ها می دهید؟ آن آقا گفت: آب چشمه است. امام فرمود: باز معلوم نیست که آب چشمه را هم ما بتوانیم مصرف کنیم، این مال همه است. بنابراین، کمتر و در حد ضرورت استفاده کنید.» (۳)

سید رحیم میریان گفته است: «یک روز مشغول آب پاشی بودم، امام گفتند: آب آشامیدنی نباشد، عرض کردم: نه آقا جان، آبی است که از چاه می آید. فرمودند: «آب چاهی نباشد که مردم از آن استفاده می کنند»، گفتم: نه خیر آقا! مخصوص همین جاست و برای درختان حفر نموده اند. روز دیگر باز آمدند

ص: ۱۵۳

۱- هاشمی رفسنجانی، اطلاعات، ۱۴/۱۲/۱۳۶۱، ش ۱۶۹۵۹، ص ۱۳.

۲- محمد شریفی، فصل صبر، ص ۲۲۱.

۳- روزنامه اطلاعات، ش ۲۱۷۲۵.

و گفتند: «حاجی خیلی از این آب استفاده می کنی.» تعجب کردم که می گویند از آبی که کسی از آن مصرف نمی کند، زیاد استفاده نمایید. بعد متوجه شدم آقا در مورد برقی که از بالا آوردن آب از چاه مصرف می شود، ملاحظه می کنند. خیلی مقید بودند که در هیچ زمینه ای اسراف نشود. اگر می دیدند چیزی خوراکی در سطل زباله ریخته شده، بسیار ناراحت می شدند و دعوا می کردند که چرا مواد غذایی را دور ریخته اند». (۱)

«یک روز پیش از ظهر آقا زنگ زدند. خدمتشان رفتم، فرمودند: چراغ داخل حیاط روشن است، آن را خاموش کن. گفتم: چشم. چند روز بعد که باز چراغ روشن مانده بود، امام زنگ زدند. نزدشان که رفتم، فرمودند: «اگر برایتان مشکل است چراغ را روشن کنید، کلید آن را در اتاق من بگذارید، خودم شب ها روشن می کنم و روزها خاموش می نمایم.» گفتم: نه آقا مشکل نیست. تا مدتی، حواسم را جمع می کردم که مبادا چراغ در روز روشن بماند. یک روز صبح که امام روی صندلی نشسته بودند، چراغ دفتر آقای رسولی روشن بود و یک چراغ هم پشت حیاط منزل امام، اطراف محل اقامت حاج احمد آقا روشن بود. امام به من که کنارشان ایستاده بودم، فرمودند: «بیا جلو.» نزدیکشان که رسیدم، با عصبانیت فرمودند: در منزل من و فعل حرام؟ در منزل من و اسراف؟ من که مثل بید می لرزیدم، عرض کردم: آقا چه شده؟ فرمودند: چند مرتبه باید بگویم این چراغ ها را خاموش کنید، مگر شما نمی دانید که اسراف حرام است؟» (۲)

ص: ۱۵۴

۱- روزنامه رسالت، ویژه پیک هجران، خرداد ۱۳۶۹.

۲- روزنامه اطلاعات، ش ۲۱۷۲۴؛ فزاهایی از ابعاد روحی، اخلاقی و عرفانی امام، ص ۷۴.

دقت به هنگام خرید

بانو زهرا مصطفوی می گوید: «روزی در نوفل لوشاتو به دلیل ارزانی، دو کیلو پرتقال خریدم و چون هوا خنک بود، فکر کردم تا سه - چهار روز پرتقال خواهیم داشت. امام با دیدن پرتقال ها فرمودند: «این همه میوه برای چیست! این کار خود را توجیه کنید.» عرض کردم پرتقال ارزان بود، برای چند روز این قدر خریدم. فرمودند: «دو گناه مرتکب شده اید، یک گناه برای اینکه ما نیاز به این همه پرتقال نداشتیم و دیگر اینکه شاید امروز در نوفل لوشاتو کسانی باشند که تا به حال به دلیل گران بودن پرتقال نتوانسته اند آن را تهیه کنند و شاید با ارزان شدن آن می توانستند بخرند، درحالی که شما این مقدار میوه را برای چند روز خریده اید، ببرید مقداری از آن را پس بدهید.» گفتم: آخر اینجا حساب ها با کامپیوتر صورت می گیرد و برگرداندن آن مشکل است. فرمودند: باید راهی برایش یافت. پس پرتقال ها را پوست بگیرید و آنها را پرپر کرده، نگاه دارید، شب هنگام که مردم برای نماز می آیند، آن را به چادر بیاورید و بینشان توزیع کنید تا همه بخورند؛ شاید از این رهگذر خداوند از سر تقصیر شما بگذرد».(۱)

۲. رهبر معظم انقلاب

اشاره

۲. رهبر معظم انقلاب(۲)

بیان چگونگی زندگی هر فرد و شاخص های حاکم بر آن، ظرایف خاصی دارد که به آسانی نمی توان از همه ابعاد و زوایا به کیفیت آنها پی برد و لازمه این امر، حضور همیشگی در مراحل مختلف زندگی و مشاهده

ص: ۱۵۵

۱- شاهد بانوان، ش ۱۴۹، روزنامه اطلاعات، ش ۲۱۷۳۶؛ ضمناً این خاطره از خانم مرضیه حدیده چی دباغ هم نقل شده است؛ نک: پابه پای آفتاب، ج ۱، صص ۳۱۲ و ۳۱۳.

۲- نک: علی نقی امیری، فرزند کوثر(مروری بر زندگی حضرت آیت الله خامنه ای).

موضع گیری های جزئی و کلی او است. این چگونگی مطالعه هم به طور قطع جز با هم نشینی مستمر و همکاری خود فرد یا نزدیکان او میسر نیست. با توجه به نقل قول ها، آثار به جای مانده از اعلام مواضع گوناگون و خاطرات کسانی که از نزدیک با موارد و نمونه هایی از عملکرد شخص روبه رو بوده اند، شاید بتوان گفت که «آب دریا را اگر نتوان کشید، هم به قدر تشنگی باید چشید».

طبیعتاً افراد بزرگواری مثل آیت الله خامنه ای، به دلیل علو همت و مناعت طبعی که دارند، کمتر از خود می گویند. از این رو، در این بخش با توجه به سخنان و نقل قول های اندکی که وجود دارد، به گوشه هایی از کیفیت زندگی ایشان پرداخته می شود.

یکی از نکات برجسته که در حیات پربار آیت الله خامنه ای - که در همه مراحل زندگی از کودکی تا امروز که در رأس نظام اسلامی قرار دارند - به عنوان شاخص به چشم می خورد، دوری از مظاهر و ظواهر دنیایی و برابر نگه داشتن سطح زندگی خود با سطح زندگی مردم عادی است. ایشان از همان کودکی، همانند اکثریت مردم، طعم فقر را چشیده و در نهایت تنگ دستی با زندگی زاهدانه، آشنا بودند، به گونه ای که حتی در ضروری ترین مایحتاج زندگی مانند خورد و خوراک، مسکن و لباس هم در تنگنا بود.

خوراک مختصر

خوراک مختصر

رهبر معظم انقلاب می گوید: «دوران کودکی بسیار در عسرت می گذشت... وضع خانواده ما به طوری بود که ما حتی همیشه نمی توانستیم نان گندم

بخوریم و معمولاً نان جو می خوردیم. گاهی نان مخلوط جو - گندم و ندرتاً گندم - . من شب هایی از کودکی را به یاد می آورم که در منزل شام نداشتیم و مادر با پول خردی که بعضی وقت ها مادر بزرگم به من یا یکی از برادران و خواهرانم می داد، قدری کشمش یا شیر می خرید تا با نان بخوریم...» (۱).

مسکن کوچک

مسکن کوچک

ایشان درباره مسکنشان می گوید: «منزل پدری من که در آن متولد شده ام، تا ۴ - ۵ سالگی یک خانه حدود ۶۰ - ۷۰ متری در محل فقیرنشین مشهد بود که فقط یک اتاق داشت و یک زیرزمین تاریک و خفه و هنگامی که برای پدرم میهمان می آمد - و معمولاً پدر بنا بر اینکه روحانی و محل مراجعه مردم بود، میهمان داشت - همه ما باید به زیرزمین می رفتیم تا مهمان برود و بعد عده ای که به پدر ارادتی داشتند، زمین کوچکی را کنار این منزل خریده، به آن اضافه کردند و ما دارای سه اتاق شدیم» (۲).

استفاده از لباس های کهنه

استفاده از لباس های کهنه

آیت الله خامنه ای در این باره می گوید: «مادرم از لباس های کهنه پدرمان برای ما چیزی درست می کرد که یک چیز عجیب و غریبی بود؛ نه لباده، نه قبا، یک چیز بلندی بود تا زیر زانو و اغلب هم چند وصله می خورد. البته باید گفت که پدر هم لباس هایش را به این زودی عوض نمی کرد. مثلاً یک لباده داشت که حدود ۴۰ سال آن را پوشید» (۳).

ص: ۱۵۷

۱- روزنامه رسالت، ۳۱/۳/۱۳۶۸، مبحث «خورشید تابان انقلاب».

۲- روزنامه رسالت، ۳۱/۳/۱۳۶۸، مبحث «خورشید تابان انقلاب».

۳- روزنامه رسالت، ۳۱/۳/۱۳۶۸، مبحث «خورشید تابان انقلاب».

سیره عملی در زندگی خانوادگی

حضرت آیت الله خامنه ای با تأسی به مولای متقیان علی علیه السلام - که بیش از همه می کوشید و کمتر از همه مصرف می کرد - بر این باور است که یک مسلمان، به ویژه رهبران الهی و کسانی که در مناصب بالای اجتماعی و ولایت قرار دارند، باید بیشتر به فکر مردم و رفاه آنها باشند و ضمن فراهم کردن زمینه های سعادت دنیوی و اخروی آنها، خود به حداقل بهره برداری از تمتعات مادی و در حد ضرورت، اکتفا کنند و این باور را خود در عمل فردی، خانوادگی و اجتماعی به منصفه ظهور نشانند.

این نگرش به زندگی، به منزله یک صفت برجسته اخلاقی هم در ایشان و هم در خانواده محترم و فرزندانشان همچون ملکه ای پایدار و راسخ درآمده است؛ به گونه ای که مصداق های مختلف آن را از سال ها قبل از انقلاب، در دوران مبارزه، زمان پیروزی انقلاب، زمان ریاست جمهوری و امروزه در منصب ولایت نظام اسلامی، می توان ملاحظه کرد.

آیت الله خامنه ای نه تنها در زمان کودکی و در خانه پدر، با طعم فقر آشنا بود و آن را با تمام وجود لمس کرده، بلکه بعد از تشکیل خانواده و پس از احراز پست و مقام های مختلف هم تلاش کرد زنی طلبگی را رعایت و در همه احوال با وجود دست رسی به امکانات مادی، شیوه زندگی و الگوی مصرف خود را همچنان در سطح زندگی عادی مردم و حتی در مواردی پایین تر قرار دهد. این امر ناشی از آگاهی و ادراک عمیق ایشان نسبت به کیفیت استفاده از نعمت های الهی - به ویژه برای کسانی است که در مناصب و محل رجوع مردم قرار گرفته اند.

ایشان در طول زندگی پر برکتشان، زندگی زاهدانه را پیشه خود ساخته و به همین دلیل، سطح مصرف ایشان در ردیف سطح عمومی مصرف مردم است. در همه این موارد، احکام الهی و رعایت موازین شرع، ملاک و شاخص نهایی و حجت ایشان در پیش گرفتن زندگی ساده و براساس مشی معصومان علیه السلام بود و همچنان ادامه دارد. ایشان در این مسیر همچون امام امت بر این باور است که رهبر مردم، اگر همانند مردم زندگی کند، هیچ گاه از درد و رنج مردم، غافل نمی شود. همچنین مردم به دلیل همین زندگی ساده رهبرانشان است که عشق و محبت آنها را به دل می پذیرند و فرمان آنها را با جان و دل اطاعت می کنند.

اکنون به بررسی بعضی ویژگی هایی می پردازیم که در زندگی ایشان در مراحل مختلف، به صورت شاخص به کار گرفته شده و بیانگر تلاش معظم له برای معرفی زندگی سالم، پربار و متناسب با تعالیم اسلامی، قبل از ریاست جمهوری، در زمان ریاست جمهوری و بعد از رهبری است. قطعاً کسانی که از نزدیک با آیت الله خامنه ای رفت و آمد داشته اند، به خوبی دریافته اند که ایشان فردی خودساخته و مهذب است که پست و مقام و منصب نمی تواند او را از راه مستقیمی که در پیش گرفته است، منحرف کند، چه اینکه او براساس فلسفه ای به حیات می نگرد که در همه احوال احکام الهی و سیره معصومان علیه السلام را الگوی عملی خود قرار داده است. به همین دلیل، بیان خاطراتی چند از شاهدان عینی کیفیت زندگی ایشان، شاید بتواند گوشه ای از تلاش معظم له را برای حفظ زیّ طلبگی در عین داشتن بالاترین مناصب اجتماعی، در نظام اسلامی نشان دهد. بنابراین، با اشاره به بعضی از این خاطرات در سه مقطع زمانی قبل از ریاست جمهوری، ریاست جمهوری و بعد از رهبری، مشخص می شود که همواره

شاخص های واحدی در زندگی ایشان حاکم است که همگی در راستای زندگی همراه با تقوا و بصیرت و در جهت آخرت هستند:

الف) کیفیت زندگی قبل از ریاست جمهوری

اشاره

الف) کیفیت زندگی قبل از ریاست جمهوری

آیت الله خامنه ای با تمرین در مکتب اهل بیت علیه السلام و به عنوان یک روحانی، همزمان با مبارزه بیرونی و جهاد در راه خدا، به جهاد اکبر؛ یعنی مبارزه با نفس هم مشغول بوده و توانسته ملکات اخلاقی خاصی را در خود پرورش دهد؛ به گونه ای که در هیچ یک از مراحل زندگی در برابر حوائج نفسانی سر تسلیم فرود نیاورده است. این امر را در زندگی معظم له و عملکرد فردی و اجتماعی ایشان می توان دید.

مروری گذرا به زندگی آیت الله خامنه ای قبل از انقلاب و حتی بعد از انقلاب و پیش از عهده داری ریاست جمهوری اسلامی ایران، حاکمیت شاخص هایی را بر عملکرد فردی و خانوادگی ایشان نشان می دهد که همین شاخص ها را می توان در دوران بعد از ریاست جمهوری و رهبری معظم له هم ملاحظه کرد.

برای مثال، حضرت آیت الله خامنه ای به دلیل مناعت طبع و بی توجهی به ظواهر دنیوی و به عبارت بهتر، به دلیل درک عمیق ماهیت مظاهر دنیوی و نیز توجه به اینکه چشم مردم به زندگی روحانیان دوخته شده است و این امر در نگرش آنها به اسلام نقش مهمی دارد، در مورد وسایل منزل خود از جمله فرش و تزیینات داخل اتاق و... به حدی سخت گیری کرده و می کند که حتی از ساده ترین وسایل زندگی هم - که برای دیگران عادی جلوه می کند - پرهیز دارد.

ص: ۱۶۰

یکی از بستگان آیت الله خامنه ای نقل می کند: «قبل از انقلاب، به اتفاق چهار نفر از دوستان در درس خصوصی آقا که در منزلشان تشکیل می شد، شرکت می کردیم. چون می دیدیم منزل ایشان فرش مناسبی نداشت، با کمک یکدیگر پولی را تهیه کرده و دو قالی نو خریده و به منزل آقا برده و به جای آن فرش های کهنه در اتاق ها پهن کردیم. وقتی ایشان برای درس وارد اتاق شدند و قالی ها را دیدند، ناراحت شده و فرمودند: زندگی من با این مسائل سازگار نیست. خوب بود راهنمایی می گرفتید، اگر خواستید چیزی بیاورید یک - دو گلیم بخرید. ما ناچار شدیم قالی ها را پس بدهیم و چهار زیلو به جای آنها تهیه کنیم که سال ها بعد تکه تکه های آنها را در اتاق ایشان می دیدم. ایشان فقط یک قالی در منزل داشتند که خود من آن را سی سال قبل به قیمت ۲۹۰۰ تومان خریده بودم و الان هم همان قالی در اتاق ایشان پهن است»^(۱).

آیت الله خامنه ای همیشه از مصرف وسایلی که جنبه ضروری نداشته و حالت تجملی آنها بیشتر به چشم می خورد، پرهیز می کرد، هرچند این وسایل در زندگی عمومی مردم به صورت عرف و عادت درآمده بود. یکی از بستگان ایشان می گوید: «قبل از انقلاب، یک نفر از ارادتمندان آقا یک لوستر معمولی به عنوان هدیه برای منزل ایشان خریده و آورده و در اتاق نصب کرده بود. وقتی حاج آقا وارد اتاق شده و چشمشان به آن لوستر افتاد، ناراحت شده و گفتند: تا این لوستر را باز نکنید و از خانه من بیرون

ص: ۱۶۱

۱- روزنامه کیهان، ۲۳/۳/۱۳۷۴، به نقل از: «ارغنون دل»، ویژه نامه روزنامه قدس، نوروز ۱۳۷۲، خاطره ای از احدیان، از بستگان مقام معظم رهبری.

آیت الله خامنه ای نه تنها خود در نهایت سادگی زندگی می کند و از تجملات می پرهیزد، بلکه خانواده ایشان هم به تاسی از معظم له و رعایت شأن ایشان و برخلاف بیشتر خانم ها، کمتر به زیورآلات و تجملات علاقه نشان می دهند؛ به گونه ای که یکی از بستگان مقام معظم رهبری که از سال ها قبل با ایشان رفت و آمد خانوادگی دارد، می گوید: «با آنکه آیت الله خامنه ای، روحانی برجسته ای در سطح مشهود بودند و داشتن طلا و زیورآلات برای خانم ها هم یک چیزی طبیعی است، هیچ گاه دیده نشد که خانم حاج آقا طلا و زیورآلاتی داشته باشند» (۲).

وارستگی و قناعت

وارستگی و قناعت

بی آلایشی و سادگی از افتخارهای زندگی آیت الله خامنه ای بوده و هست و آراستگی به زیور قناعت و سادگی و پیراسته بودن از رذایل طمع و حرص و تکبر، از برجسته ترین حالات روحی و رفتاری اوست؛ به گونه ای که هرگز غنا و دارایی موجب اسراف و تبذیر و تنگ دستی و ناداری سبب تملق و سرکوبی عزت نفس وی نیست. ایشان پیوسته خویشان را از آلودگی به جلوه های فریبنده دنیایی دور داشته و مناعت طبع و بزرگواری را سرلوحه زندگی خویش قرار داده است. برای نمونه، یکی از بستگان ایشان نقل می کند: «یک روز که آقا از زندان لشکر ۲۱ ترخیص و آزاد شدند، خدمت ایشان رفتم. وقتی سوار ماشین من شدند، دیدم به دلیل زخم معده ای که داشتند، اظهار ناراحتی می کند. برای اینکه چیزی بخورند و ناراحتی ایشان برطرف شود، برای

ص: ۱۶۲

۱- روزنامه کیهان، ۲۱/۳/۱۳۷۴، به نقل از: «ارغنون دل»، ویژه نامه قدس، نوروز ۱۳۷۲، خاطره ای از احدیان از بستگان مقام معظم رهبری.

۲- روزنامه کیهان، ۲۲/۳/۱۳۷۴.

ایشان یک کیلو موز خریده و خدمت ایشان بردم. یکی را جدا کرده، تقدیمشان کردم که میل کنند. آقا گفتند: موزها را کیلویی چند خریدی؟ تا گفتم دو تومان، گفتند: کیلویی دو تومان موز خریدی و آوردی که من بخورم! هر کاری کردم، با اینکه درد می کشیدند، نخوردند و گفتند: مگر همه مردم می توانند میوه به این گرانی بخرند و بخورند». (۱)

رعایت حق دیگران

رعایت حق دیگران

در برخورد با مردم و در زندگی روزانه بزرگواری و سادگی آیت الله خامنه ای به حدی است که حتی حاضر نمی شوند از وضعیت خود کوچک ترین سوءاستفاده ای کند. یکی از همسایگان ایشان در مشهد می گوید: «یک روز در صف نانوايي بودم. دیدم آقا هم آمده و در صف ایستادند. دو نفر با من فاصله داشتند. چون آقا تحت تعقیب نیروهای ساواک بود و موقع گرفتاری ایشان بود، خدمتشان عرض کردم: آقا! چند تا نان می خواهید تا برایتان بگیریم. به من گفتند: خیر، بین من و شما دو نفر دیگر هم هستند و حق این ها ضایع می شود، خودم می گیرم». (۲)

(ب) کیفیت زندگی بعد از ریاست جمهوری

اشاره

(ب) کیفیت زندگی بعد از ریاست جمهوری

وقتی صفاتی در فرد ملکه شود، تغییر شرایط و موقعیت نمی تواند خللی در آنها ایجاد کند. به همین دلیل، همان شیوه ها و اخلاق پسندیده قبل از ریاست جمهوری در زمان تصدی ریاست جمهوری هم بر رفتار فردی و خانوادگی آیت الله خامنه ای حاکم بود؛ به گونه ای که از نظر ساده زیستی، پرهیز از تجمل گرایی، زهد در خانه، وارستگی و قناعت و الگوی مصرف، نه تنها خللی در رفتار و منش ایشان مشاهده نشد، بلکه بر مراقبت در

ص: ۱۶۳

۱- روزنامه کیهان، ۲۴/۳/۱۳۷۴.

۲- روزنامه کیهان، ۲۳/۳/۱۳۷۴، به نقل از: «امید انقلاب»، ویژه نامه هفته بسیج، ۱/۹/۷۳.

توجه به اقتصاد خانواده

توجه به اقتصاد خانواده

آیت الله خامنه ای در زمان تصدی ریاست جمهوری اسلامی ایران، با وجود امکانات زیادی که در اختیار ایشان بود و خلاف توقع های ساده و شاید برحقى که درباره هزینه های مربوط به خانواده و فرزندانشان بود، بسیار مراقب بود هزینه های زندگی شخصى شان از میزان درآمد و حقوقى که داشت، بیشتر نشود. ایشان در این مسیر، همانند افراد جامعه با برنامه ریزی خاص و توجه به اولویت ها به نیازهای اهل خانه جواب می داد و اگر نیازی لازمه تحمل هزینه ای بالا-تر از درآمد ایشان بود، با قاطعیت، از آن هزینه جلوگیری می کرد. برای مثال، یکی از بستگان معظم له می گوید: «حدود سال ۶۵ (دوران ریاست جمهوری)، یک روز آقا فرمودند: بروید از میدان سید اسماعیل، یک دوچرخه دست دوم بچگانه برای بچه ها بخرید. وقتی به آنجا مراجعه کردم، هرچه گشتم دیدم قیمت دوچرخه های دست دوم ۵ هزار تومان به بالا است. از مشهد قیمت گرفتم، همان مقدار بود. از طرفی بچه های آقا مرتب به من می گفتند: آقای رجب زاده! دوچرخه کو؟ وقتی خدمت آقا رسیدم و سطح قیمت ها را خدمتشان گفتم، فرمودند: نه، با این قیمت ها لازم نیست برای بچه ها دوچرخه بخرید. در نتیجه، ما دوچرخه ای نخریدیم».^(۱)

سماور برقی در دوران جنگ

سماور برقی در دوران جنگ

«در دوران ریاست جمهوری آقا یک روز به من فرمودند که برای ایشان سماوری تهیه کنیم. به بازار رفتم و به زحمت یک سماور برقی

ص: ۱۶۴

۱- روزنامه کیهان، ۲۳/۳/۱۳۷۴، به نقل از: «ارغنون دل»، ویژه نامه روزنامه قدس، نوروز ۱۳۷۲، خاطره ای از آقای رجب زاده.

با قیمت تعاونی پیدا کردم. روز بعد حاج آقا گفتند: بروید و سماور را پس بدهید. خدمتشان گفتم: آقا من خیلی تلاش کرده ام تا توانسته ام سماوری برقی به نرخ تعاونی پیدا کنم. فرمودند: بروید یک سماور نفتی پیدا کنید. مصلحت نیست در این شرایط جنگی که برق جنبه حیاتی دارد، ما سماور برقی داشته باشیم».^(۱)

گوشت کوپنی

گوشت کوپنی

از جمله ویژگی های دیگری که آیت الله خامنه ای بعد از ریاست جمهوری بر آن تأکید می ورزید و اهل خانه را به رعایت آن مقید می کرد، این بود که دقیقاً سعی کنند الگوی مصرف خود را همان الگویی قرار دهند که بر اساس ارزاق عمومی و برنامه دولت اعلام می شود. یکی از بستگان ایشان نقل می کند: «یک روز که ناهار منزل آقا مهمان بودم، خورشت سبزی درست کرده بودند. گوشت این خورشت طعم خاصی داشت. فکر کردم خانمی که آشپزی کرده، نتوانسته خوب خورشت را درست کند. از او سؤال کردم: چرا این گوشت ها را این جور خراب طبخ کرده ای؟ گفت: این گوشت ها، گوشت سرد کوپنی است. در منزل آقا، برنج و گوشت کوپنی [است] و ما گوشت گرم مصرف نمی کنیم».^(۲)

زیلو، نه فرش

زیلو، نه فرش

حضرت آیت الله خامنه ای در هر حال تلاش دارد زندگی زاهدانه ای داشته باشد و پا را از حد ضرورت فراتر نهد. سردار شوشتری در خاطره ای چنین نقل می کند: «مقداری زیلو در خانه آقا بود. آنها را جمع کردیم و فروختیم و یک مقدار هم من پول از مال شخصی خودم روی آن پول ها گذاشتم تا بشود به جای آن زیلوه ها،

ص: ۱۶۵

۱- روزنامه کیهان، ۲۱/۳/۱۳۷۴، به نقل از: ویژه نامه روزنامه قدس خراسان، فروردین ۱۳۷۲، خاطره ای از آقای رجب زاده.

۲- روزنامه کیهان، ۲۳/۳/۱۳۷۴، به نقل از: «ارغنون دل»، ویژه نامه روزنامه قدس، نوروز ۱۳۷۲.

برای منزل آقا فرشی تهیه کنیم. وقتی زیلوها را عوض کرده و فرش ها را پهن کردیم، آقا تشریف آوردند و گفتند: اینها چیست آقا محسن؟ گفتم: فرش ها را عوض کردیم. فرمودند: اشتباه کردید که عوض کردید. بروید و همان فرش ها را بیاورید. اصرار را بی فایده دیدم و با هزار مکافات رفتم و آن فرش ها را پیدا کردم و توی خانه انداختم. آن فرش ها زیلوهایی بودند که واقعاً وقتی به آنها نگاه می کردی، می دیدی نخشان درآمده و ساییده شده بود» (۱).

نهایت صرفه جویی

نهایت صرفه جویی

حجت الاسلام قرائتی می گوید: «برای عقد دخترم به منزل شخصی ایشان رفتیم. قالی خانه آقا نخ نما شده بود... در زمان ریاست جمهوری به هنگام اقتدا به ایشان در نماز، معظم له لامپ های اضافی اتاق را خاموش کرد و تنها یک لامپ را روشن گذاشتند» (۲).

ج) کیفیت زندگی بعد از رهبری

اشاره

ج) کیفیت زندگی بعد از رهبری

انسان والا و وارسته همانند درختی می ماند که هرچه پرثمرتر می شود، متواضعانه تر از قبل به زندگی پربار خویش ادامه می دهد.

کیفیت زندگی معظم له بعد از رهبری، ساده زیستی و پرهیز از اسراف و تبذیر ایشان، زبانزد همه است، ولی آشنایان با زندگی خصوصی ایشان، گاه مطالبی را بیان می کنند که بر استحکام آن می افزاید:

ساده زیستی

ساده زیستی

حاج سید احمد خمینی رحمه الله که با زندگی داخلی آیت الله خامنه ای آشنا بود، می گوید: «بر خود واجب می دانم که این شهادت را بدهم که زندگی داخلی حضرت آیت الله خامنه ای بسیار ساده است. نه از باب اینکه رهبر

ص: ۱۶۶

۱- روزنامه کیهان، ۲۱/۳/۱۳۷۴، ش ۱۵۴، به نقل از: پاسدار اسلام.

۲- رهبری از نسل کوثر، ص ۱۲۳.

عزیز انقلابمان به این حرف ها نیازی داشته باشند، بلکه وظیفه خود می دانم تا این مهم را به مردم انقلابی ایران بگویم. من از داخل منزل ایشان مطلع هستم، در منزل ایشان بیش از یک نوع غذا بر سر سفره ندارند. خانواده ایشان روی موکت زندگی می کنند. روزی به منزل ایشان رفتم. یک فرش مندرس آنجا بود که از زبری آن به موکت پناه بردم» (۱).

پرهیز از تنوع گرایی در غذا

پرهیز از تنوع گرایی در غذا

یکی از بستگان مقام معظم رهبری می گوید: «یک روز ناهار در منزل آقا مهمان بودم. تا حاج آقا تشریف آورد و سر سفره نشستند، نگاهی به غذاها کرده و گفتند: امروز برنجمان با هر روز فرق کرده است. خانم گفت: حاج آقا عید بود و مهمان هم داریم. برنج کوپنی مان هم تمام شده، لذا مجبور شدیم برنج آزاد بخریم. تا خانم این را گفت، آقا خیلی برافروخته و ناراحت شده و گفتند: «شما بنا نبود در غذا تغییری بدهید. ما که از مهمانان رودربایستی نداریم. اگر برنج نبود، نمی خوریم» (۲).

زندگی کوپنی

زندگی کوپنی

«سر سفره آقا هیچ گاه بیش از یک خورشت نیست. طبع منزل آقا این است که غذای مهمانی های خصوصی و شخصی شان را از داخل منزل می آورند. بعضی وقت ها که مهمان ایشان بوده ایم، دیده ایم که روی سفره یک غذا مثل عدس پلو یا ماش پلو یا خورشت سبزی، آن هم کم گوشت، بیشتر نیست. مسئله کوپن در زندگی آقا هیچ وقت حذف نشده است. مصرف شخصی زندگی ایشان مثل همه مردم بر مبنای استفاده از کوپن است» (۳).

ص: ۱۶۷

۱- رسانه، ش ۱۶/۱۲/۱۳۷۳، حجت الاسلام و المسلمین سید احمد خمینی رحمه الله .

۲- روزنامه کیهان، به نقل از: یکی از بستگان مقام معظم رهبری.

۳- روزنامه کیهان، ۱۷/۳/۷۴ به نقل از: امید انقلاب، ویژه نامه هفته بسیج، ۱/۹/۱۳۷۳.

سردار رحیم صفوی می گوید: «یک روز که در منزل مقام معظم رهبری در خدمت ایشان بودم، بحث قدری به طول انجامید و نزدیک مغرب شد. پس از نماز، ایشان با مهربانی خاصی به من فرمودند: آقا رحیم! شام را مهمان ما باشید. بنده درعین حال که این را توفیقی می دانستم، خدمتشان عرض کردم، اسباب زحمت می شود. فرمودند: نه، بمانید، هرچه هست با هم می خوریم. بعد که سفره پهن شد و شام آوردند، دیدم غذای شب ایشان و خانواده ایشان چیزی جز یک املت ساده نیست که برای ما هم که مهمان بودیم، مقداری از همان غذای ساده را آوردند»^(۱).

اسراف در آب و برق حرام است

اسراف در آب و برق حرام است

یکی از بستگان معظم له می گوید: «آقا هرگونه استفاده ناصحیح و نامربوط از آب و برق را جداً حرام می دانند. خود ایشان در منزلشان کمترین استفاده را از آب لوله کشی شهری دارند و هیچ کس جرئت ندارد که ماشینش را با آب لوله کشی تهران شست و شو کند؛ چون همه از حساسیت آقا نسبت به این امر مطلع هستند که اگر مطلبی به گوش آقا در این باره برسد، به شدت برخورد می کنند. ایشان وقتی می خواهند نماز بخوانند، اگر نور احتیاج نباشد و برق اضافه بخواهد استفاده شود، به کسی اشاره نمی کنند. خودشان می روند و چراغ اضافی را خاموش می کنند و بعد به نماز می ایستند»^(۲).

وسایل کهنه زندگی

وسایل کهنه زندگی

«سال ۶۸ در جریان انتقال وسایل منزل آقا به منزل فعلی که پس از تصدی

ص: ۱۶۸

۱- روزنامه کیهان، ۱۷/۳/۷۴ به نقل از: امید انقلاب، ویژه نامه هفته بسیج، ۱/۹/۱۳۷۳.

۲- امید انقلاب، ویژه نامه بسیج، ۱/۹/۱۳۷۳.

مقام والای ولایت و رهبری انقلاب صورت گرفت، چیز عجیبی که ذهن ما را به خود متوجه کرد، این بود که هیچ وسیله ای در این خانه نبود. یخچال، لباس شویی مال حدود ۱۵ تا ۲۰ سال پیش بودند و فرش های نسبتاً کهنه ای که معلوم بود از جهیزیه خانم ایشان هستند. حقیقتاً می توانم ادعا کنم که کمتر اثاثیه نویی در جابه جایی وسایل ایشان دیده می شد». (۱)

زندگی باورنکردنی

زندگی باورنکردنی

از حجت الاسلام حسینی نقل شده است: «وقتی برای برنامه «اخلاق در خانواده» ما خدمت مقام معظم رهبری رفتیم تا اجازه بفرمایند از داخل منزل ایشان و وضعیت زندگی شان فیلم برداری کنند تا مردم ببینند وضعیت زندگی رهبرشان چگونه است، حضرت آقا فرمودند: اگر شما بخواهید زندگی مرا نشان بدهید، می ترسم خیلی ها باور نکنند؛ چون واقعاً آقا از نظر لوازم و ظواهر زندگی از کمترین امکانات بهره مند هستند».

ساده زیستی کامل

ساده زیستی کامل

حجت الاسلام والمسلمین سید احمد خمینی رحمه الله می گفت: «من وقتی به منزل مقام معظم رهبری می روم می بینم که ایشان یک فرش مرتبی ندارند. این نمونه ای از زهد و بی میلی و بی رغبتی آقا به دنیا است که در پایین ترین سطح و با کمترین امکانات هم تراز با مستضعفین جامعه زندگی می کنند. ایشان از ائمه اطهار علیه السلام الگو گرفته اند؛ چون آنها هم ساده زیست و زاهد بوده اند». (۲)

درمان فرزند همانند دیگر مردم

درمان فرزند همانند دیگر مردم

آیت الله مصباح یزدی درباره ویژگی های رفتاری معظم له می گوید: «ما به

ص: ۱۶۹

۱- روزنامه کیهان، ۱۷/۳/۷۴ به نقل از: «امید انقلاب»، ویژه نامه هفته بسیج، ۱/۹/۱۳۷۳.

۲- خورشید در جبهه، تیپ مستقل ۸۳، امام جعفر صادق علیه السلام، خاطره ای از سردار نبی الله رودکی، ص ۱۵۱.

منزل ایشان زیاد رفته ایم و غذا خورده ایم. تا به حال ندیده ایم که بر سفره مهمانی ایشان بیش از یک نوع خورش گذاشته شود. من شنیده ام که اکنون هم که در زمان رهبریت ایشان می باشد، گاهی خانواده ایشان شخصاً بچه شان را به درمانگاه می برند و بدون اینکه خود را معرفی کنند، مثل سایر مردم رفتار می کنند».

ناگفته های زندگی خصوصی آیت الله خامنه ای در مصاحبه با آقای مروی

ناگفته های زندگی خصوصی آیت الله خامنه ای در مصاحبه با آقای مروی

با توجه به آشنایی تان با مقام معظم رهبری از سال های قبل از انقلاب، قاعدتاً از دوران ریاست جمهوری ایشان هم اطلاع دارید. الان هم که از نزدیک شاهد قضیه هستید. در زندگی شخصی ایشان، از نظر سادگی و میزان برخورداری از امکانات مادی و امثال این مسائل، چه تغییراتی را می بینید؟ آیا واقعاً تغییری در زمان رهبری ایجاد شده است یا نه؟

«در مورد زندگی ایشان باید بگویم که ایشان در مشهد، منزلی در خیابان خسروی نو داشتند؛ محله ای که متوسطین مشهد از مذهبی ها، آنجا می نشستند. ایشان هم یک خانه حدود صد و هشتاد متر داشتند، همین قدرها بیشتر نبود. عمده، بعد از انقلاب است که فضاهایی برای ایشان باز شد، شرایطی باز شد و ما می بینیم که زندگی ایشان هیچ تغییری از نظر کیفیت، نسبت به قبل از انقلاب، نداشته است. یکی - دو خاطره را که خود ایشان نقل فرمودند، من عرض می کنم.

یک وقت گزارشی را خدمتشان بردم راجع به یکی از روحانیونی که آن موقع قاضی شده بود. خانه ای خریده بود و مقداری کمک و مساعدت هم برای آن خانه می خواست. گزارش را خدمت ایشان دادم. با اینکه خیلی خانه گران قیمتی هم نسبت به شرایط آن روز نبود، ایشان فرمودند که چه ضرورتی دارد یک طلبه، خانه ای مثلاً بیست میلیون تومانی بخرد. این قضیه مال مثلاً دوازده - سیزده سال قبل است. با اینکه بیست میلیون

تومان آن موقع هم خیلی زیاد نبود و خانه هم آن چنانی نبود. بعد فرمودند: ما داریم یک طبقه جدید از مترفین به وجود می آوریم.

این را با یک نگرانی اظهار کردند و فرمودند: من نگرانم که بر اثر انقلاب و امکانات و موقعیت هایی که هست و می شود به یک جاهایی دست اندازی کرد، یک طبقه جدید از مترفین را ما روحانیون به وجود بیاوریم. من نگران این هستم. بعد فرمودند: خانواده ما گاهی می روند منزل بعضی از آقایان و می آیند تعریف می کنند که مثلاً دورتادور اتاق، پشتی قالیچه ای بود که ایشان فرمودند: من تعجب می کنم! چه ضرورتی دارد حالا- دورتادور اتاق ما پشتی قالیچه ای باشد؟ نمی شود یک پشتی معمولی باشد؟ حتماً باید قالیچه ای باشد؟ گران قیمت باشد؟ یک پشتی باشد که به دیوار تکیه ندهند؛ با یک پارچه معمولی هم می شود این را تأمین کرد و کنار اتاق گذاشت. چه ضرورتی دارد مخصوصاً ما روحانیون، زندگی ها، خانه ها و وضعیتمان این جوری باشد؟ بعد فرمودند: در خانه، ما یک فرش دست بافت بیشتر نداریم، این هم جزو جهیزیه خانم بوده است که الان هم دیگر نخ نما شده است، ولی چون یادگاری است، این را در خانه نگه داشتیم، و الا- همه خانه ما موکت هست و اصلاً فرش دست بافت نداریم. حتی فرش ماشینی هم در خانه ما نیست و کلاً خانه ما با موکت فرش شده است.

بعد این را هم خودشان فرمودند که من برای اینکه بیشتر در داخل خانه حضور داشته و کنار بچه ها باشم، چون قبل از انقلاب که همه اش مبارزه و زندان و تبعید و اینها بود و ما نبودیم که بچه ها خیلی خلأ نبود پدر را احساس نکنند، فرمودند: من به دفتر گفتم که یک مبل دو نفره، نه یک سرویس برای ما تهیه کنند که وقتی داخل خانه و زندگی شخصی می روم، روی مبل باشم که کمر و پایم درد می گیرد، راحت باشم، ضمناً

بتوانم در آن فرصت به کارها هم برسیم، نامه ها و گزارش ها را مطالعه کنم. در ضمن در خانه حضور داشته باشم تا بچه ها وجود پدر را احساس کنند.

بعد فرمودند: یک روز آمدم، دیدم این مبل را که آورده اند، خانواده ما آن را بیرون گذاشته اند. به ایشان گفتم که چرا بیرون گذاشتید؟ خانواده گفتند که آقا! تا حالا در خانه ما مبل نبوده، تا الان زندگی ما طلبگی بوده، الان هم مبل در خانه نیاورید. حضرت آقا فرمودند: گفتم این را از پول شخصی ام تهیه کردند، نه از پول دفتر که حضورم در خانه، بیشتر باشد. گفتند: خیلی خوب، حالا اگر این باعث می شود شما حضورتان در خانه بیشتر باشد، بچه ها بیشتر پدر را احساس بکنند، ما این مبل دو نفره را تحمل می کنیم.

بعد من سؤالی از دوستان دفتر کردم. گفتند: این یک مبل دست دومی بود، این را تهیه کردیم، دادیم تعمیرش کردند، پارچه ای روی آن کشیدند و برای آقا آوردیم. این خاطره ای بود که خود آقا تعریف کردند.

یک خاطره دیگر، همین ایام ماه مبارک بود. برای قضیه استهلال ما در دفتر مانده بودیم. شب با یکی از دوستان دفتر به نماز حضرت آقا رفتیم. بعد از نماز، آقا فرمودند: چطور شما این موقع - موقع افطار - در دفتر هستید؟ گفتیم: برای استهلال مانده ایم. فرمودند: خیلی خوب، افطار را برویم منزل ما. ما هم دلمان می خواست که برای افطار منزل آقا برویم، ولی تعارف هم می کردیم. گفتیم: نه آقا، در دفتر غذا تهیه کرده اند. فرمودند: نه، بیاید برویم. ما هم رفتیم. این آقای حاج ناصر که پذیرایی می کند، مقداری نان و پنیر و سبزی و حلوا آورد. ما مقداری نان و پنیر، یک مقدار هم حلوا خوردیم، ولی منتظر بودیم که غذا را بیاورند. بالاخره افطار است و با غذایی باید ادامه پیدا کند. چون ما کنار آقا نشسته بودیم، ایشان چشمشان توی چشم ما نمی افتاد، مقداری آزادتر بودیم. این آقای

حاج ناصر که می آمد، من یک جوری علامت دادم که چیزی ادامه دارد یا نه، که اگر ادامه ندارد، ما همین را بخوریم و گرسنه نباشیم. اگر ادامه دارد، خوب خودمان را به اینها سیر نکنیم. علامتی دادم. ایشان گفت: نه، ادامه ندارد. ما همان نان و حلوا و همان نان و پنیر را خوردیم، ولی اگر دفتر می آمدیم، قطعاً غذایی که در دفتر درست کرده بودند، برای همین پرسنلی که شیفت کاری داشتند، چرب تر از غذای حضرت آقا بود.

بعد که افطار کردیم و حضرت آقا تشریف بردند داخل، ما به آقای حاج ناصر عرض کردیم که این چه افطاری بود؟ اگر ما دفتر بودیم، یک غذای حسابی به ما می دادند. ایشان گفت که خانواده حضرت آقا مشهد مشرف شده اند و قبل از رفتن یک قابلمه بزرگ از این حلواها درست کرده اند. به اندازه این سه چهار شب، افطارمان هر شب حلواست و با حضرت آقا نان و پنیر و حلوا می خوریم. گفتم: سحر چه کار می کنید؟ ایشان گفت: برای سحر هم آب گوشت درست می کنیم و به اندازه یک پیاله برای حضرت آقا آب گوشت می دهیم و بقیه اش را هم خودمان می خوریم.

این برنامه غذایی آقا بود. از این نمونه ها تقریباً فراوان است که واقعاً زندگی آقا، یک زندگی کاملاً زاهدانه است. یعنی من می توانم به جرئت عرض بکنم که زندگی ایشان از نظر کیفیت، هیچ فرقی با قبل از انقلاب نکرده است.

البته تعداد اولاد بیشتر شده اند، عروس، داماد و نوه و یک مقدار فضای بیشتری لازم است، اما کیفیت زندگی هیچ فرقی نکرده است. همان زندگی، همان خانه، همان امکاناتی که ایشان در دوره قبل از انقلاب در مشهد داشتند، ما شاهدیم الان همان وضعیت هست».

«همین چندی قبل، یکی از دوستان دفتر گفتند: حضرت آقا مبلغ زیادی را دادند و فرمودند: این را جزو پول های دفتر قرار بدهید. از پول شخصی خودم هست. جزو پول های دفتر بگذارید. برای استفاده هایی که ما از امکانات می کنیم، گاهی تلفنی و گاهی از امکانات بیت المال که استفاده می کنیم .

نوفاً پذیرایی آقا دیگر همه جا معروف است، يك رقم غذا، يك رقم خورش. آقازاده های ایشان مراسم عروسی كه داشتند، ما هم دعوت بوديم . در همین دفتر، چند نفری را دعوت كردند، بستگانشان و چند نفر هم از همین دفتری ها . مراسم ایشان، هیچ کدام در تالار و مفصل نبوده است. در همین دو سه تا اتاق های دفتر بوده است. یادم هست یکی از همین جلسات مهمانی همیشه اش همین جوری بوده، این سه چهار تا عروسی هایی كه داشتند، ما شركت كردیم میوه، همان میوه فصل، آن هم دو رقم. مثلاً سیب و خیار. آن هم نه اینکه دیس بچینند، بلکه توی بشقاب، يك خیار و يك دانه سیب. با یکی از دوستان دفتر بودیم، گفت: این مجلس ختم های تهران، بیشتر از مجلس عروسی پسران حضرت آقا پذیرایی می کنند. آنها باز يك شیرینی، چیزی هم می آورند. حلوا هم می آورند. می برند دور می گردانند. باز دو سه رقم میوه می گذارند. اینجا حلوا هم نیست، شیرینی هم كه همین يك شیرینی دانمارکی و يك سیب، يك خیار. بیشتر هم نمی شود خورد!

هیچ وقت من ندیدم سر سفره ایشان، چه جلسات عمومی، چه مهمانی های خصوصی، حتی دو نفر، سه نفر، من ندیدم كه دو رقم خورش سر سفره ایشان باشد. شب ها كه حضری است. مهمان داشته باشند، نداشته باشند. يك شب یادم هست خدمت حضرت آقا بودیم. سفره

انداخته بودند، آقای هاشمی شاهرودی، رئیس قوه قضائیه هم مهمان آقا بودند. نان و پنیر و سبزی، یک مختصر هم سوپ خیلی رقیق، فقط همین. برنامه شبشان یک غذای خیلی سبک و خیلی ساده است.

خلاصه، در مهمانی های ایشان توفیقی پیدا کردیم، هم سفره با ایشان بودیم و سعادت داشتیم، چه جلسات عمومی در حسینیه یا در منزل ایشان یا جای دیگر، یک رقم غذا، یک رقم خورش. من واقعاً تا حالا دو رقم ندیده ام و ایشان مقیدند به این جور قضایا».

۳. ساده زیستی و قناعت در سیره دیگر علما

اشاره

۳. ساده زیستی و قناعت در سیره دیگر علما (۱)

زیر فصل ها

آیت الله العظمی بروجردی

آیت الله شیخ عبدالکریم حائری

آخوند خراسانی

صاحب جواهر

آیت الله اشرفی اصفهانی

آیت الله محمدحسن مامقانی

آیت الله العظمی بروجردی

آیت الله العظمی بروجردی

«آیت الله بروجردی در تمام عمر خود با توجه به اینکه از خانواده متمکنی بود، زندگی ساده ای داشت. یکی از عالمان در حضور فرزندان ایشان می گفت: روزی خدمت ایشان رسیدم، دیدم مشغول صرف نهار هست و نان و آب دوغ خیار میل می کند. عرض کردم: شما در این سن و با این همه کار، چرا غذای بهتر میل نمی کنید؟ فرمود: هشتاد سال است من این طور سر کرده ام. حالا شما می خواهید مرا عوض کنید؟ فرزندان آیت الله با تأیید این مطلب فرمودند: ایشان اصولاً چنین بود و هرگز توجهی به دنیا نداشتند و ما نمی توانستیم در وضع ایشان تغییری بدهیم» (۲).

آیت الله شیخ عبدالکریم حائری

آیت الله شیخ عبدالکریم حائری

«یک روز یکی از بزرگان، عبای ظریف و پرقیمتی را به رسم یادبود و هدیه برای یکی از فرزندان ایشان فرستاد. حاج شیخ به فرزند خود گفت: پسر! این عبا برای تو زیاد است؛ برای اینکه بعضی از طلاب، اصلاً عبا

ص: ۱۷۵

-۱

-۲- علی دوانی، زندگانی آیت الله بروجردی، ص ۱۷۷. (با اندکی تغییر و تصرف).

ندارند. به همین دلیل، آن را فروخت و با پول آن چند دست عباى متوسط خرید. یکی را به فرزند خود و بقیه را به طلاب مستحق داد. گفتنی است هنگامی که مرحوم حاج شیخ عبدالکریم درگذشت، قیمت همه اثاثیه اش به ۱۵۰۰ تومان نمی رسید، بلکه مبالغی نیز بدهکار بود». (۱)

آخوند خراسانی

آخوند خراسانی

«آیت الله آخوند خراسانی، از رهبران بزرگ انقلاب مشروطه بود. در روزگاری که او با سه فرزند و سه عروسش در خانه ای بسیار کوچک و هرکدام در یک اتاق زندگی می کردند، یک روز فرزند ارشدش، مهدی نزد پدر آمد و از تنگی جا شکایت کرد. آخوند خراسانی به سخنانش گوش فراداد و گفت: اگر قرار باشد منزل های این شهر را میان مستحقان قسمت کنند، به ما بیش از این نمی رسد». (۲)

صاحب جواهر

صاحب جواهر

یکی از علمای بزرگ و وارسته تبریز، درباره محمدحسن، صاحب جواهر چنین نقل می کند: «من از برخوردی که در دوران طلبگی صاحب جواهر با وی داشتم، او را می شناسم. روزی می خواستم مبلغی را میان طلاب تقسیم کنم. وقتی بررسی و حساب کردم، دیدم به هر طلبه یک تومان می رسد. شروع به تقسیم کردم. وقتی به محمدحسن رسیدم، به او گفتم: این یک تومان سهم شماست. گفت: نه نمی گیرم. گفتم: چرا؟ گفت: چون من امروز بیش از دو ریال احتیاج ندارم و برای روزهای آینده چیزی نمی گیرم. از کجا که من زنده باشم و آن را مصرف کنم. پس دو ریال را برداشت و بقیه را داد». (۳)

آیت الله اشرفی اصفهانی

آیت الله اشرفی اصفهانی

شهید محراب، آیت الله اشرفی اصفهانی می فرماید: «بنده تا وقتی درس خارج

ص: ۱۷۶

۱- اولیا شعبانی، معیار فضیلت (ویژه وفات آیت الله شیخ عبدالکریم حائری)، صص ۵۴ و ۵۵.

۲- رضا مختاری، سیمای فرزندانگان، صص ۴۶۲ و ۴۶۳.

۳- سید نعمت الله حسینی، مردان علم در میدان عمل، ج ۳، ص ۱۷۹. (با اندکی تغییر).

می رفتم، یک کتاب ملکی نداشتم. حتی مکاسب که می خواستم بخوانم، از یک کتاب وقفی استفاده می کردم و در هفته یک مرتبه چای می خوردم».(۱)

آیت الله محمدحسن مامقانی

آیت الله محمدحسن مامقانی

«روزی یکی از ثروتمندان به او مالی هدیه داد و گفت: برای سکونت خویش با این پول ها خانه ای بخرید. وی آن را میان طلاب و نیازمندان تقسیم کرد و درهمی را برای خود برنداشت. وقتی که این خبر به صاحب مال رسید، آمد و گفت: من این پول ها را دادم تا خانه ای برای خود تهیه کنید. مرحوم مامقانی فرمود: من هم برای خودم بهترین خانه ها را در بهشت خریدم».(۲)

ص: ۱۷۷

۱- سید نعمت الله حسینی، مردان علم در میدان عمل، ج ۳، ص ۱۱۴.

۲- سید نعمت الله حسینی، مردان علم در میدان عمل، ج ۷، ص ۱۸۰.

مصرف کالاها و استفاده از خدمات گوناگون برای برآوردن نیازهای انسان، در تعیین نوع، میزان و شکل تولید و توزیع جامعه نقشی مهم دارد و از طرف دیگر، خود تحت تأثیر نوع و میزان تولید است. بنابراین، الگوی مصرف هر جامعه، یکی از متغیرهای مهم و حساس در اقتصاد آن جامعه محسوب می شود؛ زیرا معمولاً هدف از تولید کالاها و عرضه خدمات، استفاده از آنها است. در این میان آنچه مورد بحث اقتصاددانان قرار می گیرد، تبیین رفتار مصرفی افراد جامعه و کشف قواعد حاکم بر انتخاب ها و ترجیحات افراد است.

از جهت دیگر، افراد هر جامعه بر اساس عقاید و ارزش های حاکم بر آن، نوع و میزان مصرف خود را تعیین می کنند؛ مثلاً نظام سرمایه داری، مصرف هرچه بیشتر را عاملی در جهت رشد اقتصاد می داند. از این رو، تنوع و کمیت هرچه بیشتر در مصرف را مورد تشویق قرار می دهد و برای آن حد و مرزی قائل نیست، ولی در جوامع سوسیالیستی چنین آزادی ای وجود ندارد و نوع و میزان مصرف سرانه، بر اساس اهدافی معین، از سوی کمیته برنامه ریزی تعیین می شود. وجه اشتراک این دو نظام در آن است که هدف از مصرف را رفع نیازهای مادی و کسب رفاه هرچه بیشتر می دانند.

پرسش اساسی این است که چرا جامعه به مصرف گرایی گرایش دارد؟ چرا مصرف گرایی برای برخی، نوعی افتخار محسوب می شود؟ آیا میان مصرف گرایی و توسعه نیافتگی اقتصادی رابطه ای وجود دارد؟ چگونه می توان گرایش به مصرف گرایی را در سطح جامعه کاهش داد؟ چگونه

می توان مردم را در مسیر درست مصرف کردن هدایت کرد؟ چه موانعی معضل مصرف گرایی را تشدید می کند؟

هنگامی که زیربنای مناسب تولید و درآمدی وجود نداشته باشد و درعین حال بر مصرف تأکید شود، آسیب های متعددی در جامعه به وجود می آید. با رونق اقتصادی و بالارفتن قدرت خرید مردم، مصرف گرایی رواج می یابد، ولی عوامل فرهنگی در تعیین حدود آن بسیار مؤثرند. از جمله عوامل مهم در کنترل مصرف، تشویق مردم به پس انداز و سرمایه گذاری، معرفی الگوهای صحیح مصرف، و ایجاد زمینه مناسب جهت فعالیت اقتصادی است.

در جامعه ایران پس از انقلاب اسلامی، با وجود ماهیت و جهت گیری معنوی انقلاب اسلامی، به علل مختلف پس از پایان جنگ تحمیلی، ارزش های مادی رواج یافت و ارزش های معنوی را تحت الشعاع خود قرار داد.

رفتاری که در جامعه با الگوگیری برخی مدیران و مسئولان در رقابت دنیوی آغاز شد و برخی مسئولان نیز با بیان اینکه باید امنیت شغلی مدیران شایسته را به دلیل حرکت در مسیر توسعه تأمین کرد، در مقابل برخی ریخت و پاش هایی که زمینه الگوسازی غلط را در جامعه گسترش می داد، سکوت کردند. این رفتار در مسیر توسعه اسلامی طراحی نشده بود؛ زیرا صاحبان صنایع در کشورهای صنعتی، انسان را به عنوان یک ماشین مصرف کننده در نظر می گیرند تا از این رهگذر به اهداف اقتصادی - که همان افزایش مداوم سود است - دست یابند. بنابراین، مصرف گرایی، ضامن چیزی جز نیازهای کاذبی نیست که در خدمت صنایع و کشورهای صنعتی قرار می گیرد.

انسان از نظر روانی، آمادگی پذیرش راحت طلبی، تجمل پرستی و حتی متمایز کردن خود از افراد دیگر را دارد تا به این وسیله بین خود و دیگر

گروه های جامعه شکاف به وجود آورد و از این شکاف برای تثبیت وضعیت اجتماعی خود استفاده کند. از آنجا که مصرف گرایی، برداشت بیش از اندازه هر فرد از منابع نادر و کمیاب خانواده است، فشارهای متعددی بر خانواده وارد خواهد شد.

مصرف گرایی، سدّی در مقابل توسعه است؛ زیرا مانع سرمایه گذاری برای طرح و اجرای زیرساخت های توسعه می شود. هر اندازه در جامعه تبلیغات ناسالم در سطح بالا و سطح فرهنگ عمومی در حد پایین باشد، به همان اندازه، امکان پذیرش روحیه راحت طلبی و تجمل پرستی بیشتر است. انسان هایی که اعتماد به نفس کمتری دارند و کمتر در مورد نقششان در جامعه تفکر می کنند، آسان تر، روحیه مصرف گرایی در جامعه را می پذیرند.

اگر بتوانیم آگاهی و سطح فرهنگ عام را افزایش دهیم، می توانیم هم بهره وری تولید را افزایش دهیم و هم از مصرف گرایی جلوگیری کنیم. به این ترتیب از اتلاف منابع جلوگیری می شود و منابع به حد وفور برای گسترش ظرفیت های تولیدی در اختیار همه خواهد بود.

همان طور که بیان شد، مصرف گرایی سبب شکاف بین طبقات مختلف مردم است. این شکاف طبقاتی که دقیقاً در مقابل بحث عدالت خواهی قرار دارد، به افزایش تمایز اجتماعی می انجامد و افزایش نفوذ فرهنگ بیگانگان را به همراه خواهد داشت. در این میان، هر اندازه توزیع ثروت و درآمد در جامعه نامتوازن باشد، روحیه مصرف گرایی رواج و گسترش سریع تری خواهد داشت. به علاوه، منبع کسب درآمد، عامل اساسی برای روحیه مصرف گرایی خواهد بود. به این صورت، درآمدهای کلان که از طریق کسب رانت های مختلف حاصل شده باشد، به خاطر اینکه از طریق تولید حاصل نمی شود، روحیه مصرف گرایی را نیز سریع تر رواج می دهد.

بنابراین، هرگاه دگرگونی های اقتصادی، حقوقی و اجتماعی، کمتر باشد، امکان ایجاد این رانت کمتر است و در نتیجه، کسب ثروت های بی حساب و بادآورده، مشکل تر می شود و در نهایت، از تجمل گرایی کاسته خواهد شد.

می دانیم که تکنولوژی جدید، نیازهای جدید خلق کرده است. نظام لیبرال سرمایه داری بدون مصرف گرایی قادر به ادامه حیات نخواهد بود. از این رو، جست و جوی بازارهای مصرف در کشورهای دیگر را در دستور کار قرار داده است و دقیقاً این مسئله در دوران بحران اقتصادی غرب بیش از گذشته در دستور کار قرار خواهد گرفت.

متأسفانه در شرایط فعلی، بخش عمده ای از وابستگی کشور به واردات در نتیجه اسراف و مصرف گرایی است و این، خود، دلیلی بر ضرورت اصلاح الگوی مصرف در کشور و سامان دهی تئوری های دانشگاهی و اقتصاد کشور است. در غیر این صورت، با مصرف لجام گسیخته روبه رو خواهیم شد.

در شرایطی که کشور با مشکل بیکاری روبه رو است، تبلیغ کالاهای لوکس - که همگی وارداتی هستند و آسیب فراوانی بر پیکر تولید کشور وارد می کند. - مصداق برجسته مصرف گرایی و اسراف است.

نیاز به مصرف بیشتر و تغییر نوع زندگی مردم به سمت مصرف گرایی، اقتصاد ما را بیش از پیش وابسته می کند. با توجه به تحریم ها علیه جمهوری اسلامی ایران، این امر (واردات بی رویه کالا- به داخل) می تواند ضربه پذیری اقتصاد ایران را دوچندان کند؛ زیرا وقتی کالاهای مصرفی به ما فروخته نشود، چون جامعه به مصرف آن عادت دارد، اقتصاد دچار از

هم گسیختگی می شود. درحالی که اگر واردات بر اساس پیش بینی ها انجام شود، این ضربه پذیری اتفاق نخواهد افتاد.

امروز استراتژی دشمنان در استفاده از حربه تحریم، تکیه بر چگونگی مصرف در کشور است. آنها با مطالعه و بررسی بیشترین اقلام مصرفی تلاش می کنند ایران را در بخش هایی که بیشتر مصرف می کند، در تنگنا قرار دهند.

مصرف گرایی، در ساختار اجتماعی ریشه دارد و نمی توان صرفاً یکی از نهادهای اجتماعی نظیر خانواده، سیاست، اقتصاد یا فرهنگ را مسئول چنین وضعیتی تلقی کرد. بنابراین، اگر خانواده در ابداع الگوی مصرف جمع در جامعه باز می ماند، به معنی آن است که نظام تولیدی مناسبی وجود ندارد که خانواده بتواند متناسب با آن، به جامعه پذیری نقش های مصرفی بین اعضای خود پردازد.

از طرفی، اگر پدران و مادران در نسل گذشته نسبت به فراگیری الگوهای مصرف، توفیقی نداشتند، چگونه می توان انتظار داشت که بتوانند نسل آینده را از این فرآیند آگاه کنند و به شکل منطقی، زمینه اصلاح الگوهای مصرف را فراهم آورند.

بنابراین، نقطه عزیمت در اصلاح رفتارهای مصرفی، هیچ یک از نهادها به طور مستقل نیستند، بلکه نتیجه همگامی ساختار و کارکردهای اجتماعی است که به شرط تمایل به سمت عقلانیت، خواهند توانست گرهی از معضل مصرف گرایی باز کنند.

در این میان، نباید نقش عوامل فرهنگی را نادیده گرفت؛ زیرا اگر ارزش های والای معنوی در سطح جامعه کم رنگ شود و دنیاطلبی و رسیدن به رفاه و لذات مادی به صورت یک ارزش درآید و

چشم و هم چشمی ها برای بالا بردن سطح کمی و کیفی افزایش یابد، روند مصرف گرایی و رفاه زدگی در جامعه تشدید می شود و عدالت اقتصادی و اجتماعی را تحت الشعاع قرار می دهد. رهبر معظم انقلاب اسلامی در پیام نوروزی سال ۱۳۸۸، به خوبی از این گرایش پرده برداشت و همگان را به بهبود و اصلاح وضع موجود فرا خواند:

ما در زمینه مصرف، در زمینه هزینه کردن منابع مالی کشور که به وسیله خود ما و به وسیله همه برادران هم میهن ما و به وسیله مسئولین کشور با زحمت زیاد به وجود می آید، دچار نوعی بی توجهی هستیم که بایستی این را تبدیل کنیم به یک توجه و اهتمام خاص، ما دچار اسراف هستیم، ما دچار ولخرجی و ولنگاری در مصرف هستیم؛ این را من در اول سال، ان شاءالله در سخنرانی، با جزئیات آن برای مردم عزیزمان توضیح خواهم داد، اما امروز فقط اجمالاً عرض می کنم؛ بسیاری از منابع کشور، شاید بشود گفت بخش مهمی از منابع کشور در همه زمینه ها - چه در زمینه مسائل شخصی و چه تا حدودی در زمینه های عمومی - صرف اسراف ها و زیاده روی های ما در مصرف می شود. ما بایستی مصرف کردن را مدبرانه و عاقلانه مدیریت کنیم. مصرف نه فقط از نظر اسلام، بلکه از نظر همه عقلای عالم، چیزی است که باید تحت کنترل عقل قرار بگیرد. با هوا و هوس، با خواهش دل و آنچه که نفس انسان از انسان مطالبه می کند، نمی شود مصرف را مدیریت کرد. کار به جایی می رسد که منابع کشور به هدر می رود، شکاف بین فقرا و اغنیا زیاد می شود، عده ای در حسرت اولیات زندگی می مانند و عده ای با ولخرجی و ولنگاری در مصرف، منابع را هرز و به هدر می دهند.

ما بایستی الگوی مصرف را اصلاح کنیم. ما بایستی به سمت اصلاح الگوی مصرف حرکت کنیم. مسئولین کشور در درجه اول - چه قوه مقننه، چه قوه مجریه و چه مسئولین کشور، قوه قضاییه و غیر آنها - و

اشخاص و شخصیت‌ها در رتبه‌های مختلف اجتماعی و آحاد مردم ما از فقیر و غنی، بایستی به این اصل توجه کنند که باید الگوی مصرف را اصلاح کنند. این جور مصرف کردن در همه زمینه‌ها - در امور ضروری زندگی، در زیاده‌های زندگی - مصرف کردن بی‌رویه و بدون منطق و بدون تدبیر عقلانی، به ضرر کشور و به ضرر آحاد و اشخاص ما است. من از عموم مردم و به خصوص از مسئولین درخواست می‌کنم، خواهش می‌کنم که در این زمینه فعالیت خودشان را در این سال زیاد کنند، افزایش بدهند و برای اصلاح الگوی مصرف برنامه ریزی کنند.

لذا من این سال را سال «حرکت مردم و مسئولین به سوی اصلاح الگوی مصرف» می‌دانم و امیدوارم که این عنوان - که اصلاح الگوی مصرف است - برای همه ما دستورالعمل باشد و همه ما بتوانیم بر طبق این شعار مهم و حیاتی و اساسی برای کشور عمل کنیم و از منابع کشورمان به بهترین وجهی استفاده نماییم.^(۱)

ص: ۱۸۵

۱- پیام نوروزی رهبری، در سال ۱۳۸۸.

الف) کتاب ها

۱. ابن ابی جمهور، عوالی اللئالی، به کوشش: سید مرعشی، قم، مطبعه سیدالشهدا، ۱۴۰۳ هـ - ق.
۲. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، تحقیق: محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت، دار احیاء الکتب العربیه، ۱۳۷۸ هـ - ق.
۳. ابن شعبه حرانی، ابی محمد حسن بن علی بن الحسین، تحف العقول، تصحیح: علی اکبر غفاری، تهران، کتاب فروشی اسلامیة، ۱۴۰۰ هـ - ق.
۴. ابوجعفر احمد بن خالد البرقی، المحاسن، قم، المجمع العالمی لاهل البيت، ۱۴۱۶ هـ - ق.
۵. امیری، علی نقی، فرزند کوثر، قم، مرکز پژوهش های اسلامی صداوسیما، ۱۳۸۱.
۶. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، غررالحکم و دررالکلم، ترجمه: سید جمال الدین حسینی، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۳.
۷. تمیمی، نعمان بن محمد، دعائم الاسلام، دارالمعارف، بی تا.
۸. حرّ عاملی، محمد بن الحسن، وسائل الشیعه، تهران، اسلامیة، ۱۳۶۷.
۹. حسینی، سید نعمت الله، مردان علم در میدان عمل، قم، جامعه مدرسین، ۱۳۷۰.
۱۰. خلیلیان اشکذری، محمدجمال، الگوی مصرف در اسلام، قم، مرکز پژوهش های اسلامی صداوسیما، بی تا.
۱۱. -----، مفاهیم سازگار و ناسازگار با توسعه اقتصادی در فرهنگ اسلامی، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره)، ۱۳۷۵.
۱۲. دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، روان شناسی اسلامی با نگرش به منابع اسلامی، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۷۴.
۱۳. -----، مبانی اقتصاد اسلامی، تهران، سمت، ۱۳۷۱.
۱۴. دیلمی، ابی محمد حسن بن محمد، ارشاد القلوب، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، چاپ اول، ۱۴۱۳ هـ - ق.
۱۵. راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، دفتر نشر الکتاب، ۱۴۰۴ هـ - ق.

- ۱۶.-----، مفردات الفاظ القرآن، دمشق، دارالقلم، بی تا.
- ۱۷.رحیمی اصفهانی، غلام حسین، اخلاق اسلامی، قم، مؤلف، ۱۳۶۸.
- ۱۸.رحیمیان، محمدحسین، در سایه آفتاب، مؤسسه پایار، چاپ دوم، ۱۳۷۱.
- ۱۹.سبحانی، جعفر، فروغ ابدیت، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۲.
- ۲۰.ستوده، امیررضا، پا به پای آفتاب، تهران، نشر پنجره، ۱۳۷۳.
- ۲۱.شیخ عباس قمی، منتهی الآمال، تهران، علمیه اسلامی، ۱۳۶۳.
- ۲۲.-----، انوارالبهیه، مشهد، مؤسسه منشورات دینی مشهد.
- ۲۳.-----، سفینه البحار، بیروت، دارالاسوه، ۱۴۱۴ هـ - ق.
- ۲۴.صالبان، محمدرضا و عباس پورجانی، اقشار اجتماعی از دیدگاه امام خمینی، ۱۳۸۱.
- ۲۵.صبحی صالح، نهج البلاغه، قم، انتشارات هجرت، ۱۳۹۵ هـ - ق.
- ۲۶.صحیفه نور، سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، ۱۳۶۹.
- ۲۷.صدوق، ابی جعفر محمد بن علی بن ابن بابویه قمی،، من لا یحضره الفقیه، قم، منشورات شریف الرضی، ۱۳۶۸.
- ۲۸.-----، امالی، قم، المطبعه الحکمه، ۱۳۷۳ هـ - ق.
- ۲۹.-----، علل الشرایع، قم، منشورات مکتبه الطباطبایی، بی تا.
- ۳۰.طباطبایی، سید محمدحسین، المیزان، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۹ هـ - ق.
- ۳۱.طبرسی، افضل بن حسن، مجمع البیان، ناصر خسرو، چاپ دوم، بی تا.
- ۳۲.-----، مکارم الاخلاق، قم، منشورات شریف رضی، ۱۴۱۰ هـ - ق.
- ۳۳.طریحی، فخرالدین، مجمع البحرین، تهران، مکتبه المرتضویه، چاپ دوم، ۱۳۶۲.
- ۳۴.طوسی، ابن ابی جعفر محمد بن الحسن، تهذیب الاحکام، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵.
- ۳۵.عروسی حویزی، علی بن جمعه، تفسیر نورالثقلین، بیروت، مؤسسه التاریخ العربی، بی تا.

۳۶. علی بن الحسین ۷، صحیفه سجادیه، ترجمه و نگارش: جواد فاضل، تهران، انتشارات امیرکبیر.

۳۷. فروم، اریک، انسان برای خویشتن، ترجمه: اکبر تبریزی، تهران، بهجت، ۱۳۷۰.

۳۸. فیض الاسلام، علی نقی، نهج البلاغه، تهران، فقیه، ۱۳۶۷.

۳۹. فیض کاشانی، المحججه البیضاء، قم، جامعه مدرسین، ۱۳۶۱.

۴۰. قاضی نعمان، دعائم الاسلام، دارالمعارف، بی تا.

۴۱. کاسترو، ژروئه دو، انسان گرسنه، ترجمه: منیر جزنی، تهران، جاویدنیا، ۱۳۷۹.

ص: ۱۸۷

۴۲. کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه و شرح: جواد مصطفوی، تهران، انتشارات الوفاء، چاپ اول، ۱۳۸۲.
۴۳. -----، الاصول الکافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۳.
۴۴. -----، الفروع الکافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ دوم، ۱۳۶۲.
۴۵. کوئن، بروس، مبانی جامعه شناسی، ترجمه: دکتر توسلی و فاضل، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۷۲.
۴۶. متقی هندی، حسام الدین، کنز العمال، بیروت، مؤسسه الرساله، ۱۴۱۳ هـ - ق.
۴۷. متولی، کاظم، روابط عمومی و تبلیغات، انتشارات بهجت، چاپ اول، ۱۳۷۲.
۴۸. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، بیروت، دار احیاء التراث، ۱۴۰۰ هـ - ق.
۴۹. -----، بحار الانوار، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۲.
۵۰. مختاری، رضا، سیمای فرزندگان، قم، مؤسسه امام صادق، ۱۳۷۹.
۵۱. مرکز تحقیقات سپاه، رهبری از نسل کوثر، زمزم هدایت، بی تا.
۵۲. مطهری، مرتضی، انسان کامل، تهران، صدرا، ۱۳۶۹.
۵۳. -----، جامعه و تاریخ، تهران، صدرا، ۱۳۶۹.
۵۴. -----، حق و باطل به ضمیمه احیای تفکر اسلامی، تهران، صدرا، ۱۳۶۲.
۵۵. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، زمستان ۱۳۶۹.
۵۶. موسوی خمینی، سید روح الله، چهل حدیث، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، چاپ اول، ۱۳۷۱.
۵۷. موسوی، سید جمال الدین، ملاحظاتی پیرامون پیام های اقتصادی قرآن، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۸.
۵۸. موسوی، سید مهدی، پژوهشی در اسراف یا آفت سرمایه ها، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۱.
۵۹. نجفی، محمدحسین، جواهر الکلام، قم، اسلامیه، ۱۴۰۰ هـ - ق.
۶۰. نراقی، مهدی بن ابی ذر، جامع السعادات، قم، دارالتفسیر، ۱۴۹۷ هـ - ق.
۶۱. نیک گهر، عبدالحسین، مبانی جامعه شناسی، انتشارات رایزن، چاپ اول، ۱۳۶۹.

ب) نشریه

۱. آژینی، محسن، «امام و اقتصاد اسلامی»، کیهان، ۱۳۷۴.

۲. پاسدار اسلام، شماره ۳۹، اسفند ۱۳۶۲.

۳. پیام انقلاب، شماره ۵۵، فروردین ۱۳۶۱.

ص: ۱۸۸

۴. رحیمیان، محمدحسن، پاسدار اسلام، شماره ۳۹، اسفند ۱۳۶۳.

۵. روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۴/۹/۱۳۸۵.

۶. طوبی، شماره ۱۵.

۷. نور علم، خرداد ۱۳۶۳

ص: ۱۸۹

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه

اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

